



پیشرفت ایران مرهون ولایت فقیه است

خجسته سالروز پیوند آسمانی
امام علی(ع) و حضرت زهرا (س) مبارک باد

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۱۸۹ | دوشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۴ | ۲۸ ذی القعدة ۱۴۴۶ | ۲۶ مه ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه



الگوی برای امروز و فردا

پژواک جنایت علیه غزه در موزه کمیته یهودیان آمریکا

شلیک به دروغ بزرگ!

«من این کار را برای فلسطین کردم، من این کار را برای غزه کردم.» این، آخرین سخنان «الیاس رودریگز» قبل از دستگیری اش به جرم کشتن دو صهیونیست در موزه کمیته یهودیان آمریکا در واشنگتن دی سی بود. رودریگز، جوان بزرگ شده در شیکاگو، در تاریخ ۲۲ می، دو کارمند سفارت رژیم صهیونی در آمریکا به نام های یارون لیشنسکی ۳۰ ساله و سارا لین میلگریم ۲۶ ساله را با یک اسلحه ۹ میلی متری چند بار مورد هدف قرار می دهد تا آن ها را از پای در آورد. او حالا به جرم دو فقره قتل درجه یک در بازداشت به سر می برد و به زودی روند دادرسی وی آغاز می گردد. اما احتمالاً می توان حدس زد که سرنوشت این پرونده، در بهترین حالت، حبس ابد خواهد بود، البته اگر اعدام شامل حال وی نشود. عمل رودریگز به عنوان فریادی در مقابل بسیاری از جوانان آمریکایی است؛ آن هایی که فهمیده اند برای سال ها دولت در گوش آن ها دروغ فرو کرده است و هرگونه اعتراض به جنایات صهیونیست ها را برچسب یهودی ستیزی زدند. آنها حالا دیگر می دانند وقتی در دانشگاه تجمع می کنند که تنها از دولت خود بخواهند که دست از حمایت رژیمی کودک کش بردارد، با پلیس ضدشورش مواجه می شوند، و حالا هم که ترامپ آن ها را می خواهد از دانشگاه شان اخراج کند. اما این اقدام از طرف لابی صهیونیستی بی پاسخ نمی ماند. آن ها می دانند که چنین اقداماتی، هرچند پراکنده و موسمی به نظر می رسند، اما هرگاه می توانند تبدیل به جنبشی خطرناک بر علیه صهیونیست های آمریکایی شوند و آن ها امنیت خود را حتی درون خاک آمریکا و بعد از آن، اروپا، از دست بدهند. بنابراین آن ها احتمالاً تلاش شان آن است که مشکل را از ریشه حل کنند، و آن پاک سازی محیط های نسبتاً امن برای دانشجویان و اساتیدی است که نمی خواهند به پروپاگاندای رژیم اشغالگر گوش فرا دهند. و در صدر آن ها، دانشگاه است. لابی صهیونیست، ترامپ را به زودی مجبور خواهد کرد که در پشت نقاب مظلومیت یهودستیزی، فشار را بر روزنامه نگاران، خبرنگاران و فعالین مستقل طرفدار فلسطین بیشتر و بیشتر کند. درباره این موضوع در سایت بصیرت بیشتر بخوانید.

پایان ترامپ و
نتانیا هو؟

آیا رژیم صهیونی

در آستانه فروپاشی است؟

نیم نگاه

مذاکرات تمدید شد!

رضا صارمی

دکترای امنیت ملی

برخلاف چهار دوره گذشته مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا که در ایام تعطیلات هفتگی شنبه و یکشنبه آمریکا برگزار می‌شد، دور پنجم مذاکرات تاریخ جمعه دوم خرداد ماه در شهر رم برگزار شد. البته تا روز چهارشنبه هم مشخص نبود که مذاکرات برگزار می‌شود، زیرا سخنان مسئولان آمریکایی به‌خصوص «استیو وینکاف» که مسئول تیم مذاکره‌کننده آمریکا بود مبنی بر اینکه فقط به غنی‌سازی صفر درصد در ایران فکر می‌کند و ایران هم باید کلیه تأسیسات هسته‌ای خود را تعطیل کند، نشان از این موضوع بود که بعد از مذاکرات دور چهارم و خوشبینی اولیه به آن، ادبیات آمریکایی‌ها تغییر کرده است. «مارکو رویو» وزیر خارجه آمریکا در سخنانی گفت که توافق قابل قبول، توافقی است که اجازه غنی‌سازی به ایران را ندهد. همزمان جریان رسانه‌ای غرب اعلام کرد که رژیم صهیونیستی خود را برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران آماده می‌کنم و آمریکایی‌ها هم به‌نوعی این موضوع را تأیید کردند در مقابل رهبر معظم انقلاب در سخنانی در مراسم بزرگداشت شهید رئیسی و شهدای خدمت فرمودند؛ «اینکه بگویند به ایران اجازه غنی‌سازی نمی‌دهیم غلط زیادی است» و در عین حال تأکید کردند که مذاکرات غیرمستقیم در دولت شهید رئیسی انجام می‌گرفت که به‌علت بدعهدی آمریکایی‌ها بی‌نتیجه بود و احتمالاً این دوره از مذاکرات غیرمستقیم هم به نتیجه نمی‌رسد. در ادامه وزارت خارجه ایران در بیانیه‌ای بار دیگر بر حق غنی‌سازی در داخل کشور تأکید کرد و همچنین در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل با تأکید بر مواضع جمهوری اسلامی در ارتباط با غنی‌سازی، آمادگی کشور برای مقابله با هرگونه اقدام نظامی رژیم صهیونی به‌صورت شفاف به دبیرکل اطلاع‌رسانی شد. آقای «عراقچی» روز چهارشنبه اعلام کردند با توجه به مواضع دولت‌مدان آمریکا، ایران مردد است که در مذاکرات دور پنجم شرکت کند که ظاهراً با اصرار وزیر خارجه عمان ایران حاضر به شرکت در مذاکرات جمعه شد. البته طرف آمریکایی‌ها هم از مواضع خود که در طی روزهای قبل گرفته بود، عقب‌نشینی کرد و وینکاف اعلام کرد که با ادامه مذاکرات با ایران امید به توافق دارد. به هر حال با همه تردیدها مذاکرات دور پنجم بعد از سه ساعت به اتمام رسید. آقای عراقچی در مصاحبه‌ای در پایان این دوره از گفت‌وگوها در مصاحبه‌ای اعلام کرد: «مذاکرات پیچیده‌تر از آن است که با دو یا سه جلسه حل‌وفصل شود، امیدوارم در یکی دو جلسه آینده بتوانیم به راهکاری برسیم که مذاکرات قابل پیشرفت باشند.» وزارت خارجه آمریکا هم در بیانیه‌ای اعلام کرد: «مذاکرات با ایران همچنان سازنده است، ما پیشرفت بیشتری داشته‌ایم و هنوز کارهایی باقی مانده است هر دو طرف توافق کردند که در آینده نزدیک دوباره با یکدیگر دیدار کنند.» از بزرگ‌تری مذاکرات دور پنجم می‌توان این برداشت را داشت که هر زمان جمهوری اسلامی قاطعانه و قدرتمندانه بر مواضع اصولی خود تأکید کرده است طرف آمریکایی عقب‌نشینی کرده و به‌نظر می‌رسد که مذاکرات برای آمریکایی‌ها خیلی مهمتر از طرف ایرانی است، زیرا به هیچ‌وجه مایل نیستند مذاکرات به شکست بینجامد. شاید بتوان گفت: جمهوری اسلامی در پنج دوره از مذاکرات غیرمستقیم دست برتر را در مذاکرات داشته است.



علی حیدری

سردبیر

حماسه تاریخی آزادسازی خرمشهر در سوم خرداد سال ۱۳۶۱، تنها یک پیروزی نظامی نبود، بلکه نقطه عطفی در تاریخ مقاومت ملت بزرگ ایران محسوب می‌شود. این فتح بزرگ نشان داد که ایمان به نصرت الهی، رهبری دینی، ایثار و جانفشانی، ایستادگی، مقاومت و روحیه جهادی در بین مردم و نیروهای مسلح، نه‌تنها موجب پیروزی در میدان نبرد می‌شود، بلکه زمینه‌ساز فتوحات بزرگ در عرصه‌های گوناگون دیگر هم خواهد شد. «خرمشهر را خدا آزاد کرد»؛ جمله معروف و مشهور امام خمینی (ره) است که نه‌تنها بیانگر بعد الهی این حماسه، بلکه نشانه‌ای از آن است که ایمان، مقاومت و اراده ملی، همیشه رمز پیروزی خواهد بود.

تجربه دفاع مقدس که یک برگ زرین و پرافتخار آن فتح خرمشهر بود، ثابت کرده است که انگاره ضعف در توان دفاعی، دشمن را به فکر حمله و تجاوز می‌اندازد. از این‌رو جمهوری اسلامی ایران، پس از پیروزی در این دفاع نابرابر، ضمن بهره‌گیری از تجربه هشت ساله جنگ تحمیلی با توسعه توان دفاعی خود در عرصه‌های گوناگون، تقویت نیروهای مسلح

و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین دفاعی، توانسته است بازراندگی قوی‌ای را ایجاد کند که هرگونه تهدید را خنثی می‌کند.

در این میان دشمنان ملت ایران، به‌ویژه آمریکا و متحدانش، از دوران دفاع مقدس تاکنون تلاش کرده‌اند تا با تحریم‌ها و فشارهای حداکثری، اقتصاد کشور و معیشت مردم را تحت فشار قرار دهند که مشکلات بسیاری هم به‌همراه داشته؛ اما از دل این محدودیت‌ها، تقویت توان داخلی حاصل شده و خودکفایی در بسیاری از حوزه‌ها به‌دست آمده است. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب تأکید دارند، اقتصاد مقاومتی و خودکفایی در حوزه‌های راهبردی، بهترین پاسخ به این فشارهاست.

اما جنگ امروز فقط نظامی نیست، بلکه جنگی ترکیبی با تکیه بر جنگ شناختی و ادراکی است که ابعاد رسانه‌ای، فرهنگی و اجتماعی دارد. تقویت هویت ملی، باورهای دینی و روحیه انقلابی، مجهز بودن به دانش روز و اطلاع از واقعیت‌های موجود در کشور

سدهی محکم در برابر تلاش‌های دشمن برای تضعیف اراده ملت ایران است.

اما در چنین شرایطی که از گوشه و کنار تهدیداتی علیه ملت بزرگ ایران صورت می‌گیرد، درس‌های حماسه فتح خرمشهر می‌تواند چراغ راهی برای مقاومت فعال و ایستادگی در برابر دشمنان باشد. فتح خرمشهر نشان داد که مقاومت به‌جای عقب‌نشینی، یک راهبرد موفق

برای حفظ استقلال و عزت ملی است و این رویکرد امروز در حوزه‌های گوناگون به‌ویژه مقابله شناختی با دشمنان همچنان کاربرد دارد. اگر هم دشمن در طول سال‌هایتمادی دست به تهدید زده است. اما نتوانسته آن را عملی کند، همین مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی بوده که از جمله آن‌ها رهبری حکیم و مقتدر و مردم‌بزرگ و شهیدپرور ایران بوده است. این دو عامل مهم را اضافه کنید به توانمندی‌های دفاعی بالای جمهوری اسلامی ایران.

دشمنان ایران که پس از تجربه جنگ هشت ساله، هیچ‌گاه توان مقابله نظامی با کشورمان را نداشتند، همواره تلاش کرده‌اند تا در قالب جنگ ترکیبی علاوه بر فشارهای اقتصادی، با فشارهای سیاسی، ملت ایران را به عقب‌نشینی وادار کنند. اما تجربه آزادی خرمشهر نشان می‌دهد که حفظ اقتدار و عدم عقب‌نشینی در برابر زیاده‌خواهی‌ها، تنها مسیر موفقیت است. از این‌رو در میدان دیپلماسی و مذاکره هم، همانند میدان جنگ، تکیه بر توان داخلی و بهره‌گیری از ابزارهای فشار متقابل، می‌تواند دشمن را از ادامه مسیر تحمیل خواسته‌های خود منصرف کند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها تأکید کرده‌اند که مذاکره نباید به‌معنای پذیرش فشارها باشد. بلکه باید از موضع قدرت انجام شود، درست همان‌گونه که در عملیات بیت‌المقدس، ایران نه‌تنها خاک خود را پس

سر مقاله

انگویی برای امروز و فردا

گرفت، بلکه معادلات جنگ را تغییر داد. این درس در عرصه دیپلماسی نیز کاربرد دارد، تحریم‌ها و فشارهای دشمن، اگر با مقاومت هوشمندانه پاسخ داده شود، خود می‌تواند به فرصتی برای تقویت استقلال کشور تبدیل شود. یکی از مهم‌ترین درس‌های خرمشهر این است که مقاومت، محدود به یک سرزمین نیست، بلکه می‌تواند به یک جریان جهانی تبدیل شود. امروز، این روحیه در سراسر منطقه گسترش یافته است.

در نگاه کلان‌تر، خرمشهر نه‌فقط یک شهر، بلکه یک مکتب و یک راهبرد است. این حماسه، درس‌هایی فراتر از جنگ دارد؛ درس‌هایی برای دیپلماسی، اقتصاد، سیاست و مقاومت در برابر فشارها. امروز، هرگونه تهدید دشمنان چه در مذاکرات، چه در تحریم‌ها و چه در فشارهای نظامی باید با اقتدار، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و ایستادگی هوشمندانه پاسخ داده شود. شاید به‌خاطر همین باشد که فرمانده معظم کل قوا در سال ۱۳۹۵ فرمودند: «خرمشهرها در پیش است؛ نه در میدان جنگ نظامی، در میدانی که از جنگ نظامی سخت‌تر است.»

خرمشهر امروز تنها یک شهر نیست، بلکه نماد مقاومت و سربلندی است. نمادی که همواره پیش روی ماست تا فراموش نکنیم در هرگونه رویارویی با دشمن می‌توان با تکیه بر این درس‌ها، مسیر عزت و سربلندی را پیمود.

مشاور و دستیار رهبر معظم انقلاب در جمع پاسداران انقلاب اسلامی

پیشرفت ایران مرهون ولایت فقیه است

بر جایگاه بین‌المللی این وزیر شجاع و مقتدر بود. شهید آیت‌الله آل‌هاشم، امام‌جمعه تبریز، نیز به‌عنوان نمونه‌ای از یک روحانی مردمی معرفی شد که با سلوک ساده و ارتباط صمیمی با مردم، موانع میان مسنولین و جامعه را از میان برداشت. همچنین، شهید مالک رحمتی، استاندار فقید آذربایجان شرقی، به‌عنوان مدیری با بصیرت، متدین و موفق مورد تعریف قرار گرفت که حتی در مدت کوتاه مسنولیت خود، تأثیرات عمیقی بر مدیریت استان گذاشت.

حل ناترازی‌ها با خدمت به مستضعفین

معاون اول دولت شهید رئیسی، با اشاره به چالش‌های متعددی که دولت سیزدهم با آن مواجه بود، از جمله بحران کرونا، مشکلات ارزی، ناترازی‌های اقتصادی و جنگ روانی دشمنان، تأکید کرد که این دولت با تکیه بر توان داخلی و راهبردهای کلان‌رهبر معظم انقلاب توانست گام‌های بلندی در مسیر پیشرفت کشور بردارد.

وی به برخی دستاوردهای دولت سیزدهم اشاره کرد و گفت: «بیمه ۱۲ میلیون نفر از افراد فاقد بیمه، پوشش بیمه‌ای مادران باردار و کودکان زیر ۶ سال، تأمین داروهای بیماری‌های خاص، و اجرای طرح‌های مسکن و واگذاری زمین رایگان به نیازمندان از جمله دستاوردهای دولت شهید رئیسی برای مردم بود.»

مخبر در خصوص دغدغه اصلی شهید رئیسی اذعان داشت: «یکی از نقاط قوت دولت سیزدهم، تمرکز بر رسیدگی به مستضعفین بود و این موضوع دغدغه‌های اصلی شهید رئیسی نشئت می‌گرفت که برگرفته از آرمان‌های انقلاب اسلامی و تأکیدات امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب بود.»

امام خاتمه‌ای سکان‌دار آرامش در مشکلات مشاور و دستیار رهبر معظم انقلاب با اشاره به نقش بی‌بدیل حضرت آیت الله العظمی خاتمه‌ای در مدیریت کشور پس از شهادت رئیس‌جمهور، از آرامش و ثبات کم‌نظیری گفت که به‌رغم تهدیدات خارجی و بحران‌های داخلی، در کشور حاکم شد. وی به تشییع میلیونی شهید ار شهرهای مختلف و برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در کمتر از دو ماه اشاره کرد و این موفقیت را نتیجه هدایت‌های حکیمانه رهبر معظم انقلاب و همکاری مردم و مسئولین دانست و تأکید کرد: «پس از شهادت شهید رئیسی و هیت همراه انتظار می‌رفت کشور بهم ریخته شود اما این آرامش در سایه «نعمت ولایت» به دست آمد؛ این موضوع نشان‌دهنده عمق پیوند میان مردم و نظام اسلامی است.»



عکس: حامد گودرزی

بر همه مسائل، باور داشت که می‌توانیم گام‌های بزرگی برداریم.»

خطره‌ای از شهید رئیسی

دکتر حاجی صادقی با بیان خاطره‌ای از آخرین دیدار خود با رئیس‌جمهور شهید در مشهد، گفت: «سه چهار روز قبل از شهادتش در مشهد، وقتی وارد اتاق شدم، دیدم اشک می‌ریزد. با لبخند به من تلاش‌های بی‌وقفه سپاه قدردانی کرده و این نهاد را بازوی توانمند دولت در حل مشکلات معرفی کرده بودند.»

شاگرد نعمت ولایت با شمیم

نماینده ولی‌فقیه در سپاه همچنین به نقش محمد مخبر در مدیریت کشور پس از شهادت آیت‌الله رئیسی اشاره کرد و اظهار داشت: «باید شاگرد نعمت ولایت باشیم. همان‌طور که آقای مخبر گفته‌اند هنوز خبر شهادت رئیسی نرسیده بود که حضرت آقا اولین جلسه را با ایشان برگزار کردند و دستورات لازم را دادند. تشکر می‌کنیم از آقای مخبر و همه کسانی که در آن ۷۰ روز، آرام‌ترین روزها را برای کشور رقم زدند. دشمن امیدوار بود که مشکلات بزرگی ایجاد شود اما آن ایام، روزهای بسیار خوبی در حوزه اقتصاد و دیگر مسائل بود.»

سپاه؛ تکیه‌گاه دولت مردمی

در ادامه مراسم دکتر «محمد مخبر»، در سخنانی به بیان نکات مهمی درباره عملکرد دولت سیزدهم، نقش کلیدی رهبر معظم انقلاب، سپاه پاسداران و ویژگی‌های برجسته شهدای خدمت، به‌ویژه رئیس‌جمهور فقید، آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، پرداخت. مخبر با اشاره به نقش بی‌بدیل سپاه پاسداران در طول دولت سیزدهم، این نهاد را «یار و یاور» و «موجب دلگرمی» دولت توصیف کرد و اظهار داشت: «در هر مشکلی، از بحران‌های داخلی گرفته تا مسائل منطقه‌ای، حضور سپاه

سرمایه‌گذار فرشته



علی قاسمی

تحلیلگر ارشد اقتصادی

«سرمایه‌گذار فرشته» کسی است که پول خود را در یک کسب‌وکار کوچک در ازای سهام (معمولاً بین ۱۰ تا ۲۵ درصد) سرمایه‌گذاری می‌کند. سرمایه‌گذاران فرشته معمولاً کارآفرینان یا افرادی باتجربه بسیار زیاد در دنیای تجارت هستند. سرمایه‌گذار فرشته با عنوان دیگری مانند سرمایه‌گذار غیررسمی، سرمایه‌گذار شخصی، سرمایه‌گذار اولیه، فرشتگان بیزینس و... نیز شناخته می‌شود. واژه فرشته اولین بار از سوی افرادی که در برگزاری تئاتر «برادوی» و محصولات آن دچار مشکل مالی شده بودند، استفاده شد. در آن زمان گروهی از ثروتمندان تصمیم گرفتند از سرمایه شخصی خود برای پیشبرد تولیدات تئاتر برادوی هزینه کنند. بعدها این افراد با نام فرشته معروف شدند. اما اصطلاح

سرمایه‌گذار فرشته برای اولین بار توسط فردی به‌نام ویلیام وتزل (William Wetzel) استفاده شد. او به‌عنوان بنیان‌گذار مرکز تحقیقات سرمایه‌گذاری در دانشگاه نیوهامپشایر، مشغول انجام پژوهشی درباره روش جمع‌آوری سرمایه از سوی افراد کارآفرین بود که به داستان ثروتمندان و فرشتگان نجات تئاتر برادوی برخورد کرد.

سرمایه‌گذاران فرشته در مراحل اولیه شکل‌گیری یک استارت‌آپ سرمایه‌گذاری می‌کنند و بدون اینکه در مدیریت آن دخالت کنند، در مالکیت آن سهیم می‌شوند. فرشتگان سرمایه‌گذار، کارآفرینان و مدیران اجرایی با توان مناسب سرمایه‌گذاری هستند که به‌طور معمول روی کسب‌وکارهای کارآفرینان در مراحل اولیه سرمایه‌گذاری می‌کنند. فرشتگان سرمایه‌گذار علاوه بر تمایل برای سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای نوپا و تازه تأسیس، با ارائه مشاوره و کمک به کارآفرینان در مقام راهنما نیز نقش دارند. فرشتگان سرمایه‌گذار نسبت به دیگر گزینه‌های تأمین سرمایه (بانک‌ها و شرکت‌های

سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر) سرمایه‌گذاری‌های کمتر اما با ریسک بالاتر را تقبل می‌کنند و در مراحل زودتری از کسب‌وکار سرمایه‌گذاری را می‌پذیرند. این نوع سرمایه‌گذاری به استارت‌آپ‌ها شتاب می‌دهد و رشد آنها را تسریع می‌بخشد. نمونه‌های موفق چون Whats app و Facebook در روزهای ابتدایی برای گسترش فعالیت‌های خودشان از حمایت سرمایه‌گذاران فرشته برخوردار شدند، به این امید که پس از بزرگ شدن منافع وسیعی را به سرمایه‌گذاران بازگردانند که البته همین‌طور هم شد. سرمایه‌گذاران فرشته علاوه بر اعتمادبه‌نفس بالا، روحیه شجاعت و ریسک‌پذیری بسیار بالایی دارند. هر نوع سرمایه‌گذاری ذاتاً مخاطره‌آمیز است، از جمله سرمایه‌گذاری روی استارت‌آپ‌هایی که در مراحل اولیه قرار دارند. درگیر شدن در یک نوع سرمایه‌گذاری که موفقیت آن تضمین شده نیست، جرئت و جسارت بسیاری می‌خواهد تا پول را برای شروع به‌کار یا برای رشد کردن در اختیار یک استارت‌آپ قرار دهد. ده‌ها مورد از این نوع

پروژه را در داخل کشور می‌توان طراحی و اجرا کرد. هر چند در فرآیند سال‌های گذشته مدل‌های شبیه به آن در کشور مانند «اسنپ» و «تپسی» و مشابه آن صورت گرفته است. مدل نزدیک به این را یکی از مسئولان استان تهران در جذب و راه‌اندازی گلخانه‌ها با دعوت به سرمایه‌گذاری پزشکان متخصص در تهران انجام داده است که تحول صنعت گلخانه در شهرهای ورامین و پیشوا که رتبه یک کشور را دارند، حاصل همان ابتکار عمل است. گفتنی است؛ جذب و راه‌اندازی حداقل چند پروژه در هر استان با محوریت جهت‌دهی استاندارد باید اجرایی شود. قدرت پول‌سازی و درآمدزایی این‌گونه شرکت‌ها بسیار بیشتر از شرکت‌های فعلی است. مدل‌هایی که با سرمایه‌گذاری فرشته در سطح دنیا راه‌اندازی شده روزبه‌روز در حال افزایش است. بهترین نمونه در این زمینه سود ۲۴ میلیارد دلاری اینستاگرام در سال گذشته است که با همین روش به‌دست آورده است.

آیا رژیم صهیونی در آستانه فروپاشی است؟



علی قادری

کارشناس بین‌الملل

جنایت‌های بی‌نظیر «نتانیاهو» در غزه نه‌تنها صدای مجامع بین‌المللی را درآورده حتی موجب اعتراضات داخلی در سرزمین‌های اشغالی شد، به‌طوری‌که ما در هفته گذشته شاهد اعتراضات گسترده در سرزمین‌های اشغالی بودیم. شکاف و گسست نسلی یکی از مهمترین چالش‌های جدید در عرصه داخلی رژیم صهیونیستی است که می‌تواند از درون موجبات فروپاشی این رژیم را فراهم کند.

اعتراضات چند روز پیش سرزمین‌های اشغالی، واقعیت پنهان زیر پوسته جامعه صهیونیستی را بر ملا کرد. این اعتراضات بیش از پیش نشان‌دهنده تقابل و گسست نسلی درون جامعه رژیم صهیونیستی است. در سال‌های اخیر رژیم صهیونیستی شاهد تحولات اجتماعی و سیاسی عمیقی بوده که یکی از مهم‌ترین آنها گسست میان نسل جوان و تفکر حاکمیتی است. این شکاف ریشه در تفاوت‌های ارزشی، فرهنگی، و سیاسی میان نسل‌های جدید و ساختار سیاسی - نظامی حاکم بر رژیم صهیونیستی دارد که بیشتر توسط نسل‌های قدیمی‌تر و دیدگاه‌های محافظه‌کارانه‌تر هدایت می‌شود. نسل جدید رژیم صهیونیستی، به‌ویژه متولدان دهه‌های ۱۹۹۰ و

۲۰۰۰، با دسترسی به رسانه‌های اجتماعی و مواجهه با گفتمان‌های جهانی، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به مسائل کلیدی مانند درگیری رژیم صهیونیستی - فلسطین، سیاست‌های نظامی، و هویت ملی دارند. این تفاوت‌ها به تقابل فکری و گفتمانی با حاکمیت منجر شده که به‌ویژه در زمینه جنگ غزه و اعتراضات اخیر بر جسته‌تر شده است. نسل جدید در سرزمین‌های اشغالی دارای دیدگاه‌های مذهبی افراطی ملهم از دیدگاه‌های صهیونیستی و کابالیستی نیستند. نسل جوان سرزمین‌های اشغالی اساساً دارای دیدگاه‌های سکولاریستی بوده و خواهان رویکرد متعادل‌تری در حوزه سیاست خارجی این رژیم به‌ویژه در قبال فلسطینی‌ها و کشورهای مسلمان هستند. این نسل به‌شدت به‌دنبال کاهش تنش بوده و با سیاست‌های جنایتکارانه نتانیاهو و باند تبهکار حاکم بر سرزمین‌های اشغالی و اقدامات این گروه به‌شدت مخالفند و معتقدند که این گروه رژیم صهیونیستی را به‌ورطه نابودی کشانده‌اند.

اعتراضات روزهای اخیر توسط گروه «ایستاده با هم» Standing Together ساماندهی شده بود. این گروه در اعتراضات اخیر نقش کلیدی داشته و با شعارهایی مانند «جلوی وحشت‌ها در غزه را بگیرید» به خیابان‌ها آمده است. «آلون لی گرین» رهبر این گروه، از چهره‌های برجسته مخالف جنگ است که به‌دلیل فعالیت‌هایش بازداشت شده است. معترضان معتقد بودند که ادامه جنگ نه‌تنها به اهداف اعلام شده (نابودی حماس و آزادی گروگان‌ها)

منجر نمی‌شود، بلکه سبب افزایش تلفات غیرنظامی و انزوای بین‌المللی رژیم صهیونیستی می‌شود. این اعتراضات با واکنش تند نیروهای امنیتی مواجه‌شدو چندین نفر، از جمله رهبر گروه، بازداشت شدند. این رویداد نشان‌دهنده رشد جنبش‌های مدنی اعتراضی در میان نسل جوان است که به‌دنبال تغییر گفتمان غالب در رژیم صهیونیستی هستند. همچنین، این اعتراضات نشانه‌ای از بیداری افکار عمومی در رژیم صهیونیستی است، به‌ویژه در میان کسانی که معتقدند سیاست‌های نتانیاهو بیشتر به حفظ قدرت سیاسی او کمک می‌کند تا تأمین امنیت ملی.

«ایلان پاپه» مورخ برجسته صهیونیستی که از منتقدان سرسخت سیاست‌های رژیم صهیونیستی، از جمله سیاستمداران مخالف سیاست‌های نتانیاهو است. او محاصره غزه و عملیات نظامی در این منطقه را به‌منزله «نسل‌کشی آهسته» توصیف کرده و معتقد است، این اقدامات بسا تعریف حقوقی نسل‌کشی مطابقت دارد. سازمان بتسلم (B Tse-lem) یکی دیگر از سازمان‌های حقوق بشری اسرائیلی است که در سال ۲۰۲۱ اسرائیل را به‌عنوان یک رژیم آپارتاید معرفی کرد.

«بی‌بی‌سی» در گزارش خود در روز ۲۱ می (۳۱ اردیبهشت) خود تحت عنوان «وضعیت در حال تغییر است: خشم اسرائیل از ادامه جنگ افزایش می‌یابد» یا گزارش «تام‌بنت» و وضعیت درونی سرزمین‌های اشغالی را در حال تغییر و خطرناک می‌داند. در این گزارش به نقل از «یائیر گولان»

سیاستمدار چپ‌گرا و معاون سابق فرمانده نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF)، به اظهارات او با عنوان «اگر به رفتار عاقلانه خود بازنگردیم، اسرائیل در مسیر تبدیل شدن به یک کشور منفور، مانند آفریقای جنوبی، قرار دارد» اشاره داد. همچنین این خبرگزاری به نقل از موشه «بوگی» یعلون، وزیر دفاع سابق رژیم صهیونیستی و رئیس ستاد کل نیروهای دفاعی این کشور، در پستی در «شبکه ایکس» نوشت: «این یک «سرگرمی» نیست، بلکه یک سیاست دولتی است که هدف نهایی آن حفظ قدرت است. و ما را به‌سمت نابودی سوق می‌دهد.» «وال‌استریت ژورنال» نیز در گزارش ۲۱ ماه می سال جاری میلادی به قلم «آناث پلد» با عنوان «افکار عمومی خسته اسرائیل علیه جنگ در غزه موضع گرفته است» به تجزیه و تحلیل تظاهرات ضدجنگ و اعتراضات داخلی در سرزمین‌های اشغالی پرداخته است.

بنابراین اعتراضات چند روز پیش در رژیم صهیونیستی (می ۲۰۲۵) نمونه‌ای برجسته از تقابل نسل جدید با سیاست‌های حاکمیتی است. جامعه صهیونیستی با چالش گسست نسلی جدی مواجه شده و این امر نشان از جامعه‌ای در حال تغییر است که مطالبات و خواسته‌هایش کاملاً با دیدگاه‌های جنگ‌افروزانه باند حاکم بر سرزمین‌های اشغالی متفاوت است و این زنگ خطر جدی را برای پایان کار این گروه جنایت‌کار به صدا درآورده است.

عکس و مکث



خدمت رسانی به عشق شهید خدمت/ همزمان با سالگرد شهید جمهور، مردم دست به خدمات اجتماعی رایگان زدند. یکی از این اقدامات جمع آوری زباله‌ها از پارک محله و پاکسازی محله و مسجد توسط مردم بود.



به تحقیرش می‌ارزید؟/ تیتیر «Sheikh it up» روزنامه نیویورک پست به این معناست که ترامپ خودش را به وسیله شیوخ عرب بالا بکشد. حقیقت این است که آمریکایی‌ها هم شیوخ عرب را دوشیدند هم مسخره و تحقیر کردند.



رکوردی تلخ/ برای نخستین بار در شش دهه اخیر، تعداد نوزادان متولدشده در ایران به کمتر از یک میلیون نفر رسید. این کاهش چشمگیر، تنها یک عدد آماری نیست؛ بلکه نشانه‌ای جدی از تغییر سبک زندگی است.



بایدن رفتنی است/ رانی جکسون، پزشک اسبق کاخ سفید و نماینده کنونی کنگره آمریکا می‌گوید که جو بایدن، رئیس جمهور سابق که به سرطان مبتلا شده است و شدت این بیماری به حدی است که احتمالاً بیش‌تر از ۱۲ تا ۱۸ ماه دیگر زنده نخواهد ماند.



شهادت برادر شهید یحیی السنوار/ دکتر زکریا السنوار، استاد تاریخ معاصر که چند روز پیش در حمله هوایی رژیم صهیونیستی به چادرش در اردوگاه النصیرات زخمی شده بود، شهید شد.



روشنایی از بمب اتم/ آمریکا از یک بمب اتم جدید خود رونمایی کرد. تنها کشوری که از بمب اتم استفاده کرده آمریکاست. آخرین کشوری که از یک بمب اتم رونمایی کرده هم آمریکاست. جالب اینجاست که بمب اتمی آمریکا مشروعیت دارد اما صنعت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران خطرناک می‌شود!

دیدگاه

شماره ۱۱۸۹ | دوشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۴

صداقت

روزنه

پایان ترامپ و نتانیاهو؟



رضا قاری

کارشناس سیاسی

«ترامپ» و «نتانیاهو» خود آمریکا و رژیم صهیونیستی را دارند از بین می‌برند. در این مطلب کوتاه به بررسی عوامل و پیامدهای نابودی جمهوری خواهی ترامپ و نتانیاهو در سال ۲۰۲۵ می‌پردازیم.

عوامل نابودی

۱- افزایش نارضایتی عمومی؛ نارضایتی‌های اجتماعی و اقتصادی در آمریکا و رژیم صهیونیستی به اوج خود رسیده است. در آمریکا، درصد بالایی از مردم از سیاست‌های اقتصادی ترامپ و دولت‌های قبلی ناراضی هستند. در رژیم صهیونیستی، فساد و ناکارآمدی دولت نتانیاهو به نارضایتی‌های عمومی دامن زده است.

۲- تضعیف نهادهای دموکراتیک؛ تضعیف نهادهای دموکراتیک در هر دو کشور به یکی از چالش‌های اصلی تبدیل شده است. تلاش‌ها برای محدود کردن قدرت قوه قضائیه در رژیم صهیونیستی و حملات به نهادهای دولتی و رسانه‌ها در آمریکا به کاهش اعتماد عمومی به سیستم سیاسی منجر شده است.

۳- چالش‌های داخلی و خارجی؛ افزایش تنش‌ها در خاورمیانه و بحران‌های امنیتی ناشی از سیاست‌های تهاجمی، به نگرانی‌های جدی برای هر دو کشور دامن زده است.

۴- تجزیه درون‌حزبی؛ هر دو حزب جمهوری‌خواه در آمریکا و «لیکود» در رژیم صهیونیستی با چالش‌های داخلی جدی مواجه هستند. در آمریکا، اختلاف‌نظرهای عمیق بین حامیان ترامپ و جناح‌های میانه‌رو می‌تواند به تضعیف حزب و از دست دادن قدرت بینجامد. در سرزمین اشغالی نیز احزاب گوناگون به‌شدت با یکدیگر در تضاد هستند

پیامدها

۱- بی‌ثباتی سیاسی؛ این عوامل می‌توانند به بی‌ثباتی سیاسی در هر دو کشور بینجامند. انتخابات آینده در آمریکا و رژیم صهیونیستی ممکن است با بحران‌های جدی و درگیری‌های داخلی همراه باشد.

۲- افزایش تنش‌های اجتماعی؛ نارضایتی‌ها می‌تواند به افزایش تنش‌های اجتماعی بینجامد. اعتراضات و ناآرامی‌های عمومی ممکن است در هر دو کشور به‌وقوع بپیوندد و این امر می‌تواند به بحران‌های جدی اجتماعی تبدیل شود.

۳- کاهش اعتبار بین‌المللی؛ نابودی یا تضعیف جمهوری خواهی ترامپ و نتانیاهو می‌تواند به کاهش اعتبار بین‌المللی آمریکا و اسرائیل منجر شود. این کاهش اعتبار می‌تواند بر روابط بین‌المللی و همکاری‌های امنیتی و اقتصادی تأثیر منفی بگذارد.

نتیجه‌گیری

سیاست‌ها و رویکردهای ترامپ و نتانیاهو نه‌تنها به نابودی اعتبار و مشروعیت خودشان منجر می‌شود، بلکه می‌تواند به تضعیف بنیان‌های دموکراتیک و اجتماعی آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز بینجامد.

دیگران

طرح دفاع موشکی «گنبد طلایی»

طرح ابتکاری «گنبد طلایی»، با هدف رهگیری موشک‌های دوربرد و مافوق صوت، به‌سرعت در حال تبدیل شدن به محور سیاست دفاع موشکی ایالات متحده است.
با سرمایه‌گذاری اولیه ۲۵ میلیارد دلاری از کل ۱۷۵ میلیارد دلار، این سامانه فراتر از مباحث فنی، بر همگرایی جهانی با آمریکا و جبران کاهش حضور نظامی این کشور در عرصه بین‌الملل اثر خواهد داشت.
از این‌رو و بر مبنای این طرح، گفت‌وگویی احیا شده با متحدان در اروپا، آسیا و خاور میانه، می‌تواند منافع راهبردی، سیاسی و صنعتی در پی داشته باشد، هر چند موفقیت آن به غلبه بر چالش‌های فنی، حساسیت‌های منطقه‌ای، و پرهیز از اغراق در نقش بازدارندگی «گنبد طلایی» برای متحدان وابسته است.

سرمایه‌گذاری در این طرح می‌تواند ضمن اطمینان‌بخشی به متحدان در برابر تهدیدات، نیاز به استقرار گسترده نیروهای زمینی را کاهش داده و به تمرکز بر رقابت راهبردی با چین یاری رساند. اگر «گنبد طلایی» به اهداف خود دست یابد، منابع رای‌بسمت توسعه سامانه‌های دفاع موشکی فضاییابه سوق خواهد داد که این امر بازار فعلی، متشکل از حسگرها و رهگیرهای زمینی و دریایی را متحول می‌کند. با توجه به فقدان صنعت فضایی پیشرفته در میان اغلب متحدان، همکاری راهبردی در «گنبد طلایی» احتمالاً به‌معنای تهیه سامانه‌های دفاع موشکی آینده ایالات متحده توسط آنان و اعطای مشوق‌هایی برای تولید مشترک خواهد بود، روندی که هم‌اکنون ژاپن و رژیم صهیونیستی در آن مشارکت دارند. با این حال، برای شکل‌گیری همکاری گسترده‌تر، ایالات متحده باید چندین مشکل نظامی و دیپلماتیک را مدیریت کند. نخست، شرکا با تهدیدات متفاوتی مواجه‌اند: اروپا نگران موشک‌های کروز و پهپادها، و خاورمیانه درگیر تهدیدات ایران است، درحالی‌که «گنبد طلایی» بر موشک‌های قاره‌پیما تمرکز دارد، هر چند رهگیرهای فضاییابه آن می‌توانند برای متحدان نیز مفید باشند. توانایی دفاع موشکی برای اطمینان‌بخشی بسته به‌شدت تهدید متفاوت است و اولویت‌بندی منطقه هند-اقیانوسیه ممکن است موجب نگرانی دیگران از کنار گذاشته شدن شود.

دومین چالش، نابرابری در ساختارهای امنیتی منطقه‌ای است؛ در حالی‌که در اروپا چارچوبی منطقه‌ای برای دفاع موشکی وجود دارد، در خاورمیانه و آسیا، همکاری‌ها عمدتاً دوجانبه است و بی‌اعتمادی شرکای محلی و اکراه آنها از گره زدن امنیت ملی خود به سازکارهای وابسته به واشنگتن، مانع از یکپارچگی منطقه‌ای می‌شود. واشنگتن باید ضمن تقویت چارچوب‌های همکاری موجود، به بررسی قالب‌های جدیدی مانند همکاری سه‌جانبه با ژاپن و کره جنوبی، یا گفت‌وگوهای چهارجانبه امنیتی و همکاری ناتو با شرکای آسیایی خود بپردازد. همچنین، تطبیق با منافع صنعتی متفاوت شرکا ضروری است، چراکه متحدان ایالات متحده، صنایع دفاعی داخلی با برنامه‌های دفاع موشکی خاص خود را دارند. در اروپا، با وجود ابتکار «اسپر آسمان»، تمایل به خودکفایی دفاعی، به‌ویژه در بحبوحه بحران فرآآلاتنیک، می‌تواند اروپایی‌ها را به‌سمت نسخه بومی دفاع موشکی سوق دهد.

ترجمه اختصاصی صبح صادق از مقاله اندیشکده شورای آتلانتیک



نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

در طول تاریخ پدیده نفوذ و جاسوسی، همواره چالشی حیاتی برای امنیت ملی کشورها محسوب شده است. با توجه به اهمیت این پدیده ماجرای اخیر دستگیری یک عامل نفوذی در حزب‌الله لبنان به‌سرعت در سرخط توجه رسانه‌های ایران و جهان قرار گرفت. این پرونده، ضرورت تحلیل علمی و تخصصی خیانت از منظر امنیت ملی و ضد اطلاعات را برجسته ساخته و بر اهمیت تقویت سنکرها‌ی حفاظتی در برابر جنگ نرم و رخنه دشمن، که متأسفانه تلفات دردناکی چون شهادت فرماندهان برجسته مقاومت را در پی داشته، تأکید می‌ورزد. از این‌رو در ادامه ضمن بررسی ابعاد جالب توجه ماجرای خیانت «محمدهادی صالح» درس‌آموخته‌های این ماجرا را بیان خواهیم کرد.

مسیر انحراف و سقوط «محمد هادی» که پیشتر در صفوف مقاومت حضور داشته و در جبهه‌های نبرد علیه تروریسم تکفیری در سوریه، به‌خصوص حلب، جنگیده بود و به‌واسطه پیوندهای خانوادگی عمیق با فرهنگ ایتار (ازجمله عضویت پدر در حزب‌الله و شهادت نزدیکان) بیگانه نبود، تلاقی پیچیده‌ای از ضعف‌های فردی، شیوه‌های جذب هدفمند دشمن و بسترهای مستعدکننده خیانت را به نمایش می‌گذارد. گزارش‌های مبسوط رسانه‌های لبنانی از این ماجرا نشان می‌دهد، «محمدهادی صالح» به‌دلیل ورود به فعالیت‌های اقتصادی پرمخاطره، به‌ویژه سرمایه‌گذاری در بورس و رمزارزها (پدیده‌ای که جاذبه کاذب آن در کشورمان نیز مشکلاکتی ایجاد کرده) با بحران مالی جدی روبه‌رو شده بود. این تنگناهای مالی، که به تعلیق و درنهایت اخراج وی از ساختار رسمی حزب‌الله حتی پیش از عملیات طوفان‌الاقصی انجامید، نقطه آسیب‌پذیری مهمی بود که سرویس‌های اطلاعاتی دشمن صهیونی با هوشمندی شناسایی و به‌مزنله دروازه ورود برای جذب مورد بهره‌برداری قرار دادند. این گسست سازمانی و استیصال مالی، فضایی را برای پذیرش پیشنهادهای وسوسه‌انگیز دشمن حتی به‌قیمت خیانت به آن‌ها فراهم آورد!

فرآیند جذب «صالح» ازسوی موساد، آن‌گونه که در گزارش‌ها آمده، با تعاملی به ظاهر ساده در فضای مجازی و با استفاده از ابزارهای اطلاعاتی منبع‌باز (OSINT) آغاز شد. وی با مشاهده یک آگهی در فیس‌بوک با عنوان «آیا قبلاً عضو حزب‌الله بودی؟» کنجکاو شده و پیام ارسال می‌کند. این رویکرد، نشانگر سرمایه‌گذاری دشمن بر پتانسیل شبکه‌های اجتماعی برای شناسایی و ارتباط اولیه با اهداف بالقوه، به‌ویژه نیروهای منفصل یا ناراضی است. مرحله اعتمادسازی اولیه نیز با شیوه‌ای روانشناسانه انجام شد؛ پس از تردید «صالح»، طرف صهیونی با یک مانور اطلاعاتی سباده (ارسال و دریافت یک کد از طریق صفحه رسمی ارتش رژیم صهیونیستی) اعتماد اولیه را جلب می‌کند. سپس ارتباطات وی با دو افسر موساد با اسامی مستعار «محسن» و «ابوداود» و نفر سومی به نام «علی» از طریق پست‌الکترونیک ادامه می‌یابد. این شیوه نشان می‌دهد دشمن چگونه با بهره‌گیری از نقاط ضعف روانشناختی و اراده «اثبات‌های» ظاهراً قانع‌کننده، مقاومت اولیه هدف را در هم شکسته و اورا تدریجاً به دام می‌اندازد، که



درس‌هایی از ماجرای شکار جاسوس موساد در لبنان

نفوذ و خیانت

تصادفی، به‌اطلاع‌رسانی به‌مسئولان امنیتی حزب‌الله و سپس بازداشت وی منجر شد. اینکه یک عامل نفوذی، نه از طریق سازکارهای ضدجاسوسی، بلکه به‌واسطه یک اختلاف مالی شخصی شناسایی می‌شود، زنگ خطری برای سیستم‌های نظارتی است و این سؤال را مطرح می‌کند که اگر این اتفاق نبود، وی تا چه زمانی به خیانت ادامه می‌داد؟ این امر ضرورت بازنگری در رویه‌های نظارتی و اهمیت هوشیاری عمومی را نشان می‌دهد، هر چند انکای صرف به چنین کشف‌هایی نمی‌تواند جایگزین سیستم‌های ضد اطلاعاتی کارآمد باشد. در اینجا ذکر این نکته نیز ضروری است که این جاسوس با اطمینان از اینکه هیچ‌کس به وی شک ندارد، هیچ‌یک از پیام‌های رد و بدل شده خود با موساد را از تلفن همراهش پاک نکرده بود!

فراتر از این پرونده، تاریخ مبارزات جبهه مقاومت همواره شاهد فداکاری‌ها و پیروزی‌ها بوده است. اما زخم‌هایی از خیانت و نفوذ را نیز بر پیکر دارد. پرونده «محمدهادی صالح»، نه اولین و نه آخرین نمونه خواهد بود. این واقعیت تلخ، لزوم تحولی بنیادین در نگرش امنیتی و سرمایه‌گذاری جدی در آموزش و پژوهش‌های حفاظتی و ضداطلاعاتی را ضروری می‌سازد. نباید فراموش کرد که بخش قابل توجهی از خسارات وارده به جبهه مقاومت، ازجمله شهادت فرماندهان تاریخ‌سازش، ریشه در ضعف‌های امنیتی و موفقیت دشمن در عملیات اطلاعاتی و نفوذ داشته است. صرف برخورد امنیتی و قضایی با جاسوسان، هر چند لازم است، اما برای ریشه‌کنی این معضل کافی نیست. غفلت از درمان زمینه‌ها و ریشه‌های گرایش افراد به خیانت، مانند تلاش برای خشکاندن سطحی است که از عمق دچار نشی است. بنابر این، اولین گام اساسی، فراتر رفتن از اقدامات واکنشی است. شناسایی، دستگیری و مجازات خائنین ضروری است، اما کافی نیست. آنچه در کنار برخورد قاطع لازم است، انجام پژوهش‌های عمیق علمی ازسوی محققان، روانشناسان و جامعه‌شناسان

خود ارزیابی همه‌چیز است

به «مشری» (سیاستمدار یا فرمانده تصمیم‌گیر)، در میان تحلیلگران اطلاعاتی نیز تقویت می‌شود؛ بخشی از این امر ناشی از تلاش برای جلوگیری از وضعیتی است که غیر حرفه‌ای تلقی شود.

در نتیجه، پس از ارائه یک ارزیابی، تمرکز تحلیلگران اغلب از بازسنجی و پویایی خود ارزیابی، به‌سمت تبیین پیامدهای آن برای جمع‌آوری اطلاعات بیشتر، جا انداختن ارزیابی نزد مشتری و ارائه توصیه‌های سیاسی و عملیاتی معطوف می‌شود. این فعالیت‌ها، هر چند ضروری، اما تمرکز را از پیامدهای خود ارزیابی برای «فرآیند ارزیابی اطلاعاتی» منحرف می‌سازد. مشکل اصلی اینجاست، سازکار فعلی برای تعیین و ارائه ارزیابی‌های اطلاعاتی، تفکر تحلیلگران را دچار جمود می‌کند و این خطر را افزایش می‌دهد که آنها تغییرات در الگوهای رفتاری کنشگران (اعم از دشمن، رقیب یا حتی فرصت‌ها) را که بر توانایی پیش‌بینی و اعتبار پیش‌بینی تأثیر می‌گذارد، تشخیص ندهند.

این ایستایی در تحلیل، زمانی‌که الگوهای رفتاری آشنای طرف مقابل دچار گسست شده و دیگر نمی‌توانند مبنای قابل‌انکایی برای ارزیابی باشند، به مشکلی جدی بدل می‌شود. بدتر آنکه، محدودیت‌های شناختی انسانی و سوگیری‌های ناخودآگاه، تشخیص این معضل را برای تحلیلگران دشوار می‌سازد و این خطر را تشدید می‌کند که



فریدون حیدری حویق

کارشناس سیاسی

در عصر پر پیچیدگی و عدم قطعیت، امروز نقش اطلاعات و تحلیل دقیق آن در فرآیند تصمیم‌گیری‌های کلان، حیاتی‌تر از هر زمان دیگری است. نهادهای اطلاعاتی و مراکز تصمیم‌سازی، همواره در پی دستیابی به برآوردهای دقیق از وضعیت و پیش‌بینی روندهای آتی هستند تا بتوانند با آمادگی و بصیرت بیشتری در جهت تأمین منافع ملی گام بردارند. اما آیا الگوهای رایج تحلیل و ارزیابی اطلاعات، همواره پاسخگوی این نیاز فزاینده هستند؟ شواهد و تجارب متعدد، ضرورت بازنگری در این الگوها را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

یکی از چالش‌های اساسی در فرآیند ارزیابی اطلاعات، تمایل به «قطعی‌پنداری» و «ایستایی» تحلیل‌ها پس از ارائه به تصمیم‌گیران است. به‌عبارت دیگر، هنگامی که یک ارزیابی اطلاعاتی تدوین و ارائه می‌شود، بیشتر به‌مثابه یک موجودیت ثابت و انعطاف‌ناپذیر تلقی می‌شود. پیش‌بینی‌های مربوط به آینده، به‌سرعت به یک «مفهوم» یا واقعیت تثبیت‌شده در مورد زمان حال تبدیل می‌شوند. این پدیده، به‌ویژه پس از تحویل ارزیابی

متخصص در حوزه مقاومت و امنیت است. این تیم‌ها باید با بررسی دقیق پرونده‌هایی مانند «محمد هادی صالح»، به واکاوی زمینه‌های گرایش این افراد به خیانت بپردازند. عواملی چون آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، ضعف در مبانی اعتقادی، جاه‌طلبی‌های ناسالم، سرخوردگی‌های روانی و سازمانی، و شیوه‌های پیچیده مهندسی اجتماعی دشمن، باید مورد کنکاش دقیق علمی قرار گیرند. تنها با فهم عمیق این ریشه‌هاست که می‌توان سیاست‌های پیشگیرانه مؤثری طراحی و به سیاست‌گذاران و فرماندهان پیشنهاد داد تا مانع از گرفتار شدن «صالح»‌های بیشتری در چنگ دشمن شوند.

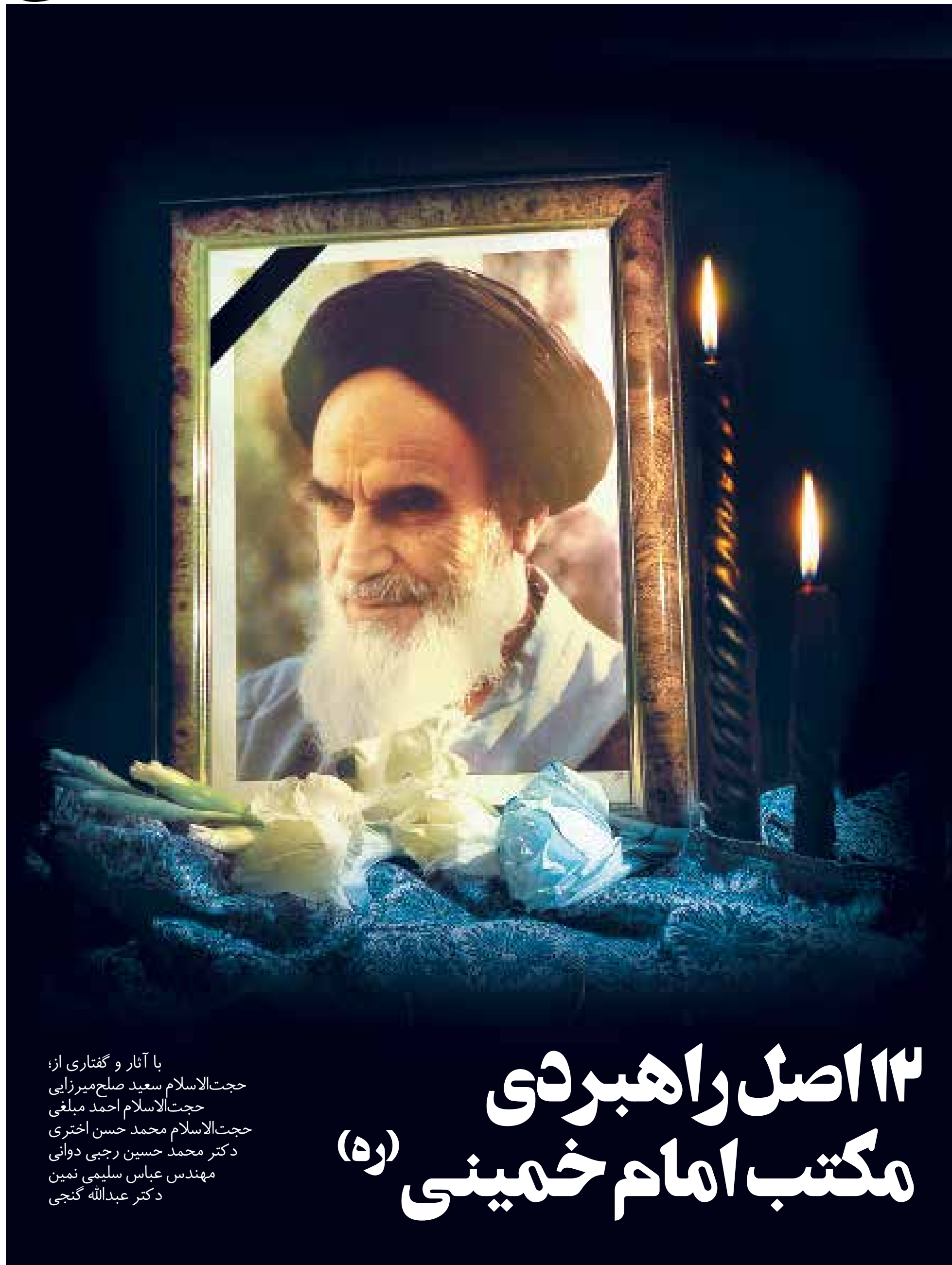
دوم، بازنگری و تقویت فرآیندهای گزینش، آموزش، نظارت مستمر حین خدمت، و به‌ویژه، مدیریت منابع انسانی پس از انفصال از خدمت (اعم از بازنشستگی، تعلیق یا اخراج) یک الزام راهبردی است. افرادی که به هر دلیل از ساختار رسمی جدا می‌شوند، به‌دلیل اطلاعات قبلی و آسیب‌پذیری‌های بالقوه، اهداف مطلوبی برای دشمن هستند و نیازمند سازکارهای حمایتی، مشاوره‌ای و نظارتی هوشمند هستند. همچنین، فرآیند بررسی صلاحیت برای بازگشت افراد به خدمت، به‌ویژه با سابقه انفصال همراه با دلخوری، باید با حساسیت و دقت مضاعف صورت پذیرد. سوم، تقویت و روزآمدسازی مستمر سیستم‌های ضدجاسوسی، با تمرکز ویژه بر تهدیدات نوین در فضای سایبر و جنگ‌های شناختی، اجتناب‌ناپذیر است. استفاده دشمن از شبکه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های کلان برای شناسایی نقاط ضعف، واقعیتی انکارناپذیر است. بنابر این، ارتقاء توانمندی‌های فنی و انسانی در امنیت سایبری، آموزش نیروها در خصوص شیوه‌های مهندسی اجتماعی و فریب دشمن در فضای مجازی، و پیاده‌سازی لایه‌های دفاعی هوشمند برای حفاظت از داده‌ها و ارتباطات، باید در اولویت باشد. چهارم، توجه ویژه به سلامت مالی، رفاه معیشتی و عدالت سازمانی در میان نیروها و خانواده‌های آنان، به‌مزنله یک سپر دفاعی مهم در برابر قطعیت مادی دشمن، باید مورد تأکید قرار گیرد. اگر چه خیانت توجیه مادی ندارد، اما نمی‌توان نقش فشارهای اقتصادی و احساس بی‌عدالتی را به‌عنوان عامل تسهیل‌کننده نادیده گرفت. پنجم، تعمیق و تحکیم مستمر مبانی اعتقادی، اخلاقی، بصیرتی و هویت سازمانی نیروها، سنگ بنای مقاومت در برابر انواع تهدیدات نرم و سخت است. این امر نیازمند برنامه‌های آموزشی و تربیتی مستمر، عمیق و جذاب است که به تقویت ایمان، تعهد، وفاداری و تفکر انتقادی منجر شود. ششم، ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ حفاظت اطلاعات و هوشیاری امنیتی در تمامی سطوح سازمان، یک ضرورت دامن‌ی است. هر عضو مقاومت باید خود را یک دیده‌بان امنیتی بداند و نسبت به نشانه‌های مشکوک حساس باشد. این فرهنگ‌سازی باید با ارتقاء هوشیاری، از ایجاد فضای بی‌اعتمادی مسموم در سطح سازمان‌ها و نهادهای امنیتی و حساس جلوگیری کند؛ بدون شک تنها با چنین رویکردی می‌توان از تکرار تجارب پرهزینه گذشته جلوگیری کرد و امنیت پایدار و عزت روزافزون را برای جبهه مقاومت و ملت‌های مظلوم منطقه، ازجمله ملت سرافراز کشورمان، به ارمان آورد.

بین‌المللی و حتی داخلی)، سنجش تأثیرات متقابل ارزیابی‌ها در سطوح گوناگون (راهبردی، عملیاتی، تاکتیکی)، برآورد پیامدهای واکنش نشان دادن یا ندادن به فرصت‌ها و ریسک‌های شناسایی شده، و همچنین ارزیابی «بهای خطا» در سناریوهای گوناگون، ازجمله مواردی هستند که باید به‌طور پیوسته مورد مذاقه قرار گیرند. آیا اگر پیش‌بینی محقق شد، نشان‌دهنده صحت برآورد بوده یا تنها یک تصادف؟ و برعکس، آیا عدم تحقق یک پیش‌بینی لزوماً به‌معنای نادرستی برآورد است؟

چنین رویکرد پویایی، تحلیلگران را از اسارت در چارچوب‌های ذهنی ثابت و سوگیری‌های تأییدی رها می‌کند، پویایی بیشتری به فرآیند و محصول ارزیابی می‌بخشد و کیفیت آن را در طول زمان و در مواجهه با شرایط متغیر، ارتقا می‌دهد.

این امر نه‌به‌معنای تغییر مداوم ارزیابی‌ها تحت تأثیر فشارهای بیرونی، بلکه به‌معنای توسعه دیدگاهی جامع‌تر، غنی‌تر و عمیق‌تر نسبت به خود عمل ارزیابی اطلاعاتی است.

نتیجه این بهبود، دستیابی به ارزیابی‌های دقیق‌تر، بررسی مداوم اعتبار پیش‌بینی‌ها، توجه مستمر به سناریوهای با احتمال پایین‌تر (که اغلب پس از ارائه ارزیابی اولیه مغفول می‌مانند، اما می‌توانند پیامدهای بسیار سنگینی داشته باشند) و گسترش ظرفیت شناسایی مشکلات و نقاط ضعف در ارزیابی‌ها خواهد بود.



با آثار و گفتاری از:
حجت الاسلام سعید صلح میرزایی
حجت الاسلام احمد مبلغی
حجت الاسلام محمد حسن اختری
دکتر محمد حسین رجبی دوانی
مهندس عباس سلیمی نمین
دکتر عبدالله گنجی

۱۲ اصل راهبردی مکتب امام خمینی (ره)

امام و پانزده خرداده

در تقویم تاریخی انقلاب اسلامی به‌مناسبت بیستمین سالروز قیام خونین ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ امام خمینی (ره) در ۱۵ خرداد سال ۱۳۶۲ پیامی مهم صادر کردند و این مقطع ۲۰ ساله را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند و نکات ظریف و قابل توجهی را یادآور شدند که بسیار ارزنده و آموزنده است که چند سر فصل آن ذیلاً ارائه می‌شود.

۱- «ملت عظیم‌الشان ایران «خرداد»ها را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشتند و به‌رغم تبهکاران جهان و سرسپردگان‌شان که با انواع سلاح‌ها ملت سستمدیده ایران را تهدید به سقوط می‌کردند و خواب‌های خرگوشی برای بلعیدن کشور و چپاولگری‌های روزهای سیاه ستمشاهی می‌دیدند، امروز پانزده خرداد ۱۳۶۲ را مشاهده می‌کنیم، استحکام پایه‌های حکومت اسلامی و قدرت نظام جمهوری اسلامی و قوای نظامی و انتظامی و... روزافزون است.»
انقلاب اسلامی در جهان را متذکر شده و فرمودند: «امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعfan و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعfan و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیه روشن است و وعده خداوند تعالی نزدیک و نزدیک‌تر می‌نماید، گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت‌مستضعfan.»

۳- به این فراز پیام امام دقت و تأمل شود که گویی پیام برای امروز صادر شده، آنجا که یادآور شده‌اند. «بحمدالله تعالی قدرت اسلام و دولت جمهوری اسلامی در منطقه زیانزد است، به دولت‌های کشورهای اسلامی هشدار می‌دهم که از اشتباهات گذشته دست بردارند و با یکدیگر دست برادری دهند و با خضوع در مقابل خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام، دست ظالمانه جباران و غارتگران جهان‌خوار خصوصاً آمریکا را از منطقه کوتاه کنند.»

۴- «ملت دولت ایران که سالروز پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ و روز ۱۵ خرداد ۱۳۶۲ (که این ایام ۱۴۰۴ است) از هر زمان پیوسته‌تر و مصمم‌تر و قوی‌تر در مقابل تجاوزگران و کم‌ککاران به آنان ایستاده و در صورت ادامه کمک به متجاوز کافر راه دیگری که هیچ‌گاه خواست آنان نیست را در پیش خواهند گرفت.»

۵-در این فراز پیام امام راحل به عافیت کشورهای وابسته به غرب اشاره دارد که یادآور شدند: «باید دولت‌های منطقه بدانند که در وقت گرفتاری آنان آمریکا و هیچ‌قدرت دیگر پشتیبانی از آنان نخواهند کرد».

۶-امام راحل در قسمت پایانی این پیام‌دست‌به‌دعا بر داشتند که «خداوند! ما آنچه را امر فرمودی به مراعات حق اخوت و نصیحت به برادران اسلامی عمل کردیم و آنان را به صلح و صفا دعوت نمودیم و از تفرقه و نزاع تحذیر کردیم، تو خود آنان را از خواب غفلت بیدار فرما که آنان در لبه پرتگاه و حفیر (گودی دوزخ) جهنم واقع شده‌اند و مقدرات اسلام را تقدیم دشمنان خداوند می‌نمایند و از عاقبت شوم آن بی‌خبرند.» و ادامه دعا و تضرع در پیشگاه خداوند ذکر کرده اند.
جسا دارد که این پیام مورد توجه خاص مراکز مطالعاتی و سیاسی قرار گیرد که بسیار آموزنده است. (جلد هفدهم، صحیفه امام صفحات، ۴۸۰ تا ۴۸۴ درج شده است.)



دکتر یدالله جوانی مدیر مسئول

کسانی که با تاریخ آشنایی کامل دارند، این گزاره را تصدیق می‌کنند که انقلاب اسلامی، تنها انقلابی است که با گذشت قریب به نیم قرن از وقوع آن، هیچ تغییری در آرمان‌ها، اهداف و شعارهای اصلی آن ایجاد نشده است. این در حالی است که تمامی انقلاب‌های دینی که با رهبری پیامبران الهی پدید آمده، و همچنین تمامی انقلاب‌های بزرگ معاصر مانند انقلاب فرانسه و شوروی سابق، در کمتر از یک دهه از زمان وقوع و پیروزی، از مبانی، اصول، آرمان‌ها، اهداف و شعارهای اصلی خودش فاصله گرفته و بعضاً به ضد خودش تبدیل شده است.

به‌طور قطع، مجموعه‌ای از عوامل موجب این تمایز است. در میان مجموعه عوامل ماندگاری انقلاب اسلامی، نقش رهبری و هم‌جنس بودن رهبری دوم انقلاب با رهبر اول انقلاب، یک نقش کلیدی، اساسی و تعیین‌کننده است.

بر اساس تجربه تاریخی، عمده انحراف‌ها در مسیر هر انقلابی از آن مسیر اصلی، در دوران رهبری دوم آن انقلاب پدید آمده است. این انحراف در انقلاب ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی با گذشت بیش از ۴۶ سال، دیده نمی‌شود و دلیل آن، ایستادگی رهبر حکیم انقلاب اسلامی روی تمامی مبانی، اصول، آرمان‌ها، اهداف و شعارهایی است که رهبر کبیر انقلاب اسلامی و معمار و بنیانگذار نظام ولایی

عماد نیری

خبرنگار

انقلاب اسلامی ایران، به‌منزله یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی و اجتماعی قرن بیستم، نه‌تنها سرنوشت ایران، بلکه معادلات منطقه‌ای و جهانی را دگرگون کرد. در مرکز این تحول عظیم، اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره) قرار داشت که با تکیه بر اسلام جامع و بازگشت به هویت اسلامی و ملی، توانست موجی از امید و خودباوری را در میان مردم ایران، به‌ویژه نسل جوان دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، ایجاد کند در گفت‌وگو با «عباس سلیمی نمین» مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران و پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، تلاش می‌کنیم تا زوایای گوناگون این اندیشه را کاوش کرده و به این پرسش پاسخ دهیم که چرا و چگونه این تفکر توانست به یک انقلاب بزرگ بینجامد و همچنان الهام‌بخش باشد.

بنیان‌های اندیشه سیاسی امام راحل چیست و چرا این اندیشه در میان مردم ایران و جوانان در دهه ۴۰ و ۵۰ مورد توجه قرار گرفت؟

اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره) برگرفته از اسلام جامع و بازگشت به هویت دینی و ملی بود که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی به‌دلیل موقعیت خاص اجتماعی و سیاسی ایران و جهان اسلام، مورد توجه گسترده مردم، به‌ویژه نسل جوان، قرار گرفت. در آن دوران، به‌دلیل سلطه استعمار، تنها بخشی از اسلام که به مسائل فردی محدود می‌شد، ترویج می‌شد، درحالی‌که جنبه‌های اجتماعی و سیاسی آن یا نادیده گرفته شده یا به‌طور کامل سرکوب می‌شد. رویکرد «بازگشت به خویش» که در ایران و دیگر کشورهای اسلامی مطرح شده بود، هم‌زمان بسا اوج‌گیری اندیشه‌های وارداتی، در میان احیایران دینی مورد توجه قرار گرفت. هنگامی که حضرت امام خمینی (ره) وارد عرصه مبارزه شدند، فضایی شکل گرفته بود که در آن بخش‌هایی از اسلام به‌صورت گزینشی اجرا می‌شد و مسائل نظری و اجتماعی اسلام به‌طور عمده تعطیل یا کتمان شده بود. ایشان با ارائه اسلام به‌صورت جامع، مورد اقبال نسلی قرار گرفتند که از نظر تاریخی به این نتیجه رسیده بود که اندیشه‌های وارداتی، اعم از مارکسیسم یا لیبرالیسم، نمی‌توانند تحول مثبّی در ایران ایجاد کنند. تجربه نهضت مشروطه و نهضت

جمهوری اسلامی، در دوران مبارزات و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در دهه شصت، تبیین کرده و بر روی آن تأکید داشتند.

در واقع می‌توان گفت، رهبر حکیم انقلاب اسلامی در دوران پس از امام خمینی (رحمة‌الله علیه)، مو به مو راه رهبر کبیر انقلاب را با قوت ادامه داده و در برابر همه انحراف‌ها و کسسانی که به‌دنبال تحریف امام بودند، ایستادند و نگذاشتند راه و خط‌نورانی اگ‌م‌گم شود و به فراموشی سپرده شود.

کسانی که مکتب امام خمینی (ره) آشنایی کامل دارند، به‌خوبی می‌دانند که این مکتب، همان مکتب اسلام ناب محمدی (صلی‌الله علیه و‌آله) است و مکتب‌رهبر حکیم انقلاب اسلامی، در امتداد این دو مکتب قرار دارد و از نظر مبانی، اصول، آرمان‌ها، اهداف و شعارهای اصلی برای رسیدن به سعادت و حیات طیبه و ساخت تمدن اسلامی، هیچ تفاوتی با هم ندارند.

بنابراین وقتی سخن از امامین انقلاب اسلامی به میان می‌آید، سخن از دو رهبر الهی است که دومی در امتداد اولی از هر جهت قرار دارد و تفاوت‌ها، تنها در روش‌ها و شیوه‌های حکمرانی آن‌هم به‌دلیل اقتضانات زمانی است.

بررسی‌های دقیق علمی منطق بر واقعیت‌ها از سال ۱۳۶۸ تا کنون، نشان می‌دهد رهبر حکیم انقلاب اسلامی، بیش از هرکس دیگری برای حفظ مکتب امام و راه امام تلاش کرده‌اند. معظم‌له در این سال‌ها، هم شارح و هم حافظ و هم عامل به مکتب آن عزیز سفر کرده‌اند. در ادامه، به مواردی از اهتمام رهبر معظم انقلاب به تبیین خط و مکتب امام(ره) و

در امتداد راه امام (ره)

اصرارهای پی در پی و تأکیدهای معظم‌له بر حفظ این مکتب و حرکت در این راه نورانی به‌منزله تنها راه نجات، سعادت، عزت، سربلندی و پیشرفت ملت ایران اشاره می‌شود:

۱- راه رسیدن به حیات طیبه امام(ره) مسـا را به راهی هدایت کرد، هدف‌هایی را برای ما تعریف کرد، شاخص‌هایی را در میانه راه به ما معرفی کرد تا راه را گم نکنیم. فقط در صورت پیمودن این راه است که ما می‌توانیم به حیات طیبه برسیم و طعم آن را بچشیم. (چهاردهم خرداد۱۳۸۴)
۲- صراط مستقیم انقلاب مواضع امام(ره) باید به‌طور روشن و واضح، همان‌طور که خود او گفت، همان‌طور که خود او نوشت، تبیین شود؛ این ملاک راه امام(ره) و صراط مستقیم انقلاب است. (چهاردهم خرداد ۱۳۸۹)

۳- راه جلوگیری از انحراف انقلاب اگر جهت‌گیری به‌سمت هدف‌ها در یک انقلاب، در یک حرکت اجتماعی صیانت نشود و محفوظ نماند، آن انقلاب به ضد خودش تبدیل خواهد شد. برای اینکه این جهت‌گیری غلط و این انحراف اتفاق نیفتد، احتیاج به شاخص‌های معینی هست. بهترین شاخص‌ها، خود امام و خط امام است. امام بهترین شاخص برای ماست. (چهاردهم خرداد ۱۳۸۹)

موارد مشابه از تأکید رهبر حکیم انقلاب اسلامی، بر ضرورت شناخت و شناساندن مکتب امام(ره)، حفظ و عمل کردن براساس راه امام در بیانات معظم‌له بسیار فراوان است. بر همین

اساس و منطق حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در طول سال در مواقعی به تناسب یک موضوع و به‌خصوص در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، بر تبیین مکتب امام متمرکز می‌شوند تا مردم و کارگزاران نظام راه درست را بشناسند و در صراط مستقیم انقلاب اسلامی حرکت کنند.

از نظر امام خامنه‌ای، مکتب امام دارای ابعاد سه‌گانه معنویت، عقلانیت و عدالت است. هرکدام از این ابعاد دارای شاخص‌های رفتاری هستند

با فهم درست از این شاخص‌ها از یک‌سو، و بررسی دقیق سیره نظری و عملی رهبر معظم انقلاب در حوزه سیاست و حکمرانی در بیش از سه دهه گذشته، تصدیق خواهیم کرد که حقا و انصافا امام خامنه‌ای در امتداد امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) قرار دارد، امامین انقلاب اسلامی از یک جنس هستند؛ همانند انمه معصومین (علیهم‌السلام) که، کلهم نور واحد هستند

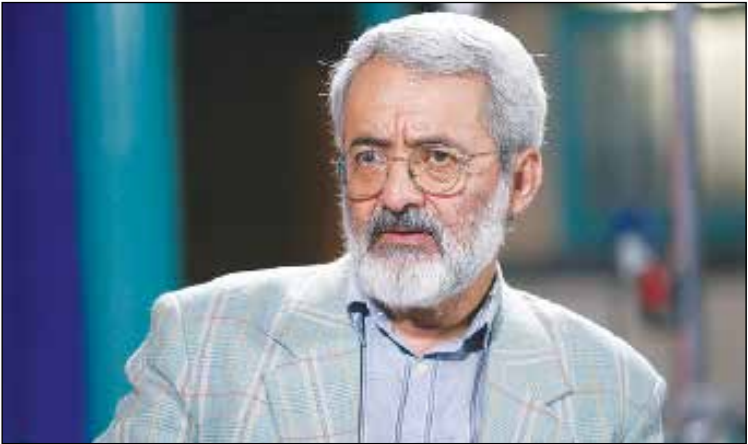
دلیل اصلی بر این یک جنس بودن و آن نور واحد بودن، نگاه توحید محوری این بزرگان است. وهر کس به این نگاه و معرفت دست یابد، بدون تردید در امتداد این بزرگواران قرار خواهد گرفت. با این نگاه، جمله حکیمانه امام خمینی(رحمه‌الله علیه) را باید فهم کرد که در دوره اوج‌گیری اختلاف‌ها در کشور میان نیروهای انقلابی و مسئولان کشور فرمودند: «اگر ۱۲۴هزار پیامبر خدا یک‌جا جمع شوند، میان آنان اختلاف نمی‌شود.»

امام (ره) به قدرت مردم تا این اندازه تأکید داشتند؟

این شاخص ریشه در چارچوب‌های اسلامی و هدف اصلی ادیان الهی دارد که تحول و رشد‌آحاد جامعه را در اولویت قرار می‌دهند. نهضت امام(ره)، که متأثر از نهضت پیامبر اکرم(ص) بود، هدف خود را رشد و ارتقای مردم قرار داده بود. این رشد بدون اعطای جایگاه و نقش به مردم ممکن نیست. از ابتدای نهضت، حتی زمانی که به ظاهر طرفداران اندکی داشتند، امام(ره) تمام همت خود را بر رشد مردم متمرکز کردند. ایشان به‌جای مبارزه سخت، مبارزه نرم را بنیان نهادند که بر تحول در انسان‌ها استوار بود. هنگامی که هدف، تحول در انسان‌ها باشد، طبیعی است که باید به مردم میدان داده شود و نقش آنان در اداره جامعه بر جسته شود. امام(ره) در هنگامه‌ای که مبارزه بسیار بر هزینه شد، با شجاعت و اخلاصی بی‌نظیر، پیش‌تاز و فعال‌تر از دیگران برای ایجاد تحول در جامعه عمل کردند. این صداقت و فداکاری را مردم به‌وضوح احساس می‌کردند.

یکی از خطرانی که رهبر معظم انقلاب همواره بر آن تأکید دارند، خط تحریف اندیشه امام راحل است! چه کسانی و با چه اهدافی به‌دنبال تحریف اندیشه امام(ره) هستند؟

درباره خطر تحریف اندیشه امام(ره)، که رهبر معظم انقلاب همواره بر آن تأکید دارند، باید گفت که این تحریف از سوی دشمنان خارجی و داخلی صورت می‌گیرد. دشمنان خارجی، به‌ویژه قدرت‌های استکباری که به‌دنبال تداوم سلطه بر کشورهای اسلامی هستند، به‌طور طبیعی تلاش می‌کنند این الگوی موفق را تحریف کنند تا از گسترش آن جلوگیری شود. اندیشه امام(ره) به‌سرعت در کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی تأثیر گذاشت و به همین دلیل، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای برای تحریف آن انجام شد. اما جفای دیگری نیز در داخل ایران به اندیشه امام(ره) وارد می‌شود. اندیشه ایشان چندوجهی است. اما برخی جریانات سیاسی به‌دلیل نگاه یک‌جانبه، تنها بخشی از آن را برجسته می‌کنند. برای نمونه، برخی تنها به بعد فقهی امام(ره) توجه دارند و مسائل اجتماعی را کمتر مدنظر قرار می‌دهند. جریان‌های سیاسی مانند اصلاح طلبان یا اصولگرایان، هرکدام وجهی از اندیشه امام(ره) را تبلیغ می‌کنند، بدون اینکه قصد تحریف داشته باشند. اما این ارائه ناقص، بخشی از جاذبه و جامعیت اندیشه امام(ره) را کاهش می‌دهد.



مخالفان ایشان نیز نمی‌توانستند در برابر توانمندی‌های فقهی و شخصیت دینی برجسته ایشان تردید ایجاد کنند. برای نمونه، در خاطرات افرادی مانند «یزدی»، که از مخالفان سرسخت بودند، اذعان شده که امام(ره) را بزرگ‌ترین شخصیت معاصر می‌دانستند. هنگامی که تلاش می‌شود مسائل جامعه با تکیه بر اندیشه ملی و دینی حل شود و پاسخ‌ها و راه‌حل‌های لازم از این اندیشه استخراج شود، امکان تأثیر‌پذیری از اندیشه‌های وارداتی و انحراف وجود دارد. اما حضور شخصیتی مانند امام خمینی (ره) آرامشی ایجاد می‌کند و حملات مخالفان نمی‌توانست تأثیر چندانی داشته باشد. ایشان هرگز خود را درگیر اختلافات نکردند و ضمن احترام به نظرات دیگران، مسیر اصلی تحول را دنبال کردند. این رویکرد سبب شد تا نهضت بازگشت به خویشن در ایران به‌صورت عینی تحقق یابد.

یکی از شاخصه‌های اصلی که امام(ره) همواره بر آن تأکید داشتند، حضور مردم و نقش مردم در نظام اسلامی بود؟ چرا

نهضت امام (ره)، که متأثر از نهضت پیامبر اکرم(ص) بود، هدف خود را رشد و ارتقای مردم قرار داده بود. این رشد بدون اعطای جایگاه و نقش به مردم ممکن نیست

دشمنان خارجی، به‌ویژه قدرت‌های استکباری که به‌دنبال تداوم سلطه بر کشورهای اسلامی هستند، به‌طور طبیعی تلاش می‌کنند این الگوی موفق را تحریف کنند تا از گسترش آن جلوگیری شود. اندیشه امام(ره) به‌سرعت در کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی تأثیر گذاشت و به همین دلیل، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای برای تحریف آن انجام شد

مزیت برجسته حضرت امام خمینی (ره) این بود که ایشان نه‌تنها سیاستمداری بزرگ، بلکه فقهی برجسته بودند. این ویژگی به ایشان امکان داد تا نهضت بازگشت به خویشن را به بهترین شکل پشتیبانی کنند

حجت الاسلام والمسلمین سعید صلح میرزایی عضو مجلس خبرگان در گفت‌وگو با صبح صادق

آرمان‌ها بازخوانی نشوند فراموش می‌شوند!

احمد ر جایی

خبرنگار

سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره)، فرصتی مغتنم برای بازخوانی اندیشه‌ها و آرمان‌های بنیان‌گذار انقلاب اسلامی است که همچنان چراغ راه ملت ایران در مسیر پیشرفت و تعالی محسوب می‌شود. امام خمینی (ره) با قیام‌لله و عزمی راسخ، نه‌تنها نظامی مبتنی بر اسلام و مردم‌سالاری دینی بنا نهاد، بلکه الگویی بی‌بدیل از رهبری ارائه کرد که در آن اخلاص، عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی و ارتباط عمیق با توده‌های مردم در کانون توجه قرار داشت. این الگو، امروز بیش از پیش نیازمند بازخوانی و عمل است. مجلس خبرگان رهبری، به‌منزله نهادی انقلابی و مسئول انتخاب و نظارت بر شرایط رهبری، نقش کلیدی در حفظ و ترویج این آرمان‌ها دارد. این نهاد با بهره‌گیری از ظرفیت علمای بلاد و ارتباط با مردم، می‌تواند گفتمان آرمان‌گرایی، عدالت و مردمی بودن نظام را تقویت کند. در گفت‌وگو با «حجت‌الاسلام والمسلمین سعید صلح‌میرزایی» عضو مجلس خبرگان، با بررسی ویژگی‌های شخصیتی و راهبردی امام، نقش مجلس خبرگان، ضرورت بازخوانی آرمان‌های ایشان و اهمیت مردمی بودن نظام، تلاش می‌شود تا راهکارهایی برای تحقق هرچه بیشتر اصول انقلاب ارائه شود.

با توجه به سالروز رحلت امام خمینی (ره)، به‌نظر شما مهم‌ترین ویژگی شخصیتی و معیار راهبردی اندیشه که امروز بیش از همیشه باید مورد توجه قرار گیرد، چیست؟

همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرموده‌اند، مهم‌ترین ویژگی حضرت امام آن بود که به این آیه شریفه عمل کرد: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفُرْدَيِّ» (سبأ-۴۶) حضرت امام قیام‌لله کرد و این دلیل موفقیت ایشان شد: «برای نجات یک کشور، میلیون‌ها عامل و فعل و انفعال لازم است: عوامل طبیعی، عوامل انسانی، عوامل بین‌المللی، عوامل سیاسی و اقتصادی. مجموعه این عوامل باید به‌کار بیفتد تا یک ملتی بتواند در زندگی خودش تحول ایجاد کند. این عوامل، دست ما انسان‌ها نیست و با اراده ما ارتباط مستقیمی ندارد؛ اما ما وقتی که «قیام‌لله» می‌کنیم، خدای متعال با یک حرکت ما هزاران و میلیون‌ها حرکت و فعل و انفعال را در فضای زندگی اجتماعی به‌وجود می‌آورد و تحول ایجاد می‌شود؛ عیناً مانند طبیعت. شما یک نهال کوچک را در خاک فرو می‌کنید (از شما فقط همین کار است. این، کار کمی است) اما این نهال با میلیون‌ها فعل و انفعال در خاک و در خود بافت گیاهی، در فضا و هوا به یک درخت بزرگ تبدیل می‌شود؛ شاخ و برگ می‌دهد؛ میوه می‌دهد و نسبت به آن وضعیت اول، صدها و هزارها برابر تغییر پیدا می‌کند. کار شما در مقابل آن همه فعل و انفعالات هیچ است؛ اما اگر شما همان کار کوچک را که نشانادن این نهال در زمین است، انجام ندهید، این همه فعل و انفعالات انجام نمی‌گیرد. امام «قیام‌لله» کرد و خودش با همه وجود وارد میدان شد. با فریاد خود، با تلاش خود، با قبول زحمات، ملت را پای کار آورد. با این حرکت و با این عزم راسخ، خداوند متعال آن میلیون‌ها عامل و فعل و انفعال را بر این حرکت مترتب کرد و آنچه اتفاق افتاد، به یک معجزه شبیه بود؛ یعنی تشکیل نظام مبتنی بر اسلام در یک نقطه حساس؛ به‌دلیل این حرکت امام(ره)، که البته آماج دشمنی و کینه همه صاحبان زور و زر در سرتاسر عالم است؛ اما برخلاف نظر آنها، این حقیقت تحقق پیدا کرد.» رهبر معظم

امام و مصلحت‌اندیشی در امر حکمرانی



عزیز غضنفری

عضو شورای سیاست‌گذاری صبح صادق

جمله به جمله پیام اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌مناسبت یکصدمین سالگرد باز تأسیس حوزه علمیه قم صادر شد، از اهمیت بالایی برخوردار بود. یکی از نقاط اوج پیام رهبر حکیم انقلاب اسلامی آن جایی بود که ایشان به نقش دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد اشاره کردند. ایشان فرمودند: ««زمان» و «مکان» دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند؛ ممکن است موضوعی در گذشته حکمی داشته ولی با تغییر روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد، اکنون حکم جدیدی یافته باشد. این تغییر حکم ناشی از آن است که موضوع هر چند در ظاهر همان موضوع قبلی است، ولی با توجه به تغییر روابط سیاسی و اجتماعی و غیره، در واقع تغییر کرده و موضوع جدیدی شده است، پس حکم جدیدی می‌طلبد. افزون بر این، حوادث پی‌درپی جهانی و پیشرفت‌های علمی و غیره در مواردی می‌تواند فقیه ماهر را در یک مدرک از کتاب و سنت، به فهم تازه‌ای برساند و حجت شرعی برای تغییر حکم شود.»

این نگاه و رویکرد رهبر معظم انقلاب اسلامی نسبت به موضوع مصلحت دقیقاً مشابه و برگرفته از اندیشه و عمل حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) بنیانگذار و معمار جمهوری اسلامی ایران است. پیش‌تر تلاش و مجاهدت‌های ده‌ساله حضرت امام(ره) در رهبری و هدایت نظام جمهوری اسلامی که مبتنی بر سعه‌صدر، وسعت دید، آینده‌نگری، درک موقعیت و تشخیص درست شرایط بود، حقیقتاً فصل‌زین و کاملاً نوینی در حیات سیاسی آن و سرمشق و راهگشایی برای

برون‌رفت از مشکلات و بن‌بست‌های اجتماعی در هر دوره خواهد بود. پیام هشتم‌دی‌ماه ۱۳۶۷ به اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد حدود اختیارات آن شورا و سفارش به شورای نگهبان را می‌توان از آن جمله به حساب آورد؛ در ادامه پیام حضرت امام خمینی (ره) عیناً از نظر می‌گذرد:

«تذکری پدرا نه به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند، چراکه یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌ها است. حکومت فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند. و این بحث‌های طلبگی مدارس، که در چارچوب تئوری‌هاست، نه‌تنها قابل حل نیست، که ما را به بن‌بست‌هایی می‌کشانند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی می‌شود. شما در عین اینکه باید تمام توان خودتان را بگذارید که خلاف شرعی صورت نگیرد(و خدا آن روز را نیاورد) باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای ناکرده اسلام در پیچ و خم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی، متهم به عدم قدرت اداره جهان نشود.»

امام خمینی (ره) به‌عنوان یک فقیه جامع‌نگر و رهبر کبیر انقلاب اسلامی، به نظریه مصلحت نظام اسلامی اعتقاد داشتند زیرا این نظریه را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ اسلام، نظام جمهوری اسلامی و منافع عمومی مسلمانان می‌دانستند. در ادوار گوناگون برخی کوشیده‌اند تا موضوع مصلحت را که از نقاط برجسته نظام جمهوری اسلامی در عرصه حکمرانی محسوب می‌شود را به نقطه ضعف تبدیل سازند. حال آنکه باور قطعی امام خمینی (ره) این بود که بدون در نظر گرفتن مصلحت در مسیر اداره کشور انسداد به‌وجود می‌آید و نباید در میان افکار عمومی و سیاستمداران دنیا نظام جمهوری اسلامی ایران به عدم

توانایی در اداره کشور متهم شود.

دلایل اصلی اعتقاد ایشان به این نظریه را می‌توان در چند محور زیر خلاصه کرد:

۱ - حفظ نظام اسلامی به‌عنوان یک واجب شرعی

امام خمینی (ره) معتقد بود که حفظ نظام اسلامی از اهم واجبات است و گاهی مصلحت نظام اقتضا می‌کند که برخی احکام اولیه شرعی به‌صورت موقت تعطیل یا تعدیل شوند تا کلیت نظام و حکومت اسلامی پایدار بماند. ایشان در این زمینه فرمودند:

«حفظ نظام از اوجب واجبات است» و «مصلحت نظام از امور مهمی است که گاهی حتی بر فرائض مقدم می‌شود.»

۲ - انعطاف‌پذیری فقه شیعه در مواجهه با مسائل جدید امام خمینی (ره) باور داشت که فقه شیعه باید پویا باشد و در شرایط پیچیده اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بتواند با استفاده از مصلحت سنجی، تصمیماتی بگیرد که به‌نفع اسلام و مسلمین است. این دیدگاه موجب شد تا مجمع تشخیص مصلحت نظام تشکیل شود تا در موارد اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، تصمیمات مبتنی بر مصلحت عمومی گرفته شود.

۳ - مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی

در دوران جنگ تحمیلی و تحریم‌های بین‌المللی، امام خمینی (ره) تأکید داشت که گاهی مصلحت کشور و انقلاب ایجاب می‌کند که قوانین معمول فقهی به‌صورت موقت کنار گذاشته شوند تا از آسیب‌های بزرگتر جلوگیری شود. برای نمونه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل با وجود سختی‌های آن، نمونه‌ای از تصمیم مبتنی بر مصلحت بود.

۴ - اجتناب از جمود فکری و تحجرگرایی

امام خمینی (ره) مخالف تفسیر خشک و غیر منعطف از

اندیشه امام نیازمند بازخوانی مجدد است؟

به‌طور کلی آرمان‌های هر ملتی اگر مورد بازخوانی قرار نگیرد و از آن مراقبت نشود دچار فراموشی یا تغییر می‌گردد. بنابراین لازم است تانخبگان و خواص و رهبران دینی و اجتماعی و سیاسی برای تقویت گفتمان حرکت به‌سمت آرمان‌ها تلاش کنند. از این‌روست که رهبر معظم انقلاب یکی از وظایف خود را مراقبت از آرمان‌ها می‌داند. در هر زمانی باید گوش به بیان ایشان داشت و به نکاتی که ایشان در مقام دیدبانی از اهداف و آرمان‌ها می‌فرمایند، توجه کرد. به‌نظر بنده سه آرمان عدالت، استقلال و تحول‌خواهی جزو مهم‌ترین آرمان‌هایی بوده که در این سال‌ها در بیانات ایشان تکرار شده است. البته بحث مراقبت از روحیه جهادی و داشتن دغدغه مجاهدت فی سبیل الله نیز مهم‌ترین نگرانی‌های ایشان بوده است.

امام خمینی همواره بر مردمی بودن نظام و ارتباط با توده‌ها تأکید داشتند. به‌نظر شما امروز چقدر این اصل در ساختار حکمرانی جمهوری اسلامی رعایت می‌شود؟

مردمی بودن ابعاد گوناگونی دارد. یکی این است که زمام امور کشور و انتخاب مسئولان به‌صورت مستقیم یا غیر مستقیم در اختیار مردم باشد. بر این اساس ممکن است با انتخاب مردم کسانی زمام امور را برعهده بگیرند که نسبت به آرمان‌ها دغدغه لازم را نداشته باشند. بعد دیگر مردمی بودن نظام به‌نحوه رفتار مسئولان بازمی‌گردد. مسئول تراز انقلاب اسلامی باید در بهره‌مندی از نعمت‌ها و امکانات به حداقل‌ها بسنده کند. نباید مانور اشرافیت دهد. نباید برای خود و نزدیکان و هم‌حزبی‌های خود، مزیت قائل باشد. از سوی دیگر مردمی بودن یک مسئول به آن است که تا حد ممکن در دسترس مردم باشد. در اجتماعات مردمی در کنار مردم باشد. گوش شنوایی برای شنیدن دغدغه‌ها و مطالبات مردم داشته باشد و زبان نرمی برای توضیح مشکلات و مسائل و همدردی با مردم داشته باشد.

ابروگشاده باش چو دست گشاده نیست / چون وای نمی‌کنی گره‌ای، خود گره می‌باش علاوه بر همزبانی، همدلی نیز داشته باشد. با بررسی این سه بعد در میان بیش از سه هزار کارگزار و مدیر عالی لشگری و کشوری جمهوری اسلامی، درمی‌یابیم که بسیاری از ایشان در مقایسه با کارگزاران نظام‌های سیاسی دیگر کشورها از تراز خوبی برخوردار هستند. اما با نگاه به آنچه که باید باشند و سزاوار نظام امامت است فاصله‌های زیادی در بعضی از این افراد دیده می‌شود. اینجاست که نقش‌نخبگان دینی و اجتماعی و همچنین عموم مردم در مطالبه‌گری سادمزیستی و مردمی بودن از مسئولان، روشن می‌شود.

با توجه به وظایف مجلس خبرگان در نظارت بر رهبری، این نهاد چگونه می‌تواند نقش فعال‌تری در پاسخگویی به مطالبات مردم و تحقق اصول بنیان‌گذار جمهوری اسلامی داشته باشد؟

در ابتدا باید عرض کنم که وظیفه نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، نظارت بر رهبری نیست، بلکه مراقبت نسبت به بقای ویژگی‌های لازم در او است. البته این وظیفه گاهی از بررسی عملکردهای رهبر انجام خواهد گرفت. نمایندگان خبرگان، از علمای بلاد و مردم مناطق گوناگون کشور هستند و این ظرفیت عظیم می‌تواند در مطالبه‌گری آرمان‌ها و اصول امام خمینی (ره) به‌کار آید.

از آنجا که اصول امام نیازمند تذکر لحظه به لحظه و همچنین تحقق آن، نیازمند گفتمان شدن آن در میان عموم مردم و مسئولان و تبیین چپستی و چرایی آن است، خبرگان ملت می‌توانند در این زمینه نیز وظایفی را انجام دهند.

۷

امتداد

شماره ۱۱۸۹ | دوشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۴

صبح صادق

سید مهدی حسینی

مورخ



«شجاع‌ت» یکی از صفات انسان است که در تمامی زمینه‌های شخصی، فردی، جمعی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی، قضایی، اقتصادی، فقهی و تاریخی هم کاربرد دارد و هم کارآمد است. با صراحت می‌توان ادعا کرد که هر جامعه‌ای با هر نوع تفکر و اندیشه‌ای رو به پیشرفت، احتیاج با شجاعت اعضای آن جامعه مرتبط است و بسیاری از سقوط‌ها و شکست‌ها ناشی از ضعف این صفت انسان‌ها بوده است. چون در روند تحولات انقلاب اسلامی و ۸ سال دفاع مقدس و بعد از آن، نقش آن را در همه زمینه‌ها شاهد بودیم و هستیم. ایام مصادف است با رحلت امام خمینی (ره) که به‌معنی واقعی کلمه نماد و مصداق «شجاعت» بود و تأثیر‌گذاری این عنصر مهم بر تحولات و فهم درک آن چندان آسان نیست. به‌دلیل اینکه ورود ایشان با این صفت ممتاز انسانی در مباحث متعدد برای بسیاری از بزرگان تاریخ معاصر حیرت‌انگیز و اعجاب‌آور بوده است. او هیچ‌گاه در موضع انفعال نبود و همواره از ابتکار عمل برخوردار بود، چون از صفت شجاعت برخوردار بود. زندگی آن بزرگ‌مرد شجاع در ایامی از تاریخ معاصر رقم خورد که خودش شاهد ورود کشورهای متجاوز در جنگ‌های جهانی اول و دوم و رژیم‌های مستبد دوران قاجار و پهلوی بوده است. امام راحل در طول

دوران تحصیل از استادان و مشایخ بسیاری بهره برده است که بعضاً شمار آنها را ۱۴ نفر ذکر کرده‌اند که بین آنها دو چهره وزین به‌دلیل ویژگی‌های معنوی و مقام علمی بسیار بالا بوده‌اند و از نظر طول مدت تحصیل از محضر آنان پیش از دیگران مورد توجه و عنایت امام بوده است، اول «آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی» و دوم «حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی شاه‌آبادی»، علاوه بر آنچه که در دوران تحصیل علم در نزد علما و بزرگان گذرانده اند، با مردان شجاعی همچون شهیدان «شیخ فضل‌الله نوری» و «سیدحسن مدرس» مرتبط بوده و در آن فضای خفقان و استبدادی درس‌ها گرفته اند. او از کودکی در چنین فضایی با بزرگان مانوس بوده به «شجاعت» و «بیان حق» مشهور بوده است. او از سنین جوانی که تحصیلات عالی علوم اسلامی را می‌گذرانده همواره به «تهذیب نفس» و «پاکی» شهرت داشته ، او سال‌ها استاد درس اخلاق بوده و با منابع معتبر اخلاق مانوس بوده است. بسیاری از علمای اخلاق در جهان اسلام معتقدند که «اخلاق بر چهار پایه شجاعت، عفت، سخاوت و عدالت استوار است، این شجاعت است که سبب می‌شود که از گفتن حقیقت ترسی به دل راه ندهد و در پذیرش حق خاضع باشد.»

برخی شجاعت امام خمینی (ره) را ارثی دانسته‌اند، زیرا پدر و پدربزرگ و اجداد شجاعی داشته‌اند. عده دیگری آن را آموزشی تلقی کرده‌اند، چون در خانواده‌ای بزرگ شده که اکثر ساکنین آن خانه افراد شجاعی بوده‌اند. شاید ده‌ها موارد اینچنینی دخیل بوده باشد، اما بخش عمده ای که در شجاعت امام خمینی (ره)

من تا جایی ایستاده‌ام که تکفیرم کنند!

مؤثر بوده است، تلاش در تهذیب نفس و عشق به خوبی‌ها را در خود تقویت کرده و میل به دنیاطلبی در خود را به حداقل رسانده بود. با نگاهی به کتب و آثار منتشر شده این استاد معظم و معزز اخلاق، به‌خوبی می‌توان دریافت که او در «جهاد اکبر» تنفس می‌کرده است به همین دلیل بسیاری از بزرگان، علما، اساتید خصوصیت ویژه او را «شجاعت» ذکر کرده‌اند و در این رابطه نمونه مر حوم «آیت رسولی محلاتی» در خاطر‌اتش با اشاره به وقایع سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ نمونه‌هایی از شجاعت امام در مبارزات را درج کرده و آورده است: «شخصی آمد به امام گفت: آقایان (مراجع تقلید وقت) با شما نیستند و حتی شنیده شده که می‌خواهند علیه شما اعلامیه صادر کنند، ممکن است شما را تنها بگذارند. امام در پاسخ به‌طور خیلی جدی فرمودند: «من تا جایی ایستاده‌ام که مرا تکفیر کنند.» این سخن امام شایع شد و به گوش مراجع نیز رسید این‌گونه سخنان امام بسیار قاطع و جدی بود.» در واقع می‌گفت که شجاع‌ت، تهذیب نفس و فقا‌هت، تجربه تاریخی سیاسی امام جملگی به‌هم پیوند خورده بود که موفق می‌شد تمامی اقدامات انقلابی را با موضوع مطابق حکم شرعی صادر می‌کرد و بر حسب تکلیف ورود می‌کرد و اقدامات استثنایی انجام می‌داد، مانند: عدم مشروعیت سلطنت پهلوی، ارائه طرح حکومت اسلامی، بحث ولایت فقیه، مخالفت صریح با مصوبه کاپیتولاسیون که مجلس وقت را غیرقانونی اعلام کرد و نمایندگان آن را عزل کرد. مهاجرت از نجف به کویت، از

محمد حسین رجبی دوانی پژوهشگر تاریخ اسلام در گفت و گو با صبح صادق

تفکر امام خمینی (ره)

انقلابی در نقش مرجعیت شیعه بود

و ستم، احساس مسئولیت کند و برای نجات جامعه از استبداد و فقر وارد میدان شود. این دیدگاه، الگویی از سیره امیر المؤمنین (ع) بود که در برابر ظلم سکوت نکردند و برای احقاق حق و اجرای عدالت قیام کردند. بعد از امام، می‌بینیم که ادبیات مراجع تقلید تغییر کرد. مراجع بزرگوار در برابر ظلم، استبداد و استکبار جهانی موضع‌گیری کردند و احساس مسئولیت اجتماعی و سیاسی بیشتری نشان دادند. این تحول، مرهون نگاه بلند امام خمینی (ره) بود که مرجعیت را از حاشیه به متن جامعه آورد.

یکی از محورهای مهم اندیشه امام، وحدت اسلامی و مقابله با استکبار جهانی است. با توجه به موقعیت امروز، چگونه می‌توان این اندیشه را برای نسل جدید تبیین کرد و راهکارهای عملی آن چیست؟

اندیشه‌های امام خمینی (ره) خودشان راهکار عملی هستند. اگر این اندیشه‌ها به‌درستی تبیین شوند، مسیر مشخص است. امام از همان ابتدای انقلاب، با طرح روز قدس، انقلابی در جهان اسلام ایجاد کردند. در آن زمان، به‌دلیل خیانت برخی سران کشورهای عربی، آرمان آزادی قدس رو به فراموشی بود و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی مشروع جلوه داده می‌شد. امام این روند را متوقف کردند و حمایت از مظلومان جهان، به‌ویژه فلسطین، را به یکی از آرمان‌های اصلی انقلاب تبدیل کردند.

امام همچنین بـا تأکید بر وحدت اسلامی، از تمرکز بر اختلافات فرقه‌ای پرهیز کردند و بر

خمینی (ره) با درس گرفتن از سیره ائمه(ع)، به‌ویژه امام باقر(ع) و امام صادق(ع) که با تربیت شاگردان، زمینه آگاهی عمومی را فراهم کردند، به‌زمینه‌سازی گسترده پرداختند. امام از طریق سخنرانی‌ها، پیام‌ها و روشنگری‌های خود، مردم را نسبت به ظلم رژیم پهلوی آگاه کردند. این آگاهی در کنار شرایط خفقان‌آور رژیم پهلوی، مانند جرقه‌ای در ۱۹ دی ماه سال ۱۳۵۶ عمل کرد و یکسال بعد، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.

بعد از پیروزی انقلاب هم، امام از سیره امیر المؤمنین(ع) الگو گرفتند. حضرت علی(ع) در دوره کوتاه حکومت خود (چهار سال و نه ماه) با چالش‌ها و فتنه‌های فراوانی روبه‌رو شدند، اما عملکردشان بهترین الگو برای نظام ولایی بود. امام خمینی (ره) با تکیه بر این الگو، حکومتی را پایه‌گذاری کردند که نمونه‌ای از عدالت مهدوی را در جامعه پیاده کرد.

یکی از نکات برجسته در اندیشه امام خمینی (ره)، بازتعریف نقش مرجعیت در تاریخ تشیع است. به‌نظر شما، این بازتعریف چگونه صورت گرفت و چه تأثیری بر مراجع پس از ایشان گذاشت؟
بله، امام خمینی (ره) انقلابی در نقش مرجعیت ایجاد کردند. تا پیش از ایشان، مرجعیت عمدتاً به بیان احکام عبادی و معاملاتی محدود بود و مقلدان برای مسائل شرعی به مراجع، مراجعه می‌کردند. اما امام، بعد سیاسی و اجتماعی مرجعیت را احیا کردند. ایشان به‌عنوان نایب عام امام عصر (عج)، معتقد بودند که مرجعیت وظیفه دارد در برابر ظلم

برای مقابله را در خود نمی‌دیدند. در دوره‌هایی مانند آبله‌پی یا صفویه که شیعه قدرت بیشتری پیدا کرد، بحث همکاری با حاکمان مطرح شد. بسیاری از علما معتقد بودند که هر حکومتی غیر از امام معصوم یا نایب او نامشروع است، اما برخی به ایـن نتیجه رسیدند که اگر حکومتی به‌علما میدان دهد، می‌توان با آن همکاری کرد، چون خودشان توان اداره امور حکومتی، مانند صدور فرامین جنگی، حفاظت از مرزها یا جمع‌آوری مالیات را نداشتند.

اما در زمان اسام خمینی (ره)، دو عامل کلیدی دست‌به‌دست هم داد: اول، آمادگی مردم برای تحول و قیام علیه ظلم و ستم رژیم پهلوی که اساس دین را تهدید می‌کرد، دوم، باور عمیق امام(ره) به اینکه علما به‌عنوان نایبان عام امام عصر(عج)‌شان و توانایی تشکیل حکومت و نجات جامعه از ظلم را دارند. امام(ره) با شجاعت، اخلاص و بدون هراس از تهدیدات، به میدان آمد و بـا حمایت مردم و عنایات الهی، انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند.

شما به نقش مردم و آمادگی آنها اشاره کردید. این آمادگی چگونه ایجاد شد و امام راحل چگونه از الگوهای ائمه اطهار(ع) برای بسیج مردم و پیروزی انقلاب استفاده کردند؟
دقیقاً. برای ایجاد یک انقلاب، آگاهی و حضور مردم در صحنه ضروری است. در زمان امام حسین(ع)، مردم کوفه با وجود شناخت نسبت به اهل بیت(ع) و ارسال هزاران نامه برای دعوت از حضرت، در عمل وفادار نماندند و شرایط به‌هم ریخت. اما امام

احسان بهاری خبرنگار

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر جهان اسلام است که نه‌تنها مسیر سیاسی ایران را تغییر داد، بلکه نقش مرجعیت شیعه را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بازتعریف کرد. این انقلاب، که ریشه در اندیشه‌های عمیق دینی و سیاسی داشت، نشان داد که علمای شیعه می‌توانند فراتر از نقش سنتی خود در بیان احکام شرعی، به‌منزله رهبرانی شجاع و تحول‌آفرین، جامعه را از ظلم و ستم رهایی بخشند. امام خمینی (ره) با الهام از سیره اهل بیت(ع) و با تکیه بر حمایت مردمی و ایمان به نیابت عام علما در عصر غیبت، موفق شد حکومتی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی تأسیس کند. این مصاحبه بـا «دکتر محمد حسین رجبی دوانی» پژوهشگر برجسته تاریخ اسلام و اندیشه سیاسی شیعه، به بررسی نقش تاریخی امام خمینی(ره) در احیای مرجعیت سیاسی، تأثیر سیره ائمه(ع) بر انقلاب اسلامی، و چالش‌هایی مانند تحریف اندیشه‌های ایشان می‌پردازد. در این گفت‌وگو، تلاش شده است تا با نگاهی عمیق به گذشته و حال، راهکارهایی برای حفظ و انتقال میراث فکری امام به نسل‌های آینده ارائه شود، درحالی‌که خطر تحریف و انحراف از این آرمان‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته است.

آقای رجبی دوانی. موضوع بحث ما بررسی نقش امام خمینی (ره) در احیای ارزش‌های اسلامی و بازتعریف نقش مرجعیت در تاریخ تشیع است؛ لطفاً بفرمایید که چرا در مقاطع گوناگون تاریخ، علما نتوانستند یا نخواستند برای تشکیل حکومت اسلامی اقدام کنند و چه چیزی در زمان امام خمینی (ره) این امکان را فراهم کرد؟

در طول تاریخ تشیع، ما شاهد مقاطعی هستیم که یا مردم آمادگی لازم برای همراهی با علما در تشکیل حکومت اسلامی را نداشتند، یا علما به دلایل گوناگون، از جمله باور به عدم امکان تشکیل حکومت در عصر غیبت، از این مسئولیت شانه خالی کردند. برخی از علما معتقد بودند که تنها امام معصوم(ع) یا نایب خاص او می‌تواند حکومت مشروع تشکیل دهد. در نتیجه، در برابر سلاطین جور، با سکوت می‌کردند یا توان و شجاعت لازم

مشترکات تأکید داشتند. این نگاه در عمل هم اجرا شد و امروز، در سایه رهبری مقام معظم رهبری، جبهه مقاومت شکل گرفته است که تنها شیعی نیست و از همه مظلومان، از جمله مردم فلسطین و غزه، حمایت می‌کند. ایران اسلامی امروز به‌منزله تنها کشوری شناخته می‌شود که به‌طور قاطع از آرمان فلسطین دفاع می‌کند و رژیم صهیونیستی را به چالش می‌کشد.

برای نسل امروز، باید این اندیشه‌ها را با زبان روز و از طریق ابزارهای مدرن، مانند رسانه‌های اجتماعی، تبیین کرد. تظاهرات گسترده در دانشگاه‌های آمریکا و اروپا در حمایت از فلسطین، نشان‌دهنده جهانی‌شدن این اندیشه است. باید به نسل جوان نشان داد که دفاع از مظلوم و مقابله با ظالم، ارزشی فرازمانی و فرامکانی است که ریشه در آرمان‌های مهدوی دارد.

یکی از نگرانی‌های مهم، خطر تحریف اندیشه‌های امام خمینی (ره) است. به‌نظر شما، آیا این خطر وجود دارد و چگونه می‌توان از آن جلوگیری کرد؟
متأسفانه باید گفت که خطر تحریف اندیشه‌های امام وجود دارد و حتی در برخی موارد مشاهده شده است. رهبر معظم انقلاب، با اعتقاد کامل، این اندیشه‌ها را دنبال می‌کنند، اما برخی مسئولان و حتی نهادهایی که وظیفه ترویج افکار امام را دارند، در این زمینه کوتاهی کرده‌اند یا حتی به تحریف روی آورده‌اند.

برای نمونه، امام خمینی (ره) قطع رابطه با آمریکا را نعمتی می‌دانستند و در برابر استکبار با صلابت ایستادگی کردند. اما برخی دولت‌ها، برخلاف این دیدگاه، مشکلات کشور را به نبود رابطه با غرب ربط دادند و این نگاه را تبلیغ کردند. این دقیقاً تحریف آرمان‌های امام است. حتی در رسانه ملی، دیده‌ایم که برخی از سخنان و مواضع انقلابی امام به‌گونه‌ای وارونه جلوه داده شده است.

برای جلوگیری از تحریف، باید اندیشه‌های امام را بازگو کرد و عملکرد مسئولان را با این اندیشه‌ها سنجید. وصیت‌نامه امام، سخنان و نوشته‌های ایشان که به تأیید کارشناسان رسیده، باید معیار باشد. اگر مسئولان و قوای سه‌گانه بر اساس این اندیشه‌ها عمل کنند و مردم هم مطالبه‌گر باشند، می‌توان جلوی تحریف را گرفت. باید از کسانی که با این اندیشه‌ها بیگانه‌اند یا به آن اعتقاد ندارند، حساب‌کشی کرد و اجازه نداد این میراث گران‌بها به فراموشی سپرده شود.

عبدالله گنجی استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه انقلاب اسلامی مطرح کرد

۱۲ اصل راهبردی مکتب امام خمینی (ره)



این پیچیدگی، کار را بسیار سخت کرده است. به قول رهبر معظم انقلاب، وقتی درباره برخی افراد می‌گویند «آن موقع هنوز منحرف نشده بودند»، نشان‌دهنده انحرافی است که در حوزه فکری اصلاح‌طلبان رخ داده. این انحراف به سستی رفته که به‌جای ولایت فقیه مطلقه، به مدل‌های تشریفاتی مانند پادشاهی مشروطه در انگلیس یا نظارت محدود فقیه گرایش پیدا کرده‌اند. این دقیقاً همان چیزی است که دشمن خارجی هم به دنبالش است. رئیس میز ایران در CIA زمانی گفته بود که برای براندازی انقلاب اسلامی، باید از انقلابیونی استفاده کرد که زیر پرچم امام سینه زده‌اند، اما می‌توان آنها را به خدمت گرفت. این نشان‌دهنده عمق این چالش است.

شباهت‌ها و تفاوت‌های بین دیدگاه‌های امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب در این زمینه چیست؟

یک وجه مشترک بسیار مهم بین امام و رهبر معظم انقلاب، تأکید بر ماهیت حقیقی نظام جمهوری اسلامی است. امام می‌فرمودند که از جمهوری اسلامی لفظی یا صرفاً حقوقی می‌ترسم؛ یعنی نظامی که فقط در ظاهر اسلامی باشد، اما در باطن همان طاغوت باشد. رهبر معظم انقلاب هم در سخنرانی سال ۱۳۸۸ در دانشگاه علم و صنعت تأکید کردند که جمهوری اسلامی یک ماهیت حقوقی دارد، مانند هر نظام دیگری با قوای سه‌گانه و نهادها، اما آنچه آن را متمایز می‌کند، ماهیت حقیقی آن است. اگر این ماهیت حقیقی (که شامل ارزش‌های دینی، عدالت و عزت اسلامی است) از نظام گرفته شود، مانند پوسته‌ای توخالی می‌شود که با یک ضربه فرومی‌باشد.

به‌عنوان یک پژوهشگر که سال‌ها درباره امام خمینی (ره) مطالعه کرده‌اید، چه توصیه‌ای به جوانان، به‌ویژه دهه هشتادی‌ها، برای شناخت بهتر امام و اندیشه‌های ایشان دارید؟

خوشبختانه امروز همه چیز ثبت و ضبط شده و دسترسی به آثار امام بسیار آسان است. توصیه‌ام به جوانان این است که اندیشه سیاسی امام را عمیقاً مطالعه کنند. اگر این اندیشه را نفهمند، در مسیر انقلاب دچار سردرگمی می‌شوند و بین عزت اسلامی و لذت‌گرایی دنیوی گیر می‌کنند. امام معتقد بودند که نظام دینی نه تنها باید به امنیت و اقتصاد مردم پاسخگو باشد، بلکه نسبت به فرهنگ و اخلاق آنها نیز مسئولیت دارد. این نقطه مقابل لیبرالیسم و فردگرایی افراطی است. امام همچنین تحول بزرگی در مفهوم قدرت ایجاد کردند. قدرت در نگاه ایشان، نه فقط قوه قهریه و ثروت، بلکه قدرت معنوی و الهی است که از توکل به خدا و ایستادگی در برابر استکبار ناشی می‌شود. این همان چیزی است که جمهوری اسلامی را با وجود همه فشارها، ۴۵ سال سرپا نگه داشته است. جوانان باید این را درک کنند که انقلاب اسلامی برای قیام‌لله بود، نه تنها برای دموکراسی یا اقتصاد. امام نظامی را می‌خواستند که هم به بعد مادی و هم معنوی انسان توجه کند.

بزرگ‌ترین درس از اندیشه امام برای امروز چیست؟

بزرگ‌ترین درس این است که انقلاب اسلامی برای تحقق عدالت و عزت اسلامی شکل گرفت. امام و رهبر معظم انقلاب هر دو بر این تأکید دارند که نظام نباید به پوسته‌ای حقوقی یا اسمی تبدیل شود. ما باید به ماهیت حقیقی انقلاب وفادار بمانیم و در برابر هرگونه انحراف، چه از بیرون و چه از درون، هوشیار باشیم. این هوشیاری و پایدینی به آرمان‌ها، تضمین‌کننده آینده انقلاب است. یک نکته مهم درباره وصیت‌نامه حضرت امام است. رهبر معظم انقلاب این وصیت‌نامه را «قطب‌نمای انقلاب» می‌دانند. ایشان بارها به جوانان توصیه کرده‌اند که این وصیت‌نامه را بخوانند، چون دواصل کلیدی اسلام و مردم‌سالاری در آن برجسته است. من هم توصیه می‌کنم مخاطبان عزیز حتماً به این سند مهم مراجعه کنند و کتاب «مو به مو» را مطالعه کنند تا با ابعاد گوناگون اندیشه امام آشنا شوند.

تاریخ ادامه دارند. بنابراین، این اصول تا زمانی که ظلم و کفر وجود دارد، پابرجا هستند. با این حال، در مدیریت رهبر معظم انقلاب، با پدیده‌های جدیدی مواجه شده‌ایم که در زمان امام نبودند. برای نمونه فروپاشی اردوگاه شرق، ظهور قدرت منطقه‌ای ایران، پیشرفت‌های هسته‌ای و موشکی، و پدیده اینترنت و شبکه‌های اجتماعی. اینها شرایط جدیدی هستند که نیازمند تدابیر جدید، اما در چارچوب همان اصول خط امام هستند.

یکی از بحث‌های امروز ما درباره چالش‌های انقلاب اسلامی در دوران امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب است. لطفاً بفرمایید در زمان امام خمینی، چه جریان‌هایی به‌عنوان «غیریت» یا مخالفان اصلی انقلاب مطرح بودند و چگونه این چالش‌ها در دوران رهبر معظم انقلاب تغییر کردند؟

بله، در زمان امام خمینی(ره)، سه جریان اصلی به‌عنوان غیریت انقلاب اسلامی مطرح بودند: لیبرال‌ها، ملی‌گراها و جریان التقاط. دو جریان لیبرال‌ها و التقاط، به‌نوعی رنگ و بوی مذهبی داشتند، اما در کنار این‌ها، دو نیروی خارجی یعنی صهیونیسم و استکبار جهانی - چه آمریکا و چه شوروی- نیز به‌منزله دشمنان اصلی انقلاب شناخته می‌شدند. این دو نیروی خارجی به‌دلیل توسعه‌طلبی و آزاردهندگی برای جهان اسلام، از ثبات برخوردار بودند و این تهدید حتی با گسترش تحریم‌ها علیه ایران ادامه یافت. امام خمینی بارها درباره فواید ایستادگی در برابر این دشمنان و همچنین هزینه‌های سازش صحبت کردند. ایشان این دور را کفه ترازو قرار دادند و نشان دادند که هزینه‌های ایستادگی، هرچند وجود دارد، اما در مقایسه باسازش کمتر است. این تحلیل امام، منطق مقاومت را شکل داد.

این جریان‌ها در داخل کشور چه تأثیری داشتند و در دوران رهبر معظم انقلاب چه تغییری در این چالش‌ها رخ داد؟

در دوران امام، این سه جریان (لیبرال‌ها، ملی‌گراها و التقاط) عمدتاً از حاکمیت خارج شدند. برای نمونه منافقین در سال ۱۳۶۰ از کشوررفتند و لیبرال‌ها هم بعد از ماجرای تسخیر لانه جاسوسی کنار گذاشته شدند. اما در دوران رهبر معظم انقلاب، ما با پدیده جدیدی مواجه شدیم: ظهور سکولاریسم از درون حاکمیت. این جریان، برخلاف جریان‌های قبلی که عمدتاًً خارج از حاکمیت بودند، به‌صورت دویست عمل می‌کند؛ یعنی هم در قدرت حضور دارند و هم به‌عنوان اپوزیسیون عمل می‌کنند. این گروه‌ها، که بعضاً مدعی خط امام بودند، به‌تدریج نسبت به آرمان‌های انقلاب و ماهیت نظام دینی دچار تردید شدند. این جریان معتقد است که حکومت دینی فقط باید در حوزه رفاه و امنیت فعال باشد، مانند مدل‌های غربی، و با بودجه‌های فرهنگی یا ترویج دین توسط حکومت مخالف است. رهبر معظم انقلاب این رویکرد را «اسلام آمریکایی» یا «اصلاحات آمریکایی» نامیدند. این انحراف، چالش اصلی دوران ایشان بوده، چون برخلاف زمان امام که دشمنان بیرونی بودند، این‌بار دشمن از درون حاکمیت سر برآورده است.

این پیچیدگی که اشاره کردید، چه تأثیری بر مسیر انقلاب داشته است؟

کردند، اما این مصلحت کاملاً در راستای تکلیف الهی بود.

۴- مرزبندی با غیر: امام با جریان‌های فکری و سیاسی که از گفتمان انقلاب فاصله داشتند، مرزبندی روشنی داشتند. ایشان پنج مرزبندی اصلی داشتند: دو مورد خارجی (استکبار و صهیونیسم) و سه مورد داخلی (ملی‌گرایی به‌معنای برتری‌طلبی قومی، لیبرالیسم و التقاط). امام حتی در نجف، مجاهدین خلق را به‌دلیل التقاطی بودنشان نپذیرفتند و فرمودند: «تا من هستم، نخواهم گذاشت حکومت به‌دست لیبرال‌ها بیفتد.»

۵- استکبارستیزی: این اصل فراتر از مرزبندی است. استکبارستیزی در اندیشه امام، یک موضع تهاجمی و طلبکارانه است که ریشه در مظالم تاریخی و طاغوتی بودن قدرت‌های استکباری دارد.

۶- ایستادگی و عدم سازش: امام هیچ‌گاه در برابر جهانخواران سازش نکردند. تعبیر زیبایی دارند که می‌گویند: «گمان نکند کسی که ما راه سازش با جهانخواران را نمی‌دانیم، اما هیأت که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند.»

۷- تکلیف و مصلحت: همان‌طور که گفتم، این دو در نگاه امام یکی هستند. در پذیرش قطعنامه ۵۹۸، امام بارها از تکلیف و مصلحت با هم سخن گفتند و نشان دادند که تصمیم‌گیری‌هایشان براساس مصلحت نظام، اما در چارچوب تکلیف الهی است.

۸- وحدت: وحدت در اندیشه امام چند بُعد دارد: وحدت جهان اسلام، وحدت مستضعفین، وحدت ملت ایران و وحدت حوزه و دانشگاه. این وحدت‌ها برای ایجاد یک نظام منسجم و پویا ضروری هستند.

۹- عدالت و مستضعف‌باوری: عدالت، محور مشروعیت نظام در نگاه امام است. اگر نظام نتواند عدالت را اجرا کند، مشروعیتش زیر سؤال می‌رود.

۱۰- انقلابی ماندن: این اصل، رمز پویایی انقلاب است. امام و رهبر معظم انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که انقلاب نباید به روزمرگی گرفتار شود. روحیه جهادی و استکبارستیزی باید حفظ شود.

۱۱- جهانی بودن نهضت: امام به جهانی بودن انقلاب اسلامی اعتقاد داشتند. انقلاب ایشان در سه سطح تعریف می‌شود: ایران، جهان اسلام و مستضعفین عالم. این جهانی بودن ریشه در جهان‌شمولی و جامعیت اسلام دارد.

۱۲- استقلال سیاسی: استقلال، یکی از دستاوردهای بی‌چون‌وچرای انقلاب است که هم دوست و هم دشمن بر آن اجماع دارند.

سؤالی که پیش می‌آید، این است که آیا با توجه به مقتضیات زمان، این شاخص‌ها ممکن است در دوره‌های مختلف تغییر کنند یا اهمیت‌شان کم شود؟

سؤال بسیار مهمی است. شاخص‌های خط امام که ذکر کردم، اصول بنیادینی هستند که به ذات انقلاب اسلامی گره خورده‌اند و به این راحتی دستخوش تغییر نمی‌شوند، مگر اینکه یک مسئله به‌طور کامل حل شود. برای نمونه اگر مسئله فلسطین حل شود یا استکبار از بین برود، ممکن است برخی از این اصول به شکل متفاوتی ظهور پیدا کنند. اما این اصول، چون ریشه در ذات خلقت و مبارزه خیر و شر دارند، همیشه وجود خواهند داشت. همان‌طور که قرآن می‌فرماید، خیر و شر، هابیل وقابیل، تا پایان

و مبانی فکری و عملی ایشان اشاره دارد که یک حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را در برمی‌گیرد. رهبر معظم انقلاب مکتب امام را در سه کلمه خلاصه کرده‌اند: عدالت، عقلانیت و معنویت. این سه اصل، ستون‌های اصلی مکتب امام هستند. عدالت، شامل عدالت اجتماعی، حمایت از مستضعفین، توزیع عادلانه امکانات، قدرت و ثروت است. عقلانیت، برخلاف برخی پیش‌فرض‌ها که بین عقل و دین تضاد می‌بیند، در اندیشه امام به‌معنای عقلانیتی است که مبتنی بر وحی و دستگاه معرفتی دینی است. معنویت هم بُعد روحانی و الهی حیات را در برمی‌گیرد. این سه اصل با هم یک منظومه کامل را تشکیل می‌دهند که اگر یکی از آنها حذف شود، کل بنا فرو می‌ریزد. خط امام اما به مسیر عملی و راهبردهای کلان ایشان اشاره دارد. خط امام، جهت‌گیری‌های مشخصی است که انقلاب اسلامی را در مواجهه با چالش‌های داخلی و خارجی هدایت می‌کند. ما در کتاب حدود ۱۲ محور برای خط امام شناسایی کردیم که بعداً به آن‌ها اشاره می‌کنم. شخصیت امام هم به ویژگی‌های فردی و سیره شخصی ایشان مربوط می‌شود؛ از ساده‌زیستی و تواضع گرفته تا صراحت و شجاعت در تصمیم‌گیری. این سه مفهوم با هم تفاوت دارند، اما در عین حال مکمل یکدیگرند و یک تصویر جامع از حضرت امام ارائه می‌دهند.

شما در کتاب اشاره کردید که رهبر معظم انقلاب بیش از ۳۵ سال در سخنرانی‌های ۱۴ خرداد و دیگر جلسات، به تبیین خط امام(ره) پرداخته‌اند. از نگاه شما، مهم‌ترین شاخص‌های خط امام چیست؟

رهبر معظم انقلاب به‌عنوان دقیق‌ترین تبیین‌کننده اندیشه امام، شاخص‌ها را به‌خوبی تشریح کرده‌اند. من در کتاب حدود ۱۲ محور را برای خط امام برشمرده‌ام که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنم:

۱- اسلام سیاسی: این اصل، رکن اصلی خط امام است. امام معتقد بودند که اسلام فقط مجموعه‌ای از احکام فردی نیست، بلکه توانایی اداره جامعه و پاسخ به نیازهای مدرن را دارد. اسلامی که برای جهانخواران ضرر نداشته باشد، از نظر امام، اسلام نیست. ایشان تعبیری دارند که می‌گویند اگر اذان ضروری برای منافع استعمارگران نداشته باشد، بگذارید تا هر چقدر می‌خواهند اذان بگویند! این نگاه، اسلام را به‌منزله یک نیروی سیاسی و تحول‌آفرین معرفی می‌کند.

۲- تکیه بر مردم: امام پس از ۲۰۰ سال که ملت ایران در صحنه سیاسی غایب بود، مردم را به میدان آورد. از مشروطه تا انقلاب اسلامی، به‌جز واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱، هیچ حرکت مردمی مؤثری در تاریخ ایران نمی‌بینیم. امام با انقلاب اسلامی، مردم را به‌عنوان محور اصلی قدرت وارد میدان کرد.

۳- صراحت انقلابی: امام در تصمیم‌گیری‌ها و مواضع‌شان صراحت داشتند. نکته جالب این است که در اندیشه ایشان، صراحت، تکلیف و مصلحت در یک راستا قرار دارند و هیچ تقابلی بین آن‌ها نیست. برای نمونه در ماجرای «آیت‌الله منتظری»، امام با صراحت و براساس مصلحت نظام عمل

مهدی سعیدی جریان‌شناس

در آستانه سالگرد رحلت حضرت امام خمینی(ره)، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، هفته‌نامه «صبح‌صادق» به بررسی سیره سیاسی امام خمینی(ره) پرداخته است. با گفت‌وگو با «عبدالله گنجی» استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه انقلاب اسلامی، با توجه به اثر «مو به مو» بر آن شدیم به تبیین اندیشه‌ها و راهبردهای سیاسی حضرت امام بپردازیم. این کتاب، که به چاپ‌های متعدد رسیده است با تکیه بر بیانات رهبر معظم انقلاب توانسته به مرجعی در حوزه امام‌شناسی تبدیل شود. از این‌رو این اثر روایتی دقیق از خط، مکتب و شخصیت امام ارائه می‌دهد. هدف این گفت‌وگو، معرفی ابعاد کمترشناخته‌شده سیره سیاسی امام به نسل جدید است؛ نسلی که انقلاب را ندیده، اما تشنه فهم حقیقت و هویت انقلابی است. در این گفت‌وگو از شاخص‌های خط امام، نظیر اسلام سیاسی، استکبارستیزی، عدالت و وحدت، تا چالش‌های تحریف شخصیت ایشان سخن خواهیم گفت.

آقای گنجی، کمی درباره اهمیت پرداختن به سیره سیاسی امام برای نسل جدید بفرمایید.

واقعیت این است که نسل جدید، به‌ویژه جوانانی که دوران انقلاب را ندیده‌اند، نیاز دارند با ابعاد گوناگون شخصیت و اندیشه امام آشنا شوند. این کار نه تنها ستودنی است، بلکه ضرورتی برای حفظ هویت انقلابی و معرفی درست امام به نسل‌های آینده است. امیدوارم این گفت‌وگو بتواند گامی هرچند کوچک در این مسیر بردارد.

شما در سال‌های اخیر کتابی با عنوان «مو به مو» منتشر کردید که به یکی از منابع مرجع در حوزه امام‌شناسی تبدیل شده و به چاپ‌های متعددی رسیده است. لطفاً کمی درباره این کتاب و داستان شکل‌گیری آن توضیح دهید. چرا عنوان «مو به مو» را انتخاب کردید؟

کتاب «مو به مو» تلاشی بود برای ارائه روایتی دقیق و منسجم از سیره سیاسی حضرت امام خمینی(ره) با تکیه بر بیانات رهبر معظم انقلاب. وقتی کار تألیف این کتاب را شروع کردیم، یکی از دغدغه‌های اصلی انتخاب عنوان مناسب بود. من می‌خواستم عنوانی انتخاب شود که هم بازتاب‌دهنده نگاه رهبر معظم انقلاب به امام باشد و هم جذابیت و عمق لازم را داشته باشد. در جلسات پژوهشگاه انقلاب اسلامی، اسامی گوناگونی پیشنهاد شد؛ از «یگانه دوران» گرفته تا «امام استثنایی» و «زندیک به عصمت». اما من روی عبارت «مو به مو» اصرار داشتم. این عبارت از تعبیری از رهبر معظم انقلاب گرفته شده است که فرمودند: «ما راه امام را مو به مو دنبال کردیم». برخی دوستان نگران بودند که این عنوان ممکن است به‌دلیل استفاده در تبلیغات روزمره، مانند آرایشگاه‌ها، جدی به‌نظر نیاید. اما من معتقد بودم که این تعبیر دقیقاً بیانگر این است که مسیر انقلاب اسلامی، پس از رحلت امام، دقیقاً در همان خط و منشی ایشان ادامه یافته است. این باور من است که برخلاف برخی ادعاها که می‌گویند بعد از امام مسیر انقلاب تغییر کرده، ما دقیقاً در همان ریل حرکت کرده‌ایم. عنوان «مو به مو» در نهایت پذیرفته شد و خوشبختانه بازخورد‌های خوبی هم از مخاطبان گرفتیم.

حالا اگر بخواهیم وارد بحث اصلی شویم، شما در کتاب «مو به مو» سه محور کلیدی را در مورد حضرت امام مطرح کرده‌اید: خط امام، مکتب امام و شخصیت امام. لطفاً کمی درباره تفاوت این سه مفهوم و ویژگی‌های هر یک توضیح دهید.

بله، این سه محور در واقع چارچوب اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند. اجازه دهید ابتدا توضیح مختصری درباره هر یک بدهم. مکتب امام به مجموعه اصول

♦ **از نظر جنابعالی، مهم‌ترین ویژگی شخصیتی و فکری حضرت امام خمینی(ره) که ایشان را به‌عنوان یک رهبر برجسته در جهان اسلام مطرح کرد، چه بود؟**

امام خمینی(ره) روحی بزرگ بود که در کالبد قرن دمیده شد و آن را تکان داد. سالگرد ار تحال او نه فقط یادآور پایان زندگی مردی استثنایی ست، بلکه تجلی خاطره یک حضور الهام‌بخش است که دل‌ها را تسخیر کرد و تاریخ را دگرگون ساخت.

کاریزمای ام‌ام(ره)، از ژرفای ایمان و عرفان می‌جوشید؛ از صداقتی بی‌پیرایه و نگاهی که برآمده از یقین بود؛ یقینی به ثبوت، و به امکان پیوندی زنده میان اسلام، مردم و زمانه.

او با سکوتش فریاد می‌زد، و با فریادش (هر چند با ساده‌ترین کلمات) دل‌ها را زیر و زیر می‌کرد. امامی که در چشمانش عزت ملت و امت در سایه اسلام در شرایط پرتحول زمانه موج می‌زد، و در گام‌هایش، طنین ایستادگی در این زمینه بود.

او مردی بود که به قدرت پشت کرد تا مردم به خود بازگردند؛ رهبری که نه از مرزهای جغرافیا، بلکه از افق‌های معنا عبور کرد. کاریزمای او، سحر حضور ش‌خصیتی بود که دل‌بسته دنیا نبود، اما دل‌های بسیاری را به خود گره زد.

در وجود او، تقوا و تدبیر درهم تنیده بودند؛ عرفان و سیاست، هم‌داستان و هم‌مسیر شده بودند؛ و عدالت، هم‌قدم با انقلاب، راه می‌پیمود. سالگرد او، فرصتی ست برای بازاندیشی در آن ویژگی‌هایی که او را از دیگران جدا می‌ساخت؛ ویژگی‌هایی همچون:

۱ اراده‌ای سخت: اراده‌ی او تنها در سخن نبود، در هر موضع و تصمیمی می‌درخشید. نه سکوت را روا می‌دانست، که آن را حرام می‌خواند؛ نه از مواضع خود عقب‌نشینی می‌کرد، حتی اگر دوستان و نزدیکان، با هزار مصلحت و توصیه، او را به نرمی فرا می‌خواندند. «نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد» برایش فقط شعار نبود، معیار عمل بود. بر حق، اصرار می‌ورزید؛ چراکه در باور او، عقب‌نشینی از حق، آغاز سقوط حق و ظهور باطل بود.

۲ ساده‌زیستی: ساده‌زیستی برای او، تنها یک فضیلت فردی نبود، بلکه سبکی از زیستن و راهی برای شکستن جلوه‌های کاذب و نابرابری‌آفرین اجتماعی زمانه بود؛ جلوه‌هایی که می‌توانست پیوند صداقت‌اش با مردم را دچار اختلال یا تزلزل کند.

۳ صداقت: صداقتش از ژرفای جانش می‌جوشید، و واژه‌هایش بسر ریل صداقت روان می‌شدند. اما آن‌گاه که ملت با صداقت برخاست، سخن او صادقانه‌ترین صدا شد؛ و چون آن صدای صداقت، همگانی گشت، کلامش دیگر تنها سخن نبود، بلکه به عهدی اجتماعی بدل شد؛ پیمانی میان مردم و معنا.

۴ عرفان اجتماعی:بی‌تردید، یکی از ژرف‌ترین ویژگی‌های امام خمینی(ره) که به کلام و رهبری‌اش جاذبه‌ای ویژه و نفوذ و تأثیری عمیق و اجتماعی بخشید، آن بود که جهان را در محضر خدا می‌دید؛ نه در لفظ، بلکه در عمق باوری جاری و زننده. برای او عرفان، تجربه‌ای منزوی در زاویه حجره نبود؛ بلکه حقیقتی جاری در کوچه‌کوچه زندگی و لایه‌لایه حیات اجتماعی بود. گویی هر تصمیم سیاسی، هر سخن اجتماعی، هر حرکت تاریخی، در قاب «وَاللّٰهُ مِّنْ وَّرَآئِهِمْ مَّحِیْطٌ» معنا می‌یافت.

همین حضور دانستی و فرامویرگی خدا در نگاهش، به کلماتش نوعی اطاعت‌آفرینی می‌بخشید؛ اطاعتی نه از جنس اجبار، که از جنس اطمینان، اطمینانی که ریشه در یقین داشت؛ چرا که او سخن می‌گفت از جایی که ایستاده بود: از قلعه‌ای که آن‌سوی سیاست، آن‌سوی قدرت، و آن‌سوی خویش را دیده بود. همین ایمان راسخ به هدف، همین سکون آرام یک دل تکیه‌زده بر مشیت خدا، رهبری‌اش را جاذبه‌ای بخشید که دل‌ها را پیش از عقل‌ها همراه می‌کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی، عضو مجلس خبرگان رهبری

امام(ره) آرمان‌های اسلام را از حصار کتاب‌ها آزاد کرد



احمد مبلغی، عضو مجلس خبرگان رهبری، در جریان سخنرانی در مجلس خبرگان رهبری.

امام خمینی(ره)، نامی که فراتر از یک شخصیت تاریخی، به نمادی از ایمان، عزت و تحول بدل شده است. او روحی بزرگ بود که در کالبد قرن دمید و تاریخ را با اراده‌ای پولادین و صداقتی بی‌پیرایه دگرگون ساخت. سالگرد ارتحالش، نه فقط یادبود پایان یک زندگی، بلکه فرصتی برای بازاندیشی در ویژگی‌های بی‌همتای اوست. مصاحبه با «حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی» عضو مجلس خبرگان تلاشی است برای بازخوانی اندیشه و سیره آن رهبر فقید؛ مردی که نه‌تنها ایران، بلکه جهان اسلام را به‌سوی افق‌های معنا و عدالت رهنمون ساخت، و نامش همچنان رمز امید و بیداری است.

محمد پالیزی

خبرنگار

♦ **امام خمینی(ره) چگونه توانستند با تکیه بر اصول اسلامی، الگویی نوین از نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه ارائه دهند؟**

امام خمینی(ره) تنها مفسر یک مکتب نبود، بلکه در خود دو توانایی را جمع کرده بود: نخست، مجسمه‌ای از ایمان بود که در حرکت تجسم یافته بود؛ و دوم، انسانی که کوشید آرمان‌های بلند اسلام را از حصار کتاب‌ها و سطرهای تفاسیر بیرون کشد و آنها را در بستر عینی زندگی به جریان اندازد. او مفاهیم را نه صرفاً بیان می‌کرد، بلکه به آنها عینیت می‌بخشید؛ در میدان‌های واقعی جامعه، در ساختار حکومت، و در تاروپود مناسبات اجتماعی، اسلام را از ایده به عمل، و از کلام به کنش تبدیل می‌کرد. و این همه از خاستگاه تعریف و نگاه او به اسلام، انسان و سیاست و رابطه این سه با هم برمی‌خاست. او اسلام را نه دین خلوت و انزوا، که مکتب حضور و پویش می‌دانست؛ و تلاش می‌کرد مفاهیم عمیقی چون عدالت، توحید، امربه‌معروف، جهاد، و اقامه قسط را از عالم نظر، به جهان عینیت آورد. در اندیشه او، قرآن کتابی نبود که فقط در محراب‌ها تلاوت شود؛ بلکه راهنمایی بود برای سامان دادن به اجتماع، و به حرکت درآوردن «انسان» در تمام ابعاد وجودی‌اش. انسانی که قرآن از او سخن می‌گوید، انسانی است ایستاده، آگاه، آزاد، و مسئول؛ و امام کوشید این انسان قرآنی را از دل جامعه خواب‌زده خویش برخیزاند. در سیاست، حکومتی را براساس ولایت و عدالت بنیان نهاد؛ نه به تقلید از غرب، نه

به بازگشت به گذشته، بلکه به اتکای فهمی زنده و پویا از دین. او نمی‌توانست میان عدالت، سیاست و ولایت در منظومه فکری دین، پیوندی مستحکم نبیند؛ بلکه از حیث نظری، به این مثلث در فلسفه و فقه سیاسی باور داشت. و همین باور بود که او را برانگیخت تا فرازهای نهفته در تاریخ فقه و منابع آن را (به‌ویژه در پیوند با ولایت اجتماعی) به حرکت و جوشش در عرصه جامعه درآورد و بر پایه آن ساختاری حکومتی را مبتنی بر ولایت فقیه پدید آورد.

♦ **نقش حضرت امام(ره) در بیداری اسلامی و تأثیر انقلاب اسلامی بر حرکت‌های آزادی‌خواهانه در منطقه و جهان چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

برای پاسخ به این پرسش، نخست باید به بن‌مایه اندیشه امام(ره) بازگشت و آن را با نگاهی روان‌شناختی و اجتماعی تحلیل کرد. او در مبارزه با ستم، مرزی نمی‌شناخت؛ از فلسطین تا آفریقا، از فقر تا استبداد، هرجا فریاد مظلومی یا نشانه‌ای از آن بود، بی‌درنگ در کنار آن می‌ایستاد. و در برانگیختن توده‌ها، نه با شعارهای زودگذر، بلکه با دمیدن روح عزت ایمانی و کرامت انسانی، ملتی را از خاکستر خاموشی برانگیخت. او اسلام را به میدان تجربه آورد؛ نه برای اثبات مشروعیت آن، که برای نشان دادن این حقیقت روشن: اگر به اسلام، از ژرفای دل، ایمان بیاوریم، می‌توان با آن

♦ **یکی از ژرف‌ترین ویژگی‌های امام خمینی(ره) که به کلام و رهبری‌اش جاذبه‌ای ویژه و نفوذ و تأثیری عمیق و اجتماعی بخشید، آن بود که جهان را در محضر خدا می‌دید؛ نه در لفظ، بلکه در عمق باوری جاری و زنده**

♦ **در اندیشه او، قرآن کتابی نبود که فقط در محراب‌ها تلاوت شود؛ بلکه راهنمایی بود برای سامان دادن به اجتماع، و به حرکت درآوردن «انسان» در تمام ابعاد وجودی‌اش. انسانی که قرآن از او سخن می‌گوید، انسانی است ایستاده، آگاه، آزاد، و مسئول؛ و امام کوشید این انسان قرآنی را از دل جامعه خواب‌زده خویش برخیزاند**

♦ **در جهان اسلام، بسیاری از حرکت‌های عدالت‌خواهانه، ضد استعماری و ضد استکباری، و هویت‌جویانه، از اندیشه امام(ره) جان گرفتند. نه فقط به سبب انقلاب ایران، بلکه به‌دلیل آنکه او در سخن و سلوکش، نشان داد اسلام توان ساختن دارد، توان ایستادن، و توان اداره کردن**

♦ **در کنار تحولات موضوعی، او بر ثبات و استحکام اصول بنیادین اسلام، ازجمله اصل ستم‌ستیزی، تأکید می‌ورزید. امام(ره) معتقد بود که این اصول باید به‌مثابه روحی زنده، در قالب‌ها و ساختارهای نوین جاری شوند؛ بی‌وقفه و بی‌درنگ، تا پیوستگی پیام و حضوردین با نیازهای متحول زمان حفظ شود**

♦ **در چنین فضایی، ایده‌های امام(ره) می‌توانند الهام‌بخش نسل‌هایی باشند که می‌خواهند با تکیه بر فرهنگ خودی، تکنولوژی را در خدمت اسلام و جامعه بگیرند؛ اقتصاد را ابزار عدالت سازند، و سیاست را به‌جای ابزار سلطه، به سکوی خدمت بدل کنند**

(آزادی قدس، وحدت مسلمانان، استقلال ملت‌ها، و نفی سلطه‌پذیری) هنوز زنده‌اند، و در نبض مقاومت‌ها و خیزش‌های مردمی، انعکاس دارند. و اگر چه دشمنان کوشیدند تصویر او را تحریف کنند. اما حقیقت، راه خود را یافته است. امروز، نام او در جهان اسلام، دیگر تنها یک نام نیست؛ رمز امیدی است که نشان داد می‌توان برخاست، می‌توان ایستاد، و می‌توان مسیر را با نور یقین و ایمان پیمود.

♦ **با توجه به شرایط کنونی جهان، چه راهکارهایی برای حفظ و ترویج میراث فکری و معنوی حضرت امام(ره) در نسل‌های جدید پیشنهاد می‌کنید؟**

در دنیای پیچیده و درهم‌تنیده کنونی، که مرزهای سنتی قدرت، اقتصاد، فرهنگ و تکنولوژی در هم آمیخته‌اند و وابستگی‌ها رنگ و بوی اجبار گرفته‌اند، بازخوانی ایده استقلال‌گرایی و ستم‌ستیزی و کرامت خواهی امام خمینی(ره) نه‌تنها ممکن، بلکه ضروری است. با این تفاوت که امروز این مفاهیم باید با زبانی تازه، در قالب‌هایی نو، و در متن چالش‌های جهانی بازتعریف و به‌کار گرفته شوند.

به تعبیر دیگر، اگر بخواهیم پاسخ این پرسش را روشن‌تر دریابیم، برای فهم دقیق‌تر اندیشه امام خمینی(ره)، باید به سه بنیان فکری او توجه کنیم:

نخست، اینکه او جهان را در حال تحولی دائمی می‌دید؛ تحولی که در سطح ساختارها و نظام‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جریان دارد.

دوم، برخاسته از نگاه اول، امام(ره) بر این باور بود که باید به «تحول موضوعی» به‌منزله یک عنصر فعال و ضروری در فرآیند اجتهاد و کشف احکام شریعت توجه داشت. یعنی موضوعات فقهی در بستر ساختارهای متحول، خود دچار دگرگونی می‌شوند و به‌تبع آن، نحوه مواجهه فقه با آنها نیز باید بازخوانی شود.

سوم، در کنار تحولات موضوعی، او بر ثبات و استحکام اصول بنیادین اسلام، ازجمله اصل ستم‌ستیزی، تأکید می‌ورزید. امام(ره) معتقد بود که این اصول باید به‌مثابه روحی زنده، در قالب‌ها و ساختارهای نوین جاری شوند؛ بی‌وقفه و بی‌درنگ، تا پیوستگی پیام و حضور دین با نیازهای متحول زمان حفظ شود.

این سه‌گانه، چارچوبی نظری و روشی برای بازتولید اندیشه اسلامی در جهان متحول امروز فراهم می‌آورد. از همین رو، کنش‌های او به‌سرعت خود را با بسترهای نو تطبیق می‌داد و عدالت‌خواهی، معنابخشی به مفاهیم اسلامی، و مبارزه با ستم را در قالبی نو، اجتماعی و زنده بازتعریف می‌کرد.

استقلال در نگاه امام(ره)، تنها راهایی از اشغال نظامی یا سلطه سیاسی نبود، بلکه به‌معنای بازیابی عزت فکری، توانمندی اقتصادی، هویت فرهنگی و اتکای معنوی یک ملت بود. او استقلال را روحی می‌دانست که اگر در کالبد ملتی دمیده شود، آن ملت دیگر به اسارت نمی‌رود؛ حتی اگر ابزار سلطه، نرم و مدرن و پیچیده باشد.

در دنیای امروز، که سلطه از دل قراردادهای اقتصادی، رسانه‌های فراملی، داده‌محوری، یا حتی سبک زندگی رخنه می‌کند، ستم‌ستیزی امام(ره) همچنان قابلیت تطبیق دارد؛ مشروط بر آنکه آن را تنها به شکل مقابله سنتی با استعمار کهن تقلیل ندهیم، بلکه به‌منزله یک بینش ژرف نسبت به «نفی سلطه» و «احیای کرامت اسلامی» بنگریم.

در چنین فضایی، ایده‌های امام(ره) می‌توانند الهام‌بخش نسل‌هایی باشند که می‌خواهند با تکیه بر فرهنگ خودی، تکنولوژی را در خدمت اسلام و جامعه بگیرند؛ اقتصاد را ابزار عدالت سازند، و سیاست را به‌جای ابزار سلطه، به سکوی خدمت بدل کنند.

ستم‌ستیزی امروز، در موارد بسیار و گسترده کمتر در میدان‌های جنگ باشد و بیشتر در عرصه‌های رسانه، دانش، و فرهنگ... است. اما روح آن، همان است که امام(ره) می‌اندیشید: ایستادن بر قله اختیار، کرامت، و توحید. پس، اگر چه جهان تغییر کرده، اما جوهره پیام امام(ره) همچنان راه‌گشا است؛ به شرط آنکه فهم ما از او، عمیق، پویا، و درگیر با مسائل عصر باشد، نه فقط خاطره‌انگیز.



اسلامی، که فضایی آزاد داشت، نتوانستند به اهداف خود دست یابند.

این افراد نام‌نویسی کردند و کاندیداهایی را در مناطق گوناگون معرفی کردند تا بتوانند رأی بیاورند و وارد مجلس شوند و نقشه سیاستمداران انگلیسی را برای انحراف مجلس شورای اسلامی به اجرا درآورند. اما در انتخابات، هیچ کدام از این افراد در هیچ منطقه‌ای موفق به کسب رأی نشدند. در دور دوم انتخابات مجلس نیز، که اهمیت بسیاری دارد، این گروه‌ها کاندیداهای استانی و شهرستانی خود را معرفی نکردند و همگی تلاش کردند در تهران رأی کسب کنند. اما حتی در تهران نیز در دور دوم هیچ‌یک از کاندیداهای آنها حتی ۳۰۰ هزار رأی نیاوردند و موفقیتی کسب نکردند. وقتی نتوانستند از طریق مجلس نفوذ کنند، به روش‌های دیگر، از جمله درگیری‌ها و رویارویی‌های مسلحانه روی آوردند که الحمدلله این اقدامات نیز به شکست انجامید و آنها ناچار به فرار شدند و به دشمنان پیوستند.

علاوه بر ایسن، گروه‌هایی مانند حزب توده و دیگر جریان‌های وابسته به شوروی سابق، با ارتباطاتی که با آمریکا، انگلیس و فرانسه برقرار کردند، از راه‌های مختلف تلاش کردند نفوذ کرده و انحراف ایجاد کنند. اما این گروه‌ها نیز شکست خوردند و انقلاب به مسیر خود ادامه داد. دشمن، به‌ویژه انگلیس و آمریکا، هیچ‌گاه از اهداف خود دست نکشیده و همواره در پی تھی کردن اسلام در کشورهای اسلامی بوده‌اند. در بسیاری از این کشورها، اسلام تنها به نماز، قبله و حج محدود شده و اقتصاد، فرهنگ و دیگر شئون جامعه هیچ ارتباطی با اسلام ندارد.

این دشمنان همواره تلاش کرده‌اند از راه‌های گوناگون، از جمله آوردن افراد خاص، انحراف ایجاد کنند. در داخل کشور نیز افرادی هستند که خود را اهل مطالعه، تحلیل‌گر و سیاستمدار می‌دانند، مانند آقای «زیباکلام»، که آشکارا اندیشه‌های ناب حضرت امام خمینی(ره) را مورد انتقاد قرار می‌دهند و می‌گویند در جامعه امروزی نمی‌توان بر اساس این اندیشه‌ها عمل کرد و باید به آمریکا وابسته شد یا رژیم صهیونیستی را تحمل کرد. این گروه‌ها با طرح سیاست‌هایی مانند سیاه‌نمایی، نادیده گرفتن موفقیت‌ها، بزرگ‌نمایی نقاط ضعف و مشکلات، و تضعیف باور مردم، به‌دنبال انحراف هستند.

برای نمونه، در مسائل اقتصادی، که هر کشوری ممکن است به دلایلی مانند کمبود باران، کاهش محصولات کشاورزی یا مشکلات داخلی با چالش‌هایی مواجه شود، این افراد ضعف‌ها را برجسته کرده و بزرگ‌نمایی می‌کنند تا اعتقاد و باور مردم را تضعیف کنند. آنها با وجود رهبری عالم، دانشمند، مدیر و آگاه مانند رهبر معظم انقلاب، که مانع تحمیل دروغ‌هایشان می‌شود، به سیاه‌نمایی و بزرگ‌نمایی مشکلات روی می‌آورند تا به جایگاه جمهوری اسلامی ضربه بزنند.

در زمینه دفاعی، در گذشته برای تأمین امکانات و ابزار دفاعی به کشورهای دیگر وابسته بودیم. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب بارها فرموده‌اند، در آن زمان حتی برای تهیه سیم خاردار در جبهه‌ها به کشورهای دیگر نیاز داشتیم و آن‌ها به ما سلاح نمی‌فروختند. اما امروز ایران در جایگاه بالایی در منطقه قرار دارد. اکنون این پرسش مطرح است که چرا کشورهایی مانند روسیه از ایران بهپاد می‌خرند یا دیگر کشورها موشک و سلاح از ما تهیه می‌کنند. این برتری دفاعی امروز در منطقه ما مشهود است.

در زمینه هسته‌ای نیز، مذاکراتی که اکنون در جریان است، به‌دلیل تلاش دشمنان برای جلوگیری از پیشرفت ما بود. حتی در زمان رژیم طاغوت، گام‌های اولیه برای پیشرفت هسته‌ای برداشته شده بود و امروز ایران در این حوزه به جایگاهی رسیده که هیچ‌یک از کشورهای منطقه در رده جمهوری اسلامی قرار ندارند. بسیاری از اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ برای برتری منطقه‌ای، اکنون توسط جمهوری اسلامی محقق شده است.

این گروه‌ها با سیاه‌نمایی و برجسته کردن نقاط ضعف، تلاش می‌کنند مردم را دلسرد و پراکنده کنند و از اهتمام و نقش آن‌ها در حمایت و دفاع از نظام بکاهند. اما به‌حمدالله، این تلاش‌ها به نتیجه نخواهد رسید. جمهوری اسلامی، بیش از پیش، در همان مسیر اصلی که حضرت امام خمینی(قدس سره) ترسیم فرمودند، در رویارویی با استکبار جهانی، شیطان بزرگ، رژیم صهیونیستی و در حمایت از فلسطین و فلسطینیان پیش می‌رود.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حسن اختری رئیس شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت(ع)

امام(ره) پروژه استکبار را درهم شکست



تشکیل حکومتی باید نظارت فقهی داشته باشد، امام بر ضرورت اقدام فعال برای تشکیل حکومت اسلامی تأکید داشتند. ایشان شکست تلاش‌های پیشین علما را مانعی برای انجام این وظیفه نمی‌دانستند و آن را به‌عنوان مسئولیت اصلی ولی فقیه در مکتب تشیع قلمدادمی‌کردند.

با تکیه بر این‌نظریه فقهی و با بهره‌گیری از توانمندی‌ها و درایت خود، امام خمینی(ره) موفق شدند اندیشه اسلام ناب محمدی(ص) را به منصه ظهور برسانند و حکومت اسلامی را تأسیس کنند. این اندیشه، مسیر توسعه‌ای متفاوتی را برای ایران ترسیم کرد که در تضاد با الگوهای رایج در منطقه بود. جمهوری اسلامی، بر پایه این اندیشه، حامی مظلومان شد و ابتکاراتی مانند روز قدس از همین تفکر نشأت گرفت.

تفاوت اساسی انقلاب اسلامی با انقلاب‌ها و جنبش‌هایی که در کشورهای منطقه شکل می‌گیرد، چیست؟

حکومت‌های منطقه، چه در گذشته و چه در حال، عمدتاً اسلامی نبودند و به خواست مردم شکل نگرفته بودند، بلکه با حمایت قدرت‌های استکباری و به‌دست قدرت‌طلبان، مانند بنی‌امیه، به‌وجود آمده بودند. این تفاوت اساسی، جمهوری اسلامی را به الگویی موفق تبدیل کرد که بر پایه خواست مردم و اندیشه اصیل اسلامی شکل گرفت و توانست در برابر چالش‌های منطقه‌ای و جهانی ایستادگی کند.

تاریخ اسلام گواه آن است که بسیاری از حاکمان، از معاویه تا پایان بنی‌امیه و بنی‌عباس، تنها در پی کسب قدرت بودند. این امر در کتب تاریخی، حتی در منابع اهل سنت، مشهود است. برای نمونه، در مورد معاویه نقل شده که در سخنرانی خود در کوفه پس از صلح با امام حسن(ع) اظهار داشت که هدفش نه ترویج دین، بلکه تنها کسب حکومت بوده است. این رویکرد در میان حاکمان کنونی منطقه نیز دیده می‌شود. برخی از این حاکمان از طریق انتخابات یا با حمایت قدرت‌های استکباری، مانند انگلیس و آمریکا، یا از راه کودتا به قدرت می‌رسند. در بسیاری از کشورهای منطقه، به‌ویژه در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، انتخابات وجود ندارد. حتی در کشورهایی مانند ترکیه،

سیاسی که در شرایط دشوار عقب‌نشینی می‌کردند، ایشان با صداقت و فداکاری، تمام وجود خود را وقف رشد و تعالی مردم کردند. این اخلاص، اعتماد و همراهی گسترده مردم را به‌دنبال داشت.

ایسن ویژگی‌ها از همان آغاز نهضت، از دهه ۴۰ شمسی و حتی پیش از آن، در اندیشه و عملکرد ایشان شکل گرفته بود. ایشان از سال‌های ابتدایی، با آگاهی از شکست‌های پیشین حرکت‌های اسلامی و با شناخت دقیق موانع، نهضتی را پایه‌گذاری کردند که با تکیه بر ایمان، شجاعت و مدیریت فرصت‌شناسانه، به پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ انجامید. این ویژگی‌ها پس از پیروزی انقلاب نیز در تثبیت نظام اسلامی و هدایت آن در برابر چالش‌های داخلی و خارجی نقش آفرین بود.

بصیرت و شناخت عمیق حضرت امام خمینی(ره) نسبت به مسائل جهانی و منطقه‌ای، ایشان را قادر ساخت تا نهضت انقلاب اسلامی را با موفقیت رهبری کنند. ایشان به‌عنوان مرجع تقلید و رهبر روحانی دینی، در جایگاه جانشین عام حضرت ولی عصر(عج)، با درایت و هوشیاری، تکلیف الهی و اسلامی خود را در راستای تأسیس حکومت اسلامی دنبال کردند. این ویژگی‌ها، همراه با ایمان راسخ به خداوند متعال و باور به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، از مهم‌ترین عناصر موفقیت ایشان بود.

با توجه به پژوهش‌های شما در زمینه تاریخ تشیع، نقش امام خمینی(ره) در بازتعریف جایگاه مرجعیت شیعه در عصر مدرن و تأثیر آن بر جهان اسلام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بر خلاف برخی علما که معتقد بودند عالم دینی نباید به‌دنبال تشکیل حکومت باشد، امام خمینی(ره) بر این باور بودند که ولی فقیه، به‌عنوان جانشین امام زمان(عج) در مکتب تشیع، وظیفه و مسئولیت جهاد برای تأسیس حکومت اسلامی را بر عهده دارد. ایشان این اندیشه را از طریق درس‌های فقهی خود در نجف اشرف، به‌ویژه در باب ولایت فقیه، تبیین کردند. در این درس، امام(ره) تأکید داشتند که مرجع تقلید موظف است برای تحقق حاکمیت اسلام تلاش کند. برخلاف برخی علما که معتقد بودند ولی فقیه تنها در صورت

رضا محمدی خبرنگار

در تاریخ معاصر ایران، نامی پرآوازه‌تر از حضرت امام خمینی(ره) وجود ندارد؛ رهبری که با ایمان، شجاعت و بصیرت بی‌نظیر خود، نه‌تنها سرنوشت یک ملت، بلکه مسیر تاریخ جهان اسلام را دگرگون کرد. انقلاب اسلامی ایران، به‌منزله یکی از بزرگ‌ترین تحولات قرن بیستم، نه‌فقط یک قیام سیاسی، بلکه یک نهضت عظیم فرهنگی، دینی و انسانی بود که ریشه در اندیشه‌های ناب اسلامی و آرمان‌های الهی داشت. این انقلاب، که در سال ۱۳۵۷ به‌پیروزی رسید، تحت هدایت مردی شکل گرفت که با تکیه بر ایمان به خدا، شناخت عمیق از دشمنان اسلام و مدیریت استراتژیک، توانست یک نظام طاغوتی را سرنگون کرده و حکومتی مبتنی بر اسلام ناب محمدی بنیان نهد. اما چه ویژگی‌هایی در شخصیت و استراتژی سیاسی امام خمینی(ره) نهفته بود که این حرکت عظیم را به ثمر نرساند؟ چگونه این مرد الهی توانست در برابر قدرت‌های جهانی و داخلی ایستادگی کند و ملتی را به‌سوی استقلال و عزت هدایت کند؟ در مصاحبه با «حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حسن اختری» رئیس شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت(ع) به بررسی نقش محوری امام خمینی(ره) در شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ویژگی‌های کلیدی رهبری ایشان و تأثیر این اندیشه در بزنگاه‌های حساس تاریخی می‌پردازیم.

با توجه به نقش محوری امام خمینی(ره) در شکل‌گیری انقلاب اسلامی، به‌نظر شما کلیدی‌ترین تصمیم تاریخی ایشان در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب چه بود و چگونه این تصمیم مسیر تاریخ ایران را تغییر داد؟

مهم‌ترین ویژگی شخصیتی و استراتژی سیاسی حضرت امام خمینی(ره) که به موفقیت انقلاب اسلامی منجر شد، ترکیبی از ایمان عمیق به خداوند متعال، باور به ضرورت حاکمیت اسلام، شجاعت بی‌نظیر، درایت سیاسی و مدیریت فرصت‌شناسانه بود. ایشان به‌منزله مرجع عالی‌قدر و رهبری دینی، با هدف نشان دادن قدرت اسلام در اداره جامعه و هدایت بشر، اندیشه تشکیل حکومت اسلامی را با جدیت دنبال کردند. در طول تاریخ، به‌ویژه در ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال اخیر، تلاش‌های علما و اندیشمندان اسلامی برای ایجاد حکومت اسلامی به دلایل گوناگون، از جمله نفوذ دشمنان اسلام و قدرت‌های استعماری، به شکست انجامیده بود. استعمار، به‌ویژه استعمار انگلیس، با تقسیم امت اسلامی به جزایر متعدد و تضعیف قدرت آن، مانع از تحقق این آرمان شد. نمونه‌هایی از این تلاش‌ها در مصر و ایران، در جریان نهضت مشروطه، نهضت ملی شدن صنعت نفت و حرکت‌هایی مانند فعالیت‌های نواب صفوی، دیده می‌شود که به‌دلیل نفوذ سیاستمداران وابسته به قدرت‌های خارجی، به نتیجه نرسید.

حضرت امام خمینی(ره) با آگاهی عمیق از سیاست‌های قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه انگلیس، و شناخت راه‌های نفوذ آن‌ها، حرکت خود را با ایمان راسخ به ضرورت تأسیس حکومت اسلامی آغاز کردند. ویژگی‌های کلیدی ایشان شامل موارد زیر بود: ۱- ایمان به خداوند و حاکمیت اسلام: ایشان با اعتقاد راسخ به اینکه اسلام توانایی اداره جامعه را دارد، این باور را به جامعه منتقل و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را تبیین کردند.

۲- شجاعت و استقامت: با وجود تهدیدات سنگین، از جمله خطر اعدام و تبعید، از رسالت خود عقب‌نشینی نکردند. این شجاعت، به‌ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که دستگاه سروکوب رژیم پهلوی هرگونه مخالفتی را خفه می‌کرد، نمود بارزی یافت. حمایت گسترده مردم و مراجع مانع اجرای حکم اعدام شد و به تبعید ایشان انجامید، اما حتی در تبعید نیز با قاطعیت مسیر خود را ادامه دادند.

۳- درایت و مدیریت سیاسی: با هوشیاری نسبت به سیاست‌های جهانی و نفوذ دشمنان، فرصت‌ها را به‌خوبی شناسایی کرده و با مدیریت دقیق، نهضت را به‌سمت پیروزی هدایت کردند. این درگیری در اختلافات حاشیه‌ای پرهیز کردند و بر هدف اصلی، یعنی تحول جامعه و تأسیس حکومت اسلامی، متمرکز ماندند.

۴- صداقت و اخلاص: بر خلاف برخی رهبران

♦ در طول تاریخ، به‌ویژه در ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال اخیر، تلاش‌های علما و اندیشمندان اسلامی برای ایجاد حکومت اسلامی به دلایل گوناگون، از جمله نفوذ دشمنان اسلام و قدرت‌های استعماری، به شکست انجامیده بود. استعمار، به‌ویژه استعمار انگلیس، با تقسیم امت اسلامی به جزایر متعدد و تضعیف قدرت آن، مانع از تحقق این آرمان شد

♦ اندیشه، مسیر توسعه‌ای متفاوتی را برای ایران ترسیم کرد که در تضاد با الگوهای رایج در منطقه بود. جمهوری اسلامی، بر پایه این اندیشه، حامی مظلومان شد و ابتکاراتی مانند روز قدس از همین تفکر نشأت گرفت

♦ اندیشه، مسیر توسعه‌ای متفاوتی را برای ایران ترسیم کرد که در تضاد با الگوهای رایج در منطقه بود. جمهوری اسلامی، بر پایه این اندیشه، حامی مظلومان شد و ابتکاراتی مانند روز قدس از همین تفکر نشأت گرفت

♦ با سیاه‌نمایی و برجسته کردن نقاط ضعف، تلاش می‌کنند مردم را دلسرد و پراکنده کنند و از اهتمام و نقش آن‌ها در حمایت و دفاع از نظام بکاهند. اما به‌حمدالله، این تلاش‌ها به نتیجه نخواهد رسید

نفس سبز



نور

بی‌سایه مرا آن نور، با خویش کجا می‌برد
بی‌پرسش و بی‌پاسخ، می‌رفت و مرا می‌برد
ها! گفت تماشا کن گلخاک شهیدان را
خالص نشدی ورنه، این خاک تو را می‌برد!...
هنگامه محشر بود، یا وعده دیگر بود
آن پای که بی‌سر بود، تن را چه رها می‌برد
رو سوی خطر می‌رفت، یا سیر و سفر می‌رفت؟!
هم باورمان می‌داد، هم باورمان می‌برد
پیری که غریبی را، از کر بویلا آورد
این بار غریبان را، تا کر بویلا می‌برد!

محمد علی بهمنی

خورشید جماران

که می‌نهد مرم هم، داغ سوگواران را؟
که جمع می‌کند این خاطر پریشان را؟
کدام دست شفاف‌بخش می‌برد دیگر
به یک اشاره خود التهاب یاران را؟
برای من که افول ستاره بی‌معناست
مگو عزیز که باور نمی‌کنم آن را...
آهای ابر بهاری! هنوز خرداد است
ببار بر من آتش گرفته، باران را...
کجاست جلوه سروهای گلشن من
که غنچه می‌درد از دوری اش‌گریبان را
چگونه باید باور کنم در این ظلمت
غروب مهر درخشنده جماران را
چگونه طی کنم این راه سخت را بی‌تو
چگونه سر کنم این شام تلخ هجران را...

عباس شاه‌زیدی

نعمت ولایت

در آسمان نگاهش بهشت منزل داشت
بهشت روشنی از آن همه فضائل داشت
شکوه و هیبت و حسن و ملاحتش بی‌مثل
عجب جمال و جلالتی در آن شمایل داشت
نگاه روشن او آیه های «والفجر» و
لبش ترنم «یا ایها المزل» داشت
رسید صبح سپید نزول «اعطینا»
رسید و کوثری از روشنی حمایل داشت
مسیح بود و دمش جان تازه می‌بخشید
که زنده از نفحاتش هزارها دل داشت
دمی به ابروی پیوسته خم نمی‌آورد
اگر که لشکر طاغوت در مقابل داشت
اگر که سیل عداوت، چو کوه پا برجا
اگر که موج ندامت، صفای ساحل داشت
نشد فدایش گر این نیمه جان ناقابل
به راهش آن همه جان بر کفان قابل داشت
چه کرد روح خدا در جهاد عشق و عقل
حکیم عاشق و دلدادگان عاقل داشت
گذاشت بر دل ما گرچه داغ هجرش را
مسیر روشن او سالکان واصل داشت
نهاد دست خدا در وجود «سید علی»
شکوه و هیمنه ای که «امام راحل» داشت
خدا کند که بفهمیم این سعادت را
حیات طیبه را، نعمت ولایت را

یوسف رحیمی

فترسید این راه خداست

شهاب‌الدین نوروزی

نویسنده

من «جعفر» بیست‌ساله‌ام. توی کوچه‌های خاکی ورامین بزرگ شده‌ام، زیر آفتاب تند و سایه درخت‌های خسته. پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ بود. آسمان انگار دلش گرفته بود؛ ابری نبود، اما نور خورشید غمی داشت، انگار می‌دانست خون روی خاک خواهد ریخت.

صبح زود، صدای همه‌همه از مسجد جامع بلند شد. مردم جمع شده بودند؛ نه فقط ریش‌سفیدها یا کشاورزان آفتاب‌سوخته، بلکه جوان‌ها، زن‌ها، حتی بچه‌ها. توی چشم‌هاشان چیزی بود که می‌توانستی اسمش را خشم مقدس بگذاری! عزمی که انگار از عمق تاریخ می‌آمد. من هم با شلوار خاکستری و پیراهن سفید خیس از عرق، وسط جمعیت بودم. نمی‌دانستم چه پیش می‌آید، اما چیزی در دلم می‌گفت باید باشم. باید بینم.

«حاج اکبر» رفیق قدیمی‌ام، کنارم بود. هیكلش درشت، اما چشم‌هاش نرم و پر معنا بود. از آن آدم‌هایی بود که حرفش انگار از قصه‌های کهن می‌آمد. گفت: «جعفر، امروز انگار عاشوراست. انگار شمر و یزید دوباره روی‌روی حسین(ع) ایستاده‌اند.» اول نفهمیدم، عاشورا؟ شمر؟ چه ربطی به امروز داشت؟

ماجرای آن چند روز پیش شروع شد. خبر رسید که آقای خمینی، همان‌که در قم درس می‌داد و حرفش مثل رعد بود، بازداشت شده، گفته بود این مملکت



غرق فساد است، زیر پای اجنبی‌ها له می‌شود. گفته بود باید بلند شویم، از حق‌مان، از اسلام، از شرف و از خاکمان دفاع کنیم.

مردم ورامین وقتی شنیدند، خون‌شان به جوش آمد. توی مسجد جمع شدند، کفن پوشیدند. اما اینها زنده بودند، جان‌شان توی مشت‌شان. حاج اکبر گفت: «این کفن یعنی آماده‌ایم برای خدا، برای حسین(ع). مثل شصت‌ویک هجری، توی کربلا.» راه افتادیم، از ورامین به سمت تهران. جمعیت زیاد بود، انگار کل شهر ریخته بود توی جاده. زن، مرد، پیر، جوان. شعار می‌دادند: «یا مرگ یا خمینی» من هم فریاد می‌زدم، ولی ته دلم ترسی بود.

نه از مرگ، از اینکه نکند این شور به جایی نرسد، نکند خاکمان زیر پای ظالم بماند.

حاج اکبر یک‌جا ایستاد، نفسش سنگین. گفت: «جعفر، می‌دونی چرا کفن پوشیدیم؟ این راه عاشوراست. آن روز حسین(ع) با عده‌ای کم جلوی لشکر یزید ایستاد. امروز ما هم به تبعیت از آنان با دست خالی، جلوی تانک و تفنگ شاه ایستاده‌ایم.» حرفش توی سرم چرخید. چشم‌هایم را بستم. انگار صدای زنگ شترهای کاروان امام حسین(ع) را شنیدم، صدای حضرت زینب(س) از دور می‌آمد. انگار آقای خمینی (ره) همان‌که در قم بود، می‌گفت:

«فترسید، این راه خداست.»

در میانه راه سربازها آمدند. تانک، تفنگ، باتوم. انگار از دنیای دیگری بودند. یکی فریاد زد: «فترسید، اینها لشکر یزیدند!» مردم ایستادند، نه فرار کردند، نه عقب رفتند. کفن‌هاشان توی باد تکان می‌خورد. دست‌هایم می‌لرزید، اما پاهایم به زمین چسبیده بود. حاج اکبر دستش را روی شانه‌ام گذاشت. گفت: «جعفر، اگر امروز خونمان ریخت، این خاک زنده می‌ماند. این خون، ریشه انقلاب است.»

بعد تیرها شروع شد. صدای شلیک، فریاد، گریه. مردم می‌افتادند، اما باز یکی بلند می‌شد، شعار می‌داد. حاج اکبر قدم جلو گذاشت، انگار می‌خواست سینه‌اش سپر تیرها شود. برگشت، نگاهم کرد و گفت: «جعفر، این راه تمام نمی‌شود، حتی اگر ما نباشیم.» بعد افتاد. خوش روی خاک پخش شد، مثل گل سرخ.

نمی‌دانم چطور زنده ماندم، چطور به ورامین برگشتم. آن شب، زیر نور کم‌سوی چراغ، به آقا فکر می‌کردم. به او که در قم، توی مدرسه فیضیه، حرفش رعد بود. او ادامان داد زیر بار ظلم نرویم، که اسلام یعنی سربلندی، نترسیدن از شمشیر یزید، از تفنگ شاه.

آن روز، پانزده خرداد، خون مردم ورامین روی خاک ریخت. اما همان خون ریشه شد، ریشه درختی بزرگ. سال‌ها بعد، وقتی انقلاب شد، وقتی شاه رفت، وقتی پرچم اسلام بالا رفت، هنوز صدای حاج اکبر را می‌شنیدم، کفن‌های سفید را می‌دیدم، خون روی خاک ورامین را حس می‌کردم.

عکس و مکث



عالم برجسته/ سید روح الله در قم تا سال ۱۳۴۰ به تدریس فقه و اصول پرداخت و کتاب‌هایی مانند «شرح دعای سحر» را به رشته تحریر درآورد، که نشان‌دهنده عمق علمی ایشان است.



طلبه علوم دینی/ امام در خمین، اراک و قم علوم دینی آموخت. نزد آیت‌الله حاجری یزدی شاگردی کرد و تا سال ۱۳۰۰ پایه‌های علمی خود را در فقه و اصول تقویت کرد.



تولد بزرگ‌مرد/ سید روح‌الله خمینی(ره) در ۱۲۷۹ همزمان با ولادت حضرت زهرا(س) در شهرستان خمین متولد شد. پس از شهادت پدر، تحت سرپرستی مادر و عمه بزرگ شد و تحصیلات اولیه را در خمین آغاز کرد.



تبعید بی‌انبار/ از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ دوران تبعید امام خمینی(ره) بود اما این تبعید مانع از اقدامات امام(ره) نشد به گونه‌ای که پس از تبعید به ترکیه و نجف، با سخنرانی‌ها و پیام‌ها نهضت اسلامی را از راه دور هدایت کرد.



آغاز انقلاب/ سخنرانی امام خمینی(ره) علیه رژیم پهلوی و لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی منجر به دستگیری ایشان شد؛ اما این سرکوب و خفقان نیز توانست مانع قیام مردم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شود.



فریاد علیه استبداد/ امام خمینی(ره) رفته رفته با نگارش آثار و سخنرانی‌های متمادی رژیم پهلوی و سکولاریسم را نقد می‌کرد؛ می‌توان گفت امام خمینی(ره) در این ایام که تا سال ۱۳۴۰ بود فعالیت سیاسی خود را علیه ظلم آغاز کرده بود.



داغ بی تسکین/ روح خدا پس از یازده سال از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به هدایت کشور در جنگ تحمیلی و تثبیت انقلاب در کشور و در جهان در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ به خدا پیوست.

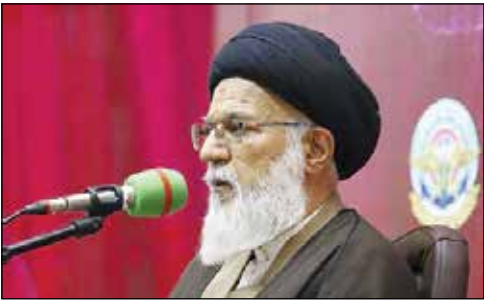


بنیان‌گذار/ عاقبت ایمان، ایستادگی و مقاومت حضرت امام خمینی(ره) جواب داد و در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و با رهبری انقلاب، نظام جمهوری اسلامی را تأسیس کرد.



جهان صدای انقلاب ایران را شنید/ امام(ره) در سال ۱۳۵۷ به نوفل‌لوشاتو تبعید شد. در نوفل‌لوشاتو پاریس، با مصاحبه‌های جهانی و پیام‌های انقلابی، رژیم پهلوی را تضعیف و انقلاب را هدایت کرد.

آموزش و تربیت از میدان‌های مهم جنگ شناختی است



همایش علمی جنگ شناختی و تمدن نوین اسلامی با حضور «آیت‌الله سیدمحمد مهدی میرباقری» عضو مجلس خبرگان رهبری، «محمدجواد لاریجانی» رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی و کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه سیاست و امنیت و فرماندهان نیروهای مسلح در سالن جلسات دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی درقم برگزار شد.

به گزارش صبح صادق در ابتدای این مراسم آیت‌الله سید محمد مهدی میرباقری با اشاره به تحولاتی که در عرصه شناخت و تمدن در حال وقوع است، تأکید کرد: «دشمن با یک افک بزرگ، دستگاه دروغی را در مقابل پیام انبیاء ایجاد کرده و تلاش می‌کند از طریق آن، سبک زندگی انسان را به‌گونه‌ای بازسازی کند که ریشه در الهیات مادی داشته باشد.» وی با اشاره به آیة‌ای از سوره مبارکه شعرا درباره حضرت ابراهیم(ع) گفت: «فرعون در برابر دعوت حضرت ابراهیم، یک دروغ بزرگ را جایگزین حقیقت کرد و تمدن مادی نیز در قرون اخیر چنین کاری را با جهان بشری انجام داده است؛ به تعبیر ایشان، امروز دستگاه‌های شناختی پیچیده‌ای با پشتوانه دانش‌های مختلف تلاش می‌کنند تا عقلانیت فردی و اجتماعی انسان را هدف بگیرند و بازسازی کنند.» میرباقری گفت: «در جنگ شناختی، دشمن به‌دنبال آن است که نه‌خبران را یکسان‌سازی کند، پایگاه‌های مرجع را سامان دهد و منظومه‌ای از عقلانیت اجتماعی بسازد که رفتار انسان در آن قابل پیش‌بینی و کنترل باشد و این روند خطری جدی است که نه‌خبران باید با درک دقیق آن به‌نوآوری، تولید دانش، تسخیر قله‌های علمی و شکستن مرزهای دانش دست یابند.»

♦ جنگ شناختی، موثر بر نظم جهانی

عضو مجلس خبرگان رهبری با اشاره به نقش رسانه‌ها و هالیوود در تضعیف ادراک عمومی جهانی، تأکید کرد: «بسیاری از فیلسوفان و نظریه‌پردازان غربی در جنگ شناختی مشارکت داشته‌اند و دستگاه‌های دروغ‌ساز شناختی را علیه ادیان و تمدن اسلامی به‌کار بسته‌اند؛ دشمنان حتی تلاش می‌کنند تا علت پدیده‌ها را کشف کرده و در قالب‌هایی سریع و مهندسی‌شده، ذهنیت انسان را تغییر دهند.» وی ادامه داد: «یکی از ابعاد مهم جنگ شناختی، تأثیرگذاری بر نظم جهانی است؛ اکنون جهان در حال تغییر نظامی است که پس از جنگ جهانی و جنگ سرد شکل گرفت؛ دشمن تلاش می‌کند تا از طریق عملیات شناختی، حضور تمدنی اسلام را در نظم آینده جهان کم‌رنگ سازد و با ادبیات جنگ سرد، جهان را دوباره به قطب‌بندی مادی بازگرداند.»

♦ مهم‌ترین اولویت علمی حوزه و دانشگاه ؟

میرباقری در ادامه گفت: «انقلاب اسلامی ایران توانسته نظم نامتوازن جهان را که پس از جنگ‌های مذهبی اروپا شکل گرفته بود، به‌هم بزند و اکنون غرب به‌دنبال آن است تا در نسل جدید جهانی، دوباره نظم جهان را بر پایه مکاتب مادی بازسازی کند؛ غافل از اینکه اسلام با گفتمان مقاومت، اکنون به یک بازیگر تمدنی جهانی تبدیل شده است.» وی افزود: «یکی از راهبردهای دشمن در این جنگ شناختی، کوچک‌نمایی نقش جمهوری اسلامی ایران و ناچیز جلوه‌دادن تأثیرگذاری گفتمان مقاومت است؛ آنها

♦ صداقت و صلابت مردم عامل نصرت الهی

معاون سیاسی سپاه گفت: «در روستاهای بیجار ضد انقلاب وجود داشت اما مردم این دیار با صداقت و صلابت در برابر دشمنان



تلاش می‌کنند تا نسل‌های جدید را از مشارکت فعال در طراحی نظم آینده جهان بازدارند.»

میرباقری، تأکید کرد: «ما با یک جنگ شناختی تمام‌عیار روبه‌رو هستیم که باید با هوشمندی، دانش، سازماندهی نه‌خبران و تولید منظومه معرفتی مستقل به مقابله با آن برخیزیم؛ تمدن نوین اسلامی بدون ورود فعال به عرصه علوم شناختی و رسانه‌ای نمی‌تواند در برابر چنین حمله‌ای ایستادگی کند.» وی با اشاره به اینکه مهم‌ترین اولویت علمی حوزه و دانشگاه برای مقابله با این پروژه چیست، گفت: «مهم‌ترین اقدام، شناخت درست ماهیت این جنگ و بازسازی نظام معرفتی بر پایه الهیات اسلامی است؛ حوزه و دانشگاه باید با تولید علم بومی و طراحی ساختارهای نوین تمدنی وارد میدان شوند.»

♦ گفتمان مقاومت رکن اساسی اندیشه امام خمینی(ره)

در ادامه این مراسم محمدجواد لاریجانی، رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی با تأکید بر جایگاه اساسی دکترین مقاومت در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، گفت: «شهادت شهید رئیسی، گواهی از مجاهدت و تحقق نظرات راهبردی حضرت امام راحل در حوزه سیاست بود؛ نظراتی که از عمق بالایی برخوردار بود و پایه‌های آن بر استقلال و مقاومت روشن استوار بود.» وی با تبیین دو رکن اساسی در اندیشه امام خمینی(ره) درباره سیاست‌ورزی بین‌المللی گفت: «رکن اول این است که هیچ کشوری در زیر سلطه دیگران به پیشرفت نمی‌رسد؛ شرط ضروری این پیشرفت، رهایی از سلطه مستکبرین است؛ امام این را مسلک معرفی کردند؛ اما عده‌ای برعکس تبلیغ می‌کنند و می‌گویند پذیرش سلطه زمینه توفیق است، حال‌آنکه نخستین گام برای خلاصی از عقب‌ماندگی، خود تبدیل شدن به یک قدرت مستقل است.» رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی افزود: «پس از انقلاب، این دکترین مقاومت در جهان اسلام تحرک ایجاد کرد؛ هر چند برخی دولت‌ها یا نمی‌خواستند یا نمی‌توانستند این منطق را درک کنند، اما یکی از مهم‌ترین اقدامات شهید رئیسی این بود که منطق مقاومت را به‌عنوان سیاست رسمی خارجی جمهوری اسلامی تثبیت کرد؛ این کار، با همکاری شهید امیر عبداللهمیان نیز پیگیری شد.»

♦ باید بدانیم در کجای تاریخ ایستاده‌ایم و دشمن کجاست؟

لاریجانی با تأکید بر ضرورت آمادگی برای جهاد تبیینی گفت: «جهاد از نگاه فقها، وقتی محقق می‌شود که دشمن تهاجم کرده باشد؛ مقابله با دشمن نیازمند اسلحه است؛ در جهاد تبیین نیز باید مسلح باشیم؛ دو سلاح اصلی برای این جهاد عبارت‌اند از: بصیرت و قول سدید؛ این مفاهیم قرآنی و برخاسته از مکتب اهل‌بیت(ع) امروز برای ما راهگشاست.» لاریجانی در پایان با اشاره به اینکه چطور می‌توان جهاد تبیین را از سطح بیانیه و سخنرانی به گفتمانی پایدار در سطح جامعه و دانشگاه ارتقا داد، گفت: «لازمه آن دو چیز است: یک، فهم عمیق و درست از وضعیت که همان بصیرت است؛ باید بدانیم در کجای تاریخ ایستاده‌ایم و دشمن کجاست؟ دوم، سلاح قول سدید است؛ یعنی سخن محکم، مستدل و اثرگذار؛ این ترکیب است که جهاد تبیین را از سطح شعار به سطح تحول می‌رساند.»



♦ جنگ شناختی ابزار کهنه با شیوه‌های نو

«حجت‌الاسلام سیدحسین هاشمی» رئیس دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی قم نیز در بخش دیگری از مراسم با اشاره به اهمیت بالای موضوع همایش علمی «جنگ شناختی و تمدن نوین اسلامی» اظهار کرد: «جنگ شناختی از قدیمی‌ترین و درعین‌حال مؤثرترین نبردهای تاریخ بشر است که امروز با ابزارهای جدید و پیچیده‌تری در حال پیگیری است.» وی با گرامیداشت یاد شهدای عالی‌مقام، تصریح کرد: «عرصه جنگ شناختی، عرصه تغییر باورها، نگرش‌ها و خواسته‌های ملت‌هاست؛ نبردی که در قلب و ذهن انسان‌ها شکل می‌گیرد و از زمان خلقت بشر تا امروز ادامه دارد.» رئیس دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی قم با اشاره به سابقه تاریخی این نوع نبرد، خاطرنشان کرد: «اولین جلوه جنگ شناختی در استدلال شیطان مقابل خداوند دیده شد، آنجا که آفرینش خود از آتش را دلیلی بر برتری دانست؛ این خطای شناختی تا قیامت در ذهن شیطان ماند و ابزار گمراهی بسیاری شد.» وی ادامه داد: «در دنیای امروز نیز دشمن با بهره‌گیری از تکنیک‌های مشابه، سعی دارد ذهن جوان را تسخیر کند؛ همان ذهنی که هنوز عقل فرماندهی کامل را در آن به‌دست نگرفته یا در معرض تحریف است؛ ذهن جوان به‌مثابه سرزمین خالی است که دشمن مترصد فتح آن است.» هاشمی تأکید کرد: «امروز دشمن با ابزارهای نرم و متنوع در حال جنگ است؛ ابزارهایی که در هیچ برهه‌ای از تاریخ تا این حد پیچیده، گسترده و خطرناک نبوده‌اند؛ از شبکه‌های رسانه‌ای گرفته تا فناوری‌های شناختی، همه برای ایجاد خطای محاسباتی و تغییر واقعیت به‌کار گرفته شده‌اند.»

♦ روش‌های دشمن در این جنگ شناختی خاموش

وی با اشاره به روش‌های دشمن در این جنگ خاموش، گفت: «دشمن حق را باطل و باطل را حق جلوه می‌دهد، منافع را به‌صورت مزار نشان می‌دهد و تلاش دارد در تمامی حوزه‌ها اعم از فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و امنیتی، ساختار فکری جامعه را دچار تحریف کند.»

رئیس دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی قم اظهار داشت: «جنگ شناختی امروز فقط در میدان‌های فرهنگی اتفاق نمی‌افتد، بلکه حتی در حوزه آموزش و تربیت نیز استادانی که منظم، دقیق و متعهد هستند، ممکن است تحت عملیات ذهنی قرار گیرند و حتی سلامت روانی آنان به چالش کشیده شود.» وی با بیان اینکه شیءسازی یکی از تاکتیک‌های کلیدی دشمن در این جنگ است، خاطرنشان کرد: «همان‌گونه که در جنگ صفین دشمن با بالا بردن قرآن بر سر نیزه‌ها توانست میدان را تغییر دهد، امروز نیز با داعش‌سازی، القاعده‌سازی و گمراه‌سازی، حقایق را وارونه می‌کند.» هاشمی افزود: «حضرت موسی(ع) نیز در برابر ساحران مصر، از شکست نمی‌ترسید بلکه بیم آن داشت که مردم مصری او را مانند سحر ساحران تلقی کنند؛ یعنی ترس از خطای شناختی در ذهن مردم، دغدغه پیامبران الهی نیز بوده است.»

وی ادامه داد: «امروز نیز اگر جهاد تبیین جدی گرفته نشود، جوان ما که مورد هدف این جنگ قرار گرفته، به ابزار دشمن برای ضربه‌زدن به کشور و انقلاب تبدیل می‌شود؛ بنابراین باید با اعتماد به رهبری و آگاهی از پیچیدگی‌های این جنگ، وارد میدان روشنگری شویم.»



اسلامی غلبه کنند، از این پس نیز نمی‌توانند خدشه‌ای به این نظام وارد کنند.»

سردار جوانی تأکید کرد: «دشمنان بدانند اگر غلط و اشتباهی کنند حوادثی رقم می‌خورد که نتیجه‌ای جز پشیمانی نخواهد داشت.» وی گفت: «وظیفه ما این است که آگاه‌تر و بصیرتر از گذشته باشیم و بدانیم دشمنان همواره در حال تفرقه‌افکنی هستند و باید بیش از پیش هوشیارتر باشیم.»

♦ رهبری امام راحل و اتحاد مردم پایه‌های انقلاب

در ادامه این مراسم «سردار جمشید رضایی» فرمانده سپاه بیت‌المقدس کردستان، انقلاب اسلامی ایران را نماد عزت و اتحاد مردم ایران دانست و اظهار داشت: «انقلاب اسلامی ایران با تدابیر هوشمندانه امام راحل و حمایت قاطع مردم نه‌تنها موجب اعتلای اسلام شده بلکه عزت و اقتدار را برای کشور به ارمغان آورد.» فرمانده سپاه بیت‌المقدس کردستان همچنین به نعمت ولایت و اتحاد مردم پشت سر رهبر معظم انقلاب اشاره کرد که همواره ایران را بر دشمنان غلبه داده است.

پاسدار

شماره ۱۱۸۹ | دوشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۴

صبح صادق

جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه
عنوان کرد

دورکن اساسی برای آینده کشور



به گزارش خبرنگار «صبح‌صادق»، مراسم تکریم از والدین و خانواده‌های سربازان نمایندگی ولی فقیه در ستاد فرماندهی سپاه با حضور «حجت‌الاسلام حسین طیبی‌فر» جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه، «سردار حسن نقی‌زاده» معاون نیروی انسانی نمایندگی ولی فقیه در سپاه و دیگر مسئولان و رده‌های سپاه و خانواده‌های سربازان برگزار شد. این مراسم که با هدف تکریم سربازان و والدین آنها و گرامیداشت ارزش‌های انقلاب اسلامی ترتیب یافته بود، صحنه‌ای از تجلی وحدت، ایثار و هویت ملی بود.

جانشین نماینده ولی فقیه با اشاره به وضعیت کشور پیش از انقلاب، اظهار داشت: «پیش از انقلاب، هویت ملی و دینی ما مورد تحقیر قرار گرفته بود. ۶۰ هزار مستشار آمریکایی در ایران حضور داشتند و حقوقی با عنوان «حق توحش» دریافت می‌کردند، زیرا ایرانیان را وحشی می‌دانستند. حتی در تهران، تابلویی در باشگاهی نصب شده بود که ورود سگ و ایرانی را ممنوع اعلام کرده بود.»

جانشین نماینده ولی فقیه در بخش دیگری از سخنان خود به مسئله بحران جمعیت در کشور پرداخت و اظهار داشت: «اگر با همین روند پیش برویم، تا سال ۸۰ شمسی، جمعیت کشور به ۳۰ میلیون نفر کاهش خواهد یافت که ۷۵ درصد آنها سالمند خواهند بود. این وضعیت، هویت ملی ما را به خطر می‌اندازد.»

وی تأکید کرد: «ازدواج و فرزندآوری دو رکن اساسی برای آینده کشور هستند. از والدین می‌خواهم که فرزندان خود را به ازدواج و فرزندآوری تشویق کنند و از این سرمایه‌گذاری برای آینده کشور غافل نشوند.»

سردار نقی‌زاده مطرح کرد

سه گانه خدمت سربازی



در بخش دیگر مراسم سردار «حسن نقی‌زاده» اظهار داشت: «مفهوم سرباز و سربازی در فرهنگ ما، آیین ما و دین ما یک مفهوم غرورآفرین است. دفاع از عزت ایران پر افتخار، ستودنی و ارزشمند است.»

سردار نقی‌زاده با اشاره به شعر معروف «چوایران نباشد تن من مباد»، این بیت را گوشه‌ای از افتخارات سربازان در طول تاریخ چهل ساله انقلاب اسلامی دانست و خاطرنشان کرد: «سربازان ما در دفاع مقدس حماسه‌ها آفریدند و امروز نیز در نقاط مرزی، از جنوب شرق تا شمال غرب، حضوری مستحکم دارند.» وی بر سه اصل اساسی در خدمت سربازی تأکید کرد: «تکریم و احترام به بزرگترها، استفاده از فرصت‌های مهارت‌آموزی و تقویت حس مسئولیت‌پذیری و قدرت تحمل در برابر ناملایمات زندگی، سه محور اساس خدمت سربازی است که به سربازان تا پایان خدمت آموزش داده می‌شوند.»

همقدم با «صبح» در زیر «چراغ‌های روشن شهر»



میثم رشیدی مهر آبادی روزنامه‌نگار

دوران دفاع مقدس را می‌شود به قبل و بعد از آزادسازی خرمشهر تقسیم کنیم. فارغ از اینکه برخی با تأکید بر این تقسیم‌بندی، در مقطعی تلاش کردند نیمه دوم، یعنی ادامه نبرد بعد از آزادسازی خرمشهر را زیر سؤال برده و ارزش‌های آن را زیر سؤال ببرند و دلایل کافی برای لزوم آن را نادیده بگیرند. اما این نیمه با توجه به تجاربی که کسب شده بود، موفقیت‌های چشمگیری را به‌همراه داشت.

یکی از تفاوت‌های مهم نیمه اول و دوم نبرد هشت ساله، نقش دختران و بانوان در آن بود. تا قبل از آزادسازی خرمشهر، حضور برخی دختران و زنان در صحنه نبرد دیده می‌شد. بانوانی که برای کمک به مجروحان و گاهی انتقال پیکر شهدا به مناطق درگیری آمده بودند و گاهی مجبور می‌شدند برای دفاع از خود و سرزمین‌شان دست به اسلحه هم بشوند. این تعداد اگر چه بالا نبود، اما در سال‌های بعد از جنگ بسیار به چشم آمدند.

بعد از آزادسازی خرمشهر که نبرد بین نیروهای ایرانی و مزدوران بعثی وارد دور جدیدی شد و عملیات‌های دو جبهه به‌نحوی حرفه‌ای‌تر پیگیری شد، حضور زنان با تشکیک‌هایی رویه‌رو شد و فرماندهان جنگ تصمیم گرفتند جبهه‌ها را از نیروهای زن، خالی کنند. ریشه‌های این تصمیم را در نکته مهمی چون بسیج سراسری و مملو شدن جبهه‌ها از مردان غیور نیز می‌شود پی جویی کرد. با این حال، زنان در پشت جبهه‌ها نقش و تأثیر خود را صدچندان کردند به‌نحوی‌که حیات خطوط مقدم نبرد و پدافند، بدون یاری آنان و ارسال کمک‌هایشان تقریباً غیرممکن بود. روایت هر دو جنبه حضور زنان و ایفای نقش‌شان در دوران دفاع مقدس اگر چه با کمبودهایی رویه‌رو بوده است، اما این کاستی در روایت نیمه نخست، بیشتر احساس می‌شود. شاید بشود گفت اگر فداکاری «سیداعظم حسینی» در نوشتن کتاب «دا» نبود، متن‌ها و کتاب‌های دیگر این حوزه هم فرصت بروز و ظهور پیدا نمی‌کردند. کتاب‌دا اگر چه گاهی مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد و برخی ایراداتی به آن وارد می‌کنند. اما آغازگری ایسن اثر در روند بی‌نظیر ادبیات پایداری را نباید دست کم گرفت. از دو کتاب دیگر که در این زمینه باید نام ببریم، کتاب «چراغ‌های روشن شهر» که خاطرات زهره فرهادی است و آن را فاتزه ساسانی‌خواه نوشته و کتاب «صبح» که فاطمه دوست‌کامی براساس خاطرات صبح وطن‌خواه آن را در مدت ۱۰ سال قلم زده است. البته کتاب چراغ‌های روشن شهر، حتی قبل از کتاب دا آماده انتشار بود. اما حساسیت‌های راوی و دقت‌نظرش برای انتقال درست مفاهیم به مخاطب سبب شد که چند سال بعد به چاپ سپرده شود. این کتاب‌ها البته فقط چند عنوان محدود از خیل کتاب‌هایی است که رشادت زنان در خرمشهر و پس از آن آبادان را نشان می‌دهد. اگر تلاش رسانه‌ای برای دیده و خوانده شدن این دو کتاب، منسجم و هم‌جهت شود بی‌شک فضا برای تجدید چسپ و خواندن بقیه آثار هم فراهم می‌شود. در این زمینه البته مخاطبان هم نقش مهمی دارند؛ اینکه این دو کتاب خوب را در صفحات شخصی و فضای مجازی به‌صورت سینه به سینه تبلیغ و ترویج کنند.

زهره فرهادی از شاهدان عینی روزهای پرتلتهاب حماسه آزادسازی خرمشهر در گفت و گو با صبح صادق

نقش زنان در مقاومت خرمشهر غیرقابل انکار است



حسن نوروزی روزنامه‌نگار

حماسه خرمشهر، یکی از درخشان‌ترین صفحات تاریخ دفاع مقدس ایران، روایتی است از ایستادگی، ایثار و اتحاد مردمی که در برابر هجوم دشمن بعثی، با دست‌های خالی اما دل‌هایی پر از ایمان، ۴۵ روز مقاومت کردند. سوم خرداد، سالروز آزادسازی خرمشهر، نه‌تنها یادآور پیروزی بزرگ رزمندگان ایرانی است، بلکه نمادی از اراده پولادین ملتی است که اجازه نداد حتی یک وجب از خاک میهن به‌دست دشمن بیفتد. در این میان، نقش نیروهای مردمی، کنار نیروهای نظامی، از ارتش و سپاه گرفته تا تکاوران نیروی دریایی و بسیجیان، در خلق این حماسه بی‌بدیل بود. «زهره فرهادی» راوی کتاب «چراغ‌های روشن شهر»، یکی از شاهدان عینی این روزهای پرتلتهاب است که با روایت‌هایش، گوشه‌ای از رشادت‌ها و فداکاری‌های مدافعان خرمشهر را زنده نگه داشته است. در این مصاحبه، او از سختی‌ها، زیبایی‌ها و خاطرات تلخ و شیرین آن روزها سخن می‌گوید. این گفت‌وگو نه‌تنها ادای دینی به شهدا و رزمندگان است، بلکه دعوتی است برای نسل امروز تا با الهام از این حماسه، برای سربلندی ایران متحد بمانند.

همان‌طور که خودتان مستحضرد سوم خرداد، سالگرد آزادسازی خرمشهر نماد حماسه‌ای بزرگ در تاریخ ایران است. لطفاً برای شروع، از حال و هوای خرمشهر در روزهای ابتدایی جنگ و مقاومت ۴۵ روزه برایمان بگویید.

پیش از هر چیز، لازم می‌دانم سوم خرداد، سالروز آزادسازی خرمشهر، شهر حماسه و ایثار، را تبریک عرض کنم. این حماسه بزرگ، معادلات بدخواهان ایران را برهم زد. دشمن به خیال باطل خود تصور می‌کرد که با توجه به زمان اندک گذشته از انقلاب و عدم انسجام کامل قوای نظامی، می‌تواند به اهداف شوم خود دست یابد. پیش از آغاز جنگ، تحرکاتی از سوی عوامل داخلی، به تحریک دولت بعث عراق، شهر را تا حدی متشنج کرده بود. این امر سبب شد تا نیروها از همان زمان آمادگی نسبی برای وقوع چنین اتفاقی داشته باشند. دشمن با این تصور که می‌تواند به‌سرعت به اهداف خود برسد، از شناخت حقیقی مردم ایران غافل بود.

در همان اوایل هجوم، دشمن با مقاومت جانانه و شجاعانه مردم، ارتش، سپاه، بسیج، تکاوران و نیروی دریایی مواجه شد. دشمنی که ادعا داشت خرمشهر را در سه روز تصرف خواهد کرد، ۴۵ روز در برابر این رشادت‌ها زمین‌گیر شد و نتوانست به اهداف اولیه خود در آغاز جنگ دست یابد. مدافعان شهر، شامل ارتش، سپاه، بسیج، تکاوران و نیروی دریایی، که همگی به‌نام مدافعان شهر شناخته شدند، در برابر دشمنی که از حمایت کشورهای استکباری برخوردار و کاملاً مجهز بود، ایستادگی کردند.

نیروهای مردمی، به جرئت می‌توان گفت با دست خالی (نه به‌معنای واقعی کلمه که سلاحی نداشتند، بلکه در مقایسه با دشمن کاملاً مجهز، می‌توان گفت دست خالی بودند) ۴۵ روز مقاومت کردند و جلوی پیش‌روی دشمن را گرفتند. اینجانب هیچ‌گاه معتقد نیستم که شهر سقوط

کرد؛ زیرا خرمشهر به دو بخش تقسیم شده است؛ اگرچه بخشی از خر مشهر از دست رفت، اما بخش



چند روز بعد آزادسازی، روی پله‌های پل خرمشهر دیگر همچنان در دست نیروهای مردمی، ارتش، سپاه و تکاوران بود و آنان اجازه ندادند شهر به‌طور کامل سقوط کند. در آن روزها، مردم شهر، اعم از زن و مرد، پیر و جوان، هر کاری که از دست‌شان برمی‌آمد انجام می‌دادند. حتی اگر برخی قادر به انجام کاری نبودند، حضور و وجودشان موجب دلگرمی و تقویت روحیه مدافعان شهر بود. زنان نیز به اشکال گوناگون نقش‌آفرینی کردند؛ برخی به‌عنوان امدادگر فعالیت داشتند، برخی از انبارهای مهمات محدود نگهداری می‌کردند، «کوکتل مولوتوف» تهیه می‌کردند و صندوق‌های آن را به نقاط درگیری ارسال می‌کردند، سنگر می‌ساختند، و حتی غسل، کفن و دفن شهدا بر عهده زنانی بود که در شهر مانده بودند. همچنین کارهایی مانند آشپزی در شهر انجام می‌دادند.

شما به نقش مردم در این مقاومت اشاره کردید. می‌توانید بیشتر درباره حضور اقشار گوناگون، به‌ویژه زنان، در این حماسه توضیح دهید؟

بله، مردم خرمشهر، از زن و مرد، پسر و جوان، همه در دفاع از شهر نقش داشتند. حتی کسانی که نمی‌توانستند مستقیماً در درگیری‌ها شرکت کنند، با حضورشان به مدافعان روحیه می‌دادند. زنان نقش بسیار پررنگی داشتند؛ برخی به‌عنوان امدادگر فعالیت می‌کردند، برخی از انبارهای مهمات نگهداری می‌دادند، کوکتل مولوتوف درست می‌کردند، سنگر می‌ساختند، یا حتی کارهایی مانند آشپزی برای رزمندگان و غسل و کفن شهدا را انجام می‌دادند. این اتحاد و از خودگذشتگی بود که شهر را زنده نگه داشت. بخشی از شهر به‌دست دشمن افتاده بود، اما بخش دیگر همچنان در اختیار نیروهای مردمی، ارتش، سپاه و تکاوران بود. این مقاومت، نماد عزت و سربلندی ایران بود.

روزهای اولیه مقاومت چقدر سخت بود؟ چه چالش‌هایی پیش روی شما و دیگر مدافعان بود؟

سختی‌ها زیاد بود. از یک طرف، هر ساعت خبر شهادت یکی از مدافعان به ما می‌رسید که روحیه‌مان را تحت تأثیر قرار می‌داد. از طرف دیگر، خیانت‌های بنی‌صدر سبب شده بود مهمات و نیروی انسانی به‌موقع به شهر نرسد. آوارگی مردم و نزدیک شدن دشمن به شهر هم فشار روانی زیادی ایجاد می‌کرد. اما در کنار این سختی‌ها، زیبایی‌هایی هم بود. وقتی اتحاد نیروها، ایثار و رشادت آن‌ها را می‌دیدیم، انگیزه‌مان چند برابر می‌شد. اینکه می‌دیدیم با دست خالی در برابر دشمنی سرتا‌پا مسلح ایستادگی می‌کنند، به ما قوت قلب می‌داد.

نقش زنان در این مقاومت چطور پررنگ‌تر شد؟ آیا خاطره‌ای از زنان فعال در آن روزها دارید؟

نقش زنان در مقاومت خرمشهر غیرقابل انکار است. در آن ایام، فعالیت‌های زنان منسجم‌تر شده بود و در بیمارستان‌ها و دیگر مکان‌ها، پشتیبانی‌های بسیار گسترده‌تری، حتی خارج از مناطق جنگی، انجام می‌شد. اتحاد میان مردم یکی دیگر از عوامل کلیدی بود که سبب شد در آن عملیات‌ها و حماسه‌ها سربلند بیرون آییم.

خاطره‌ای به یاد آمد از دو تن از شهدای خانم خرمشهر که آن ایام حضور داشتند. مهرماه سال ۵۹ بود. ساختمانی نزدیک مسجد جامع بود، که بعد از



انقلاب به‌عنوان ساختمان مکتب قرآن انتخاب شده بود و در آن کلاس‌های اصول عقاید و فعالیت‌های دیگر انجام می‌شد. این مکان به مدیریت «خانم عابدی» همسر یکی از شهدای ۴۵ روز، «شهید مهدی آلبوغیش» بود. شهید آلبوغیش در شورای شهر خرمشهر بود و بسیار فرد متواضع و فعالی بود و خدماتی را برای خرمشهر تا قبل از شهادتش انجام داد که واقعاً خالی از لطف نیست که اسمش برده شود. آنجا خانم‌ها هر کاری که از دستشان برمی‌آمد انجام می‌دادند. چون زمین خاکی کنار مکتب قرآن بود، از خاک‌های آنجا در گونی می‌ریختند و سنگر درست می‌کردند و به خطوط درگیری اطراف شهر می‌فرستادند. درست کردن کوکتل مولوتوف‌ها آنجا انجام می‌شد و حتی نان درست می‌کردند برای رزمندگان و یک‌سری کارهای دیگر. یادم می‌آید یکی از روزهای اوایل مهر ماه سال ۵۹ بود که گلوله‌ای نزدیک مکتب قرآن خورد و گونی‌های آردی را که خواهران مکتب قرآن چیده بودند، همه در هوا پخش شد. روز دیگری بازم هم کنار مکتب خمپاره‌ای می‌خورد و دو نفر از خانم‌های مکتب قرآن به نام‌های شهناز حاجی‌شاه و شهناز محمدی که آنجا حضور داشتند و خیلی فعالیت می‌کردند با هم می‌دوند بیرون به‌سمت آن محل، جایی که خمپاره خورده بود و به اصطلاح چند مجروح آنجا داده بودیم. می‌روند که کمک کنند، خمپاره بعدی می‌آید و هر دویشان به شهادت می‌رسند.

از شهدای دیگر، مانند شهید جهان‌آرا، فرمانده سپاه خرمشهر، چه خاطراتی دارید؟

با عرض پوزش بنده خاطره‌ای خاص از «شهید جهان‌آرا» فرمانده سپاه خرمشهر، در ذهن ندارم، لیکن حضور ایشان در شهر و تلاش بی‌وقفه‌شان برای تأمین سلاح، نیروی انسانی و تجهیزات برای شهر را مشاهده می‌کردیم. متأسفانه به‌دلیل برخی اهمال و خیانت‌های بنی‌صدر، تلاش‌های ایشان آن‌گونه که شایسته بود به ثمر ن نشست. شنیده بودم که ایشان به‌عنوان فرمانده سپاه، همراه با دیگر نیروهای سپاه به خطوط مقدم جبهه می‌رفتند و با شجاعت می‌جنگیدند. این خود برای بنده به‌مثابه خاطره‌ای از ایشان است. متأسفانه خاطره‌ای خاص و منحصربه‌ایشان در اختیار ندارم.

در روز هفدهم مهرماه سال ۱۳۵۹، در مطبی واقع در مقابل مسجد جامع خرمشهر مشغول فعالیت‌های امدادگری بودیم. ناگهان با شنیدن فریاد «خدا یا خدا یا» به خود آمدم و به‌سوی درب مطب شتافتم. در آنجا با صحنه‌ای مواجه شدیم که هرگز از ذهنم محو نخواهد شد.

مقابل درب مسجد جامع خرمشهر، که دقیقاً رویه‌روی مطب ما قرار داشت، گلوله‌ای توپ به زمین اصابت کرده بود. دو تکاور که در جیبی سوار بودند، به محض اصابت خمپاره به زمین، از خودرو بیرون پریدند تا از محل دور شوند.

اما خمپاره دیگری در نزدیکی آنها منفجر شد و سر یکی از تکاوران را جدا کرد. هم‌رم او فریاد می‌زد «خدا یا خدا یا» و بسا گریه می‌گفت: «من به خانواده‌ات چه جوابی بدهم؟» آن تکاور بی‌سر برای چند لحظه بر پای خود ایستاده بود و سپس در آغوش هم‌رمز خود جان سپرد.

هدف از بیان این خاطره، آن است که تأکید کنم برای عزت و سربلندی ایران، سرهای بسیاری فدا شد و شهدای فراوانی تقدیم کردیم تا عزت ایران حفظ شود.

از دیگر شهدا یا جانبازانی که در خرمشهر حضور داشتند، چه کسانی در ذهن‌تان مانده‌اند؟

درباره اتفاقاتی که در مهرماه ۱۳۵۹ در خرمشهر اتفاق افتاد خاطره‌ای دارم. در آن زمان، تعدادی از بانوان فعال در مکتب قرآن در خیابان چهل‌متری خرمشهر حضور داشتند. تا روز ۲۴ مهر، که روز سقوط مکتب قرآن بود، این بانوان در ساختمان مکتب گرفتار شده بودند و امکان خروج نداشتند. اگر تکاوران در شهر حضور نداشتند، احتمال اسارت آنها توسط نیروهای دشمن بسیار بالا بود. تکاوران با ایجاد خط آتش، مانع دسترسی نیروهای بعثی به ساختمان شدند و این بانوان را نجات دادند. یکی از این بانوانی که به‌صورت مستقل فعالیت می‌کرد خانم «مژده انباشی» بود. او گاهی همراه ما به خط مقدم می‌آمد تا غذا یا کمک‌های امدادی برساند. در روز ۲۴ مهر، او به‌همراه دو یا سه نفر از نیروهای سپاه، از جمله آقای رضا آلبوغیش (معروف به رضا سیزده‌تیری که ۱۳ گلوله خورده بود)، در حال انتقال مجروحان از خط مقدم بودند. در خیابان چهل‌متری، خودروی آنها توسط دشمن محاصره شد و زیر رگبار قرار گرفت. خانم مژده برای مقابله پیاده شد، اما دشمن هر دو مح دستش را هدف گرفت و به‌شدت مجروح کرد. پس از محاصره مجدد، در اثر اصابت تیر یا ترکش به سرش، بیهوش شد. یکی از مجروحان، که همان رضا سیزده‌تیری بود، در نزدیکی او افتاد و همین سبب شد دشمن فکر کند او زنده نیست و تیر خلاص به او نزند. خانم مژده اکنون جانباز است و تقریباً از کار افتاده شده است.

همچنین می‌خواهم از شهید «شیخ شریف قنوتی» یاد کنم که برای من جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان طلبه‌ای بودند که از روز اول درگیری‌ها در مسجد جامع و خطوط مقدم حضور داشتند. همیشه با لباس خاکی و عمامه سفید، که از شدت خاک‌آلودگی دیگر سفید نبود، در نقاط درگیری دیده می‌شدند. گاهی پس از چند روز نبرد، برای تجدید قوا بازمی‌گشتند و دوباره با نیروهای تازه‌نفس به خط مقدم می‌رفتند. فعالیت‌های این طلبه برای ما بسیار الهام‌بخش بود. متأسفانه، ایشان در خیابان چهل‌متری توسط نیروهای بعثی محاصره شدند. دشمن به شکلی فجیع به او هتک حرمت کرد، با خنجر به پیشانی‌اش ضربه زد و با فریاد «ما یک خمینی را کشتیم» دور پیکرش رقصیدند. این روایت را یکی از مجروحان بازمانده نقل کرده است.

این روایت‌ها حقیقتاً نشان‌دهنده عمق فداکاری مدافعان خرمشهر است. به‌نظر شما، چرا حماسه ۴۵ روزه مقاومت این قدر مهم است؟

رشادت‌ها و شهامت‌هایی که مدافعان شهر در آن ایام به نمایش گذاشتند، به جرت می‌توان گفت اگر حماسه ۴۵ روز مقاومت خرمشهر نبود، هر چه گفته شود، هر روایتی که بیان شود و هر کتابی که نوشته شود، باز هم زبان از بیان عظمت آن قاصر است. حماسه ۴۵ روز مقاومت بسیار فراتر از آن چیزی است که تاکنون بیان شده است. اگر آن عهد و پیمانی که مدافعان شهر با هم‌زمان شهیدشان و خود شهر بستند که باز خواهند گشت و شهر را از چنگال دشمن آزاد خواهند کرد، وجود نداشت، شاهد حماسه بزرگ سوم خرداد نمی‌بودیم. همچنین حماسه عملیات‌های دیگر مانند فتح‌المبین، طریق‌القدس و سایر عملیات‌های موفقیت‌آمیز را نمی‌توانستیم تجربه کنیم. این مقاومت، زمینه‌ساز پیروزی‌های بعدی در هشت سال دفاع مقدس شد.

در پایان چه پیامی برای نسل امروز و مسئولان دارید؟

من خاضعانه و ملتسمانه از مردم و مسئولان می‌خواهم که برای عزت و سربلندی ایران متحد باشند. دشمن همیشه از تفرقه سوءاستفاده می‌کند. جوانان با مطالعه روایت‌های دفاع مقدس، راه و منش شهدا را الگوی خود قرار دهند. این شهدا برای حفظ عزت ایران جان دادند و ما وظیفه داریم یادشان را زنده نگه داریم و برای سربلندی کشور تلاش کنیم.

سردار زین‌العابدین احمدی مسئول دیده‌بانی تیپ ۱۴ امام حسین(ع) در دوران دفاع مقدس

خرمشهر آزاد شد اما دشمن پشیمان نشد

محمد تقی بهار لو

خبرنگار

آزادسازی خرمشهر در سوم خرداد سال ۱۳۶۱، یکی از درخشان‌ترین صفحات تاریخ دفاع مقدس و نمادی از مقاومت، ایثار و تدبیر ملت ایران است. عملیات بیت‌المقدس که به بازپس‌گیری این شهر استراتژیک از اشغال دشمن یعنی منجر شد، نه‌تنها یک پیروزی نظامی، بلکه نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران بود که روحیه ملی را تقویت کرد و دشمن را به زانو درآورد. در این مصاحبه با «حجت‌الاسلام و المسلمین زین‌العابدین احمدی» از رزمندگان دوران دفاع مقدس و مسئول دیده‌بانی تیپ ۱۴ امام حسین(ع)، به بررسی ابعاد گوناگون این پیروزی بزرگ می‌پردازیم.

عملیات آزادسازی خرمشهر چرا تا این حد اهمیت داشت و چه ویژگی‌هایی موجب شد که آزادسازی خرمشهر از دیگر عملیات‌ها متمایز شود؟

ببینید، خرمشهر از نظر استراتژیک و ملی جایگاه ویژه‌ای داشت. هر چند عملیات‌های دیگری مانند «فتح‌المبین» یا «شکست حصر آبادان» هم بسیار مهم بودند و مناطق وسیعی مانند بستان و دشت آزادگان را آزاد کردند، اما خرمشهر یک نماد بود. دشمن از اشغال خرمشهر به‌منزله یک ابزار تبلیغاتی استفاده می‌کرد و برای ملت ایران هم تحمل این موضوع که بخشی از خاک کشورمان در دست دشمن باشد، بسیار سخت بود. مانند خنجرى بود که در قلب ملت فرو رفته بود.

نکته جالبی که اشاره کردید، بحث نمادین بودن خرمشهر است. حالا اگر بخواهیم به جنبه‌های نظامی این عملیات بپردازیم، چه تدابیری در این عملیات به‌کار گرفته شد که آن را به یک موفقیت بزرگ تبدیل کرد؟ به‌ویژه با توجه به اینکه فرماندهان ما در آن زمان بسیار جوان بودند.

دقیقاً، یکی از نکات برجسته عملیات بیت‌المقدس، نقش فرماندهان جوان بود. ما در آن زمان چه در ارتش و چه در سپاه، فرماندهانی داشتیم که نشان خیلی پایین بود. برای نمونه در ارتش، استانداردهای آن زمان برای فرماندهی یک گردان یا لشکر، سنی بالاتر از این جوان‌ها را طلب می‌کرد. اما این فرماندهان جوان، چه در ارتش و چه در سپاه، با تدبیر و خلاقیت عمل کر دند. آنها به‌جای حمله به نقاط قوت دشمن، نقاط آسیب‌پذیرش را هدف قرار دادند. برای نمونه در مرحله اول عملیات، به‌جای حمله مستقیم به خرمشهر یا مناطق نزدیک اهواز، دشمن را از وسط جبهه، یعنی نزدیک «دارخوین» و «معارف»، به دو نیم تقسیم کردند. این کار دشمن را غافلگیر کرد و تدابیرش را خنثی کرد.

در مرحله دوم هم، ما به‌سمت مرز پیش رفتهیم و دشمن که فکر می‌کرد ما قصد حمله به بصره را داریم، نیروهایش را از شمال جبهه جمع کرد و عملاً عقب‌نشینی کرد. این تدابیر نشان‌دهنده پختگی و هوشمندی بود که شاید از جوان‌های ۲۰-۲۲ ساله انتظار نمی‌رفت، اما آنها با شجاعت و خلاقیت این کار را انجام دادند.

آیا خاطره خاصی از این عملیات دارید که نشان‌دهنده این پختگی و خلاقیت جوانان باشد؟

بله، یک خاطره خیلی خاص از مرحله سوم عملیات دارم. من

در آن زمان به‌دلیل جراحتی که در عملیات‌های قبلی برداشتم، در بیمارستان بستری بودم و توانستم مستقیم در عملیات شرکت کنم، ولی با اجازه بیمارستان برای مراسم یکی از شهدا به اصفهان رفتم. اما چیزی که از هم‌رزمانم شنیدم و بعدها اسرا هم تأیید کردند، خیلی جالب بود. در مرحله سوم عملیات، دشمن در خرمشهر یک خط دفاعی به شکل (U) یا نعل اسبی داشت. ضلع شرقی به‌رود کارون متصل بود و شمال و جنوب را هم محافظت می‌کردند. اسارزمندگان ما یک تدبیر هوشمندانه به‌کار بردند. آن‌ها با هماهنگی دیده‌بان‌های مستقر در غرب جبهه، آتش توپخانه را از شرق کارون هدایت کردند. این کار سبب شد دشمن فکر کند که از پشت سر مورد حمله قرار گرفته و ارتش عراق خودش نیروهای خودش را هدف قرار داده است. این غافلگیری موجب شد حدود ۱۲ هزار نفر از نیروهای دشمن تسلیم شوند، چون فکر می‌کردند ارتش خودشان دارد آن‌ها را نابود می‌کند. این تدبیر که از ذهن جوان‌های ۲۱-۲۲ ساله بیرون آمد، نشان‌دهنده خلاقیت و شجاعت آن‌ها بود.

حالا برسیم به جمله معروف امام خمینی(ره) که فرمودند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد.» این جمله چه پیامی برای رزمندگان و مردم داشت؟

این جمله امام خیلی عمیق بود. من یک تشبیه ساده می‌آورم که شاید کمک کند. در بازی‌های فوتبال، وقتی تیمی گل می‌زند، گاهی چنان سرمست پیروزی می‌شود که حواسش پرت می‌شود و بدترین گل رو می‌خورد. امام با این جمله، هم واقعیت را گفتند که این پیروزی با توکل به خدا به‌دست آمد، هم جلوی غرور و سرمستی رزمندگان و مردم رو گرفتند. این موجب شد که ما بعد از این پیروزی بزرگ، مغرور نشویم و دستاوردهای عملیات بیت‌المقدس رو حفظ کنیم.

شبهه‌ای که در این سال‌ها مطرح می‌شود، این است که چرا بعد از آزادسازی خرمشهر، جنگ ادامه پیدا کرد؟ چرا متوقف نشد؟

این سؤال واقعاً جای تأمل دارد. ببینید، وقتی کسی به شما حمله می‌کند و شما از خودتان دفاع می‌کنید، عجیب این است که از شما بپرسند چرا دفاع کردی؟ این حرف به‌نظرم توهین به عقل و خرد انسان است. دشمن جنگ رو شروع کرد، بخشی از خاک ما رو اشغال کرد و هیچ نشانه‌ای از پشیمانی یا توقف تجاوزگریش نشان نداد. ما در آن مقطع هیچ تضمینی نداشتیم که اگر جنگ رو متوقف کنیم، دشمن دوباره حمله نمی‌کند. تازه ضعف‌های اولیه ما در جنگ هنوز کاملاً بر طرف نشده بود. دشمن هنوز روحیه تجاوزگری داشت و اهدافش، مانند جدا کردن خوزستان یا سرنگونی نظام، سر جایش بود. پشت دشمن هم فقط حزب بعث نبود، مجموعه‌ای از قدرت‌های جهانی بودند که از آن‌ها حمایت می‌کردند. پس ادامه دفاع کاملاً منطقی و ضروری بود.

حالا با توجه به موقعیت امروز، مفهوم «خرمشهر‌های امروز» که گاهی مطرح می‌شود، به‌نظر شما به چه معناست؟

خرمشهر‌های امروز، ذهن و فکر جوانان ماست. ما الان درگیر یک جنگ فرهنگی و نرم هستیم. هر جوان، هر بزرگسال، هر فردی که ذهنش در معرض تهدید فرهنگ بیگانه قرار دارد، یک خرمشهر بالقوه است. اگه این ذهن‌ها تسخیر بشوند، آزاد کردن‌شان به مراتب سخت‌تر از آزادسازی خرمشهر زمینی است. این وظیفه ماست که از این خرمشهر‌های ذهنی محافظت کنیم و نگذاریم دشمن آنها را اشغال کند.



امین پناهی

خبرنگار

در ایسن مصاحبه، با «مؤید رضوانی» یکی از رزمندگان و فعالان حوزه اطلاعات عملیات دفاع مقدس گفت‌وگو کرده‌ایم که از ۱۹ سالگی در ستاد عملیات جنوب و سپس در قرارگاه‌های گوناگون، نقش مهمی در پشتیبانی اطلاعاتی عملیات‌های بزرگ، به‌ویژه عملیات بیت‌المقدس، داشته است. رضوانی که به‌دلیل تسلط بر زبان عربی، مسئولیت بازجویی اسرا و ترجمه اسناد جنگی دشمن را برعهده داشته است، از تجربه‌های خود در کنار شهدایی چون «حسن باقری»، «مهدی زین‌الدین» و «احمد کاظمی» سخن می‌گوید. در این گفت‌وگو، به جزئیات عملیات بیت‌المقدس، چالش‌های آن و درس‌هایی که نسل امروز می‌تواند از آن دوران بیاموزد، پرداخته‌ایم.

آقای رضوانی، شما در مرکز بازجویی اسرا فعالیت داشتید. نقش شما در این مرکز چه بود؟

ما در مرکز بازجویی اسرا، به‌ویژه به‌دلیل تسلط بر زبان عربی، دو وظیفه اصلی داشتیم؛ یکی بازجویی و تخلیه اطلاعاتی اسرا و دیگری تحلیل و ترجمه اسناد غنیمتی. من بیشتر روی اسناد تمرکز داشتم. اگر اسنادی از دشمن به‌دست می‌آمد، فوراً آنها را بررسی می‌کردیم و اطلاعات فوری و حیاتی را استخراج کرده و در اختیار فرماندهان قرار می‌دادیم. این اطلاعات برای تصمیم‌گیری‌های عملیاتی بسیار مهم بود. برای نمونه در عملیات‌های گوناگون، اطلاعاتی که از اسرا یا اسناد به‌دست می‌آمد، به ما کمک می‌کرد تا تحرکات دشمن را پیش‌بینی کنیم.

عملیات بیت‌المقدس یکی از نقاط عطف دفاع مقدس است. چه ویژگی‌هایی این عملیات را متمایز کرد؟

عملیات بیت‌المقدس یک عملیات ویژه بود، چون سرعت و هماهنگی نیروهای ما بعد از عملیات‌های قبلی مانند فتح‌المبین به اوج رسیده بود. این عملیات نتیجه همکاری نزدیک بین سپاه و ارتش بود، به‌ویژه پس از فرار بنی‌صدر که سبب شد ارتش و سپاه به‌هم نزدیک‌تر شوند. در جلسات فرماندهان ارشد، که البته من حضور نداشتم اما بعدها از جزئیاتش مطلع شدم، طرح آزادسازی مناطق اشغالی ازسوی ارتش عراق بر نامه‌ریزی شده بود. عملیات بیت‌المقدس بسا اعتمادبه‌نفس بالایی اجرا شد. هدف اولیه، آزادسازی مناطق از جاده اهواز- خرمشهر تا مرز و حتی ورود به عمق خاک عراق بود تا بتوانیم خرمشهر را محاصره کنیم. اما خداوند لطف کرد و به رهبری افرادی مانند شهید احمد کاظمی، خرمشهر آزاد شد.

نقش شهدایی مانند حسن باقری و مهدی زین‌الدین در این عملیات چه بود؟

حسن باقری یک نابغه نظامی بود. او با شناخت عمیقی که از دشمن و طرز فکر فرماندهان عراقی داشت، همیشه یک قدم جلوتر بود. در عملیات بیت‌المقدس، او مسئول قرارگاه نصر بود و مهدی زین‌الدین هم مسئول اطلاعات این قرارگاه. من زیر نظر زین‌الدین در بخش بازجویی اسرا فعالیت می‌کردم. باقری تأکید داشت که اطلاعات باید سریع و مستقیم به فرماندهان برسد. به همین دلیل، گاهی من را هم به جلسات دعوت می‌کرد تا اطلاعات به‌روز را ارائه کنم. او می‌گفت فاصله بین دریافت اطلاعات و تصمیم‌گیری باید کوتاه باشد. این سرعت عمل و اعتمادبه‌نفس او، عملیات را پیش می‌برد.

مؤید رضوانی از فعالان حوزه اطلاعات و عملیات در دوران دفاع مقدس

باید دشمن از مرزها دور می‌شد!

یکی از نکات جالب عملیات بیت‌المقدس، تصمیم برای آزادسازی خرمشهر به‌جای محاصره آن بود. این تصمیم چگونه گرفته شد؟

در ابتدا قرار نبود خرمشهر آزاد شود؛ هدف محاصره آن بود. اما وقتی نیروها به مرز رسیدند و دشمن را در تنگنا قرار دادند، جرعه آزادسازی به ذهن فرماندهان، به‌ویژه شهید احمد کاظمی، زده شد. دشمن تصور می‌کرد ما از شمال خرمشهر یا با عملیات هوایی حمله می‌کنیم و به همین دلیل استحکامات زیادی در آن منطقه ایجاد کرده بود. حتی موانعی برای چتربازان درست کرده بودند، مانند قطع سر نخل‌ها و نصب موانع معلق. اما ما از سمت شلمچه و مرز حمله کردیم و دشمن را غافلگیر کردیم. حدود ۱۱ هزار نیروی دشمن در خرمشهر محاصره شدند و راه فرارشان بسته شد. برخی سعی کردند از رودخانه اروند یا کارون فرار کنند، اما موفق نشدند.

چرا بعد از آزادسازی خرمشهر، جنگ ادامه پیدا کرد؟

این سؤال مهمی است. از نظر نظامی، وقتی جنگی در جریان است، شما نمی‌توانید فقط به آزادسازی خاک خود اکتفا کنید. باید دشمن را از مرزها دور کنید تا امنیت شهرها و مناطق مرزی تأمین شود. این یک قانون نظامی متعارف است. آتش مستقیم و منحنی دشمن باید از شهرهای ما دور می‌شد. از نظر سیاسی هم، اسنادی که ما از عراقی‌ها به‌دست آوردیم نشان می‌داد که صدام معتقد بود اگر خرمشهر سقوط کند، کلید اشغال به ایران داده می‌شود. خرمشهر و بصره برای دو کشور استراتژیک بودند. ما اگر به اطراف بصره می‌رسیدیم، امنیت خرمشهر، آبادان و آبر‌های تجاری مانند اروند و خلیج فارس تأمین می‌شد. این دلایل سیاسی و نظامی، ادامه جنگ را توجیه می‌کرد.

نسل امروز چگونه می‌تواند از رزمندگان آن دوره الگو بگیرد؟ ویژگی‌های بارز آنها چه بود؟

رزمندگان دفاع مقدس، به‌ویژه افرادی مانند حسن باقری که در ۲۷ سالگی فرمانده قرارگاه بود، ویژگی‌های منحصربه‌فردی داشتند. اخلاص، توکل به خدا و اعتمادبه‌نفس از مهم‌ترین ویژگی‌هایشان بود. حسن باقری می‌گفت: «باورهای ما، توکل ما به خدا و قرآن سبب شد تا کتیک‌های نظامی خودمان را خلق کنیم.» این تاکتیک‌ها از کتاب‌های کلاسیک نظامی نیامده بود، بلکه از ایمان و خودباوری آنها نشأت می‌گرفت. آنها با روحیه شهادت‌طلبی و فداکاری وارد جنگ می‌شدند. جوان امروز می‌تواند از این اخلاص و جرئت الگو بگیرد. آنها نشان دادند که با توکل و تلاش، می‌توان کارهای بزرگی انجام داد.

یک خاطره به‌یادماندنی از آن دوران برایمان تعریف کنید.

یک خاطره جالب از حسن باقری دارم. در یکی از جلسات عملیات بیت‌المقدس، ساعت ۲ ظهر بود که زمان پخش اخبار رادیو بود. باقری جلسه را تعطیل کرد تا همه به صحبت‌های امام گوش کنیم. بعد از اخبار، دوباره جلسه را ادامه دادیم، اما وقتی صحبت‌های امام پخش شد، باز هم جلسه را متوقف کرد. این نشان‌دهنده ارتباط عمیق او با امام و انقلاب بود. در همان عملیات، وقتی یکی از کشتی‌های حامل تجهیزات ما در دریا متوقف شد، باقری به‌جای ناامیدی، با سخنرانی پرشور خود روحیه بچه‌ها را بالا برد. گفت: «دشمن نمی‌خواهد ما سلاح داشته باشیم، اما ما با جان و تن‌مان از انقلاب دفاع می‌کنیم.» این روحیه، درس بزرگی برای نسل امروز است.



صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سردبیر:علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:

سایمک‌باقری،سعدالله‌زارعی، عزیز غضنفری،فرهاد‌مهروی، مه‌دی‌سعیدی، فتح‌الله‌پرشان،علی‌قاسمی، حسین‌عبداللهی‌فر دبیرتحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی مدیرفنی: محمدصالح‌نادرى صفحه‌آرا:علی اکبر‌هدایتی عکاس: حامد‌گودرزى ناظرچاپ:سعید‌قاسمى

چاپ:مرکز چاپ‌سپاه:۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن:۰۱۱۰و۰۱۰۰۷۷۴۶۰(۰۲۱)

basirat.ir

@ssweekly

نمابر:۷۷۴۸۸۴۶۰۳۳

سامانه پیامک:۰۳۳۰۰۹۹۰

شماره ۱۱۸۹ | دوشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۴

کتابیه

تنهایی و غریبانه

به مناسبت شهادت امام جواد(ع)

دوستان بر من و رنج و محنم گریه کنید بهر مظلومی و تنها شدنم گریه کنید نیست یک روز که من یاد مدینه نکنم بر غریبیم که دور از وطنم گریه کنید هر کجا روضه جانسوز حسین است و رباب بر من و بهر عمومیم حسنم گریه کنید یاد آن لحظه که گفتم جگرم می سوزد با همین زمزمه دل شکنم گریه کنید بهر این روضه که مجبور شدم مثل حسین تا که بر قاتل خود رو بز نم گریه کنید جای آن عده که در پشت در حجره من خنده کردند به پرپر زدنم گریه کنید پسرمن نیست که از خاک سرم بردارد بر من و سوختن و ساختنم گریه کنید بر روی بام تنم را به چه وضعی بردند همره فاطمه پیش بدنم گریه کنید در همان لحظه که افتاد تنم در کوچه کاش بودید که بر زخم تنم گریه کنید هر چه بود عاقبت کار کفن شد بدنم همه بر جد بدون کفنم گریه کنید

عبدالحسین میرزایی

میجرم و اسپند

به مناسبت پیوند آسمانی امام علی و حضرت زهرا(ع)

امشب خدا لطف نهان خود هویدا می کند امشب تقاخر فرش بس بر عرش اُغلا می کند امشب دو تا را جفت هم، از صنع یکتا می کند یعنی علی ماورخ زهر آتماشا می کند با چشم دل در صورت او سیر معنا می کند امشب حسد بر خاکیان، بی حد برند افلاکیان خندان چمن؛ رقصان دمن؛ خوش دل زمین؛ خرم زمان در دست اسرافیل بین، صورش شده ساز و دُهل با نور، دعوت نامه بفر ستاده هادی شُبل امضا، ز ختم المرسلین؛ گیر ندگان، خیل رُسل هر کس که آید همرش نی دستر گل؛ یک باغ گل در آمد و شد اولیا، در رفت و آمد انبیا ای غصّه و ای غم برو؛ ای شوق و ای شادی بیا از بهر این ساعت زمان لحظه شماری کرده است وز بهر این وصلت زمین نابرداری کرده است چشم فلک شب تا سحر اختر شماری کرده است ایوب دهر از شوق امشب، بی قراری کرده است دست خدا، وجه خدا را خواستگاری کرده است امشب علی، آن عدل کل بر عقل کل داماد شد شاگرد ممتاز بُنی، داماد بر استاد شد

خوان کرم مخلوق را دعوت به مهمانی کند صد نعمت از رحمت خدا بر خلق ارزانی کند وز طور موسی آمده تا آن که در بانی کند آید خلیل، آرد ذبیح خود که قربانی کند یوسف گرفته میجرم و اسپند گردانی کند کُزو بیان در هلهله، قدوسیان در همههمه عیسی به دنبال علی، مریم کنار فاطمه امشب به ملک اهل دل مولی الموالی، والی است بر سینه غم دست رد، شب موسم خوشحالی است شام سیه بختی شد و روز همایون فالی است کوثر، کنار ساقی کوثر علیّ عالی است زهر را به خانه بخت شد، جای خدیجه خالی است امشب به‌روی مرتضی، لب‌های زهر آخنه کرد آن دل گر از غم مرده بود، از خنده خود زنده کرد

علی انسانی

صبحانه

آینده با پول ساخته نمی‌شود

این پول نیست که آینده را برای شما می‌سازد، بلکه این مهارت‌های شماس‌ت که آینده تان را رقم می‌زند! بسا یادگیری، تلاش و پرورش توانایی‌هایت، درهای موفقیت را به روی خودت باز کن. هر قدم که در مسیر رشد برمی‌داری، تو را به رویاهایت نزدیک‌تر می‌کند. باور داشته باش که قدرت در دستان توست. مهارت‌هایت را تقویت کن، با اعتمادبه‌نفس پیش برو و آینده‌ای درخشان بساز.

منبر

مراثب صبر در قرآن

گفتاری از آیت‌الله محمدباقر تحریری

کنند، مالش را می‌خواهد اصلاح کند گاهی زورش می‌ساید یک مرتبه خمس را بدهد یا ندارد به هر حال دست گردون می‌کند که ان‌شاءالله برود تا برگردد و بدهد... گاهی ما این مسائل رو سبک تلقی می‌کنیم وقتی در آن ورود می‌کنیم. بله این صبر لازم دارد. نفس را در این مکروهات باید تحمیل کرد نسبت به محرّمات الهی، همچنین محرّمات که دامنش وسیع تر است.



می‌رود بعدش هم می‌گوید: «ولش کن، حالا خدا کریم است دیگر، همین مقدار از ما می‌پذیرد در کارها...» بنابراین مسئله صبر یک مسئله گسترده در همه شئون زندگی ما در همه فعالیت‌های عبادی، فعالیت‌های خانوادگی و اجتماعی، اقتصادی، به خصوص استقامت و مقاومت در مسائل سیاسی که در برابر جبهه‌گیری‌های مخالفین حاکمیت دینی، انسان آن موازین اصلی خودش را از دست ندهد. این معنا برای همه هست. گاهی خطابات خاصی در قرآن کریم به پیامبر بزرگوار اسلام(ص) آمده و صبر انبیا را به رخ آن حضرت می‌کشاند. «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَّهُمْ...»(احقاف/۳۵) به هر حال هر مقدار هدف انسان در زندگی بالا باشد، رسیدن به آن هدف ملازم است با مواجه شدن با امور مکروه؛ اموری که به جنبه‌ای از جنبه‌های انسان یا انسان‌های دیگر اصطکاک پیدا می‌کند، نمی‌پذیرد آن را؛ لذا قرآن کریم با تعبیرات گوناگون این مسئله صبر را به ما بیان می‌کند که از جهتی با تقسیم کلی در موارد صبر و امور نامالیم سه قسم صبر را بر ما بیان کرده است. مانند، صبر بر انجام واجبات؛ طرف می‌خواهد حج برود

واجبات؛ طرف می‌خواهد حج برود

حالا می‌خواهد، به حسب ظاهر

حجش درست شود. بعد

می‌رود مالش را اصلاح

مکتب

سعادت حقیقی زندگی

سید مرتضی رنایی

کارشناس علوم دینی

در معارف شیعه، «سعادت» به‌معنای دستیابی به خیر حقیقی و نهایی در دنیا و آخرت است. خیر و کامیابی که در جهت رضای الهی، کمال انسان و فلاح ابدی قرار دارد. از منظر قرآن و اهل بیت(ع) عوامل گوناگونی برای رسیدن به این سعادت ذکر شده‌اند. اگر این مسائل را درک کنیم و بفهمیم که سعادت حقیقی چیست؟ می‌توانیم زندگی الهی و انسانی آرامی داشته باشیم. اما اگر سعادت و راه رسیدن به سعادت را نفهمیم و پیدا نکنیم در مشکلات دنیوی غرق خواهیم شد. اولین قدمی که می‌توانیم برای رسیدن به سعادت دنیایی و آخرتی برداریم، این است که رابطه خودمان را با خدا، مخلوقات خدا و دنیا اصلاح کنیم. «سکونی» از ام‌ام صادق(ع) روایت کند که امیرمؤمنان(ع) فرمود، رسم فقهاء و دانشمندان این بود که چون به یکدیگر نامه می‌نوشتند سه جمله در آن بود که چهارمی نداشت: ۱- (این بود که می‌نوشتند): هر که همت و اندویش، تمامت حجت به یو وجود می‌آید. اتمام حجت بر چه اساس است؟ فقط ارسال رسل و ابلاغ و بعد از آن بازخواست یا چیز دیگر؟ اتمام حجت به این معناست که خداوند پیش از آنکه قومی را مجازات کند یا فردی را مورد عتاب و بازخواست قرار دهد، دلایل کافی، پیام الهی، انذار و هدایت را به شکلی روشن و کامل به او رسانده باشد. به‌گونه‌ای که جای هیچ عذر و بهانه‌ای باقی نماند. پس از آن، اگر فرد یا جامعه‌ای مخالف کند، از روی علم و عناد است و نه چهل و ناآگاهی. اتمام حجت نسبت به همه انسان‌ها در طول تاریخ صورت گرفته، اما شکل و سطح آن متناسب با موقعیت زمانی، عقلی، اجتماعی و ظرفیت افراد است. مهم‌ترین اتمام حجت‌ها توسط پیامبران صورت گرفته است. آنان با آیات، معجزات و تعلیمات الهی، حق را برای مردم روشن کرده‌اند. ادامه‌دهندگان راه انبیا که حجت خدا بر مردم هستند. همچنین در غیبت امام معصوم(ع) عالمانی که حق را از باطل بازشناسانده و مردم را به حق دعوت می‌کنند، نیز حجت بر مردم هستند. البته در مواردی که پیام‌رسانی بی‌رونی نبوده، خداوند از طریق عقل و فطرت درونی نیز حجت را تمام می‌کند و در آخر نشانه‌هایی که در جهان هستی و سنت‌های الهی در اقوام پیشین وجود دارد نیز ابزار اتمام حجت است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «... ما هیچ قومی را عذاب نمی‌کنیم تا آنگاه که پیامبری بفرستیم.»(الاسراء/۱۵) ابلاغ یعنی رساندن پیام ولی اتمام حجت، مرحله‌ای فراتر از ابلاغ تنهاست. در شرایط موجود زندگی انسان باید در دو مورد آخر بیشتر بحث کنیم تا موارد قبلی؛ یعنی انسان‌ها اینقدر که از ناحیه مشاهدات و اتفاقات زندگی‌شان و عقل و فطرت‌شان حجت‌هایی به‌دست می‌آورند، از ناحیه ارسال رسل به‌دست نمی‌آورند. به‌عبارتی وقتی

زندگی انسان‌ها را مشاهده می‌کنیم می‌بینیم در موضوع حجت‌های بیرونی و ابلاغ‌های دینی دسترسی‌شان کم و کوتاه‌تر است تا حجت‌های درونی پس طبیعتاً باید بسیاری از اتمام حجت‌ها و پس از آن بازخواست‌ها از ناحیه فطرت، عقل و مشاهدات باشد. اتفاقاتی که امروزه در جهان در حال وقوع است همانند پیامی از سوی یک پیامبر در حال ابلاغ است و در عین حال یک اتمام حجت تمام‌عیار است. آنچه که در فلسطین و غزه در حال وقوع است، اتمام حجت را بر هر انسانی تمام کرده است و جای هیچ گله و شکایتی از اینکه نمی‌دانستیم، نفهمیدم، ندیدم... باقی نگذاشته است.

صادقانه

خویشتن را بسنجید

امام علی علیه السلام فرمود: ای پندگان خدا! پیش از آنکه سنجیده شوید، خویشتن را بسنجید و پیش از آنکه به حسابان رسیدگی شود، حساب خود را تسویه کنید، پیش از آنکه گلویتان بسته شود و نفس به شماره افتد، تنفس کنید و قبل از آنکه شما را به زور برانند، خود به راه افتید.

نهج البلاغه، خطبه ۸۹

غیر رسمی

توصیه هوشمندانه



قبل از انتخاب آقای خامنه‌ای به رهبری، این‌جانب با ایشان صحبت کرده بودم. در جلسه خبرگان رهبری، ابتدا بحث بر سر این بود که آیا یک نفر باید رهبر شود یا این کار شورایی شود؟ همه‌ی اعضای خبرگان رهبری از تیزهوشی آقای خامنه‌ای آگاه بودند، هم‌چنین بینش سیاسی ایشان بر همه روشن بود.

زمانی که آقای خامنه‌ای برای بازدید رسمی به کروی شمالی رفته بود در مقابل سیاستمداران و خبرنگاران جواب‌های سؤالات را بسیار ماهرانه پاسخ داد. ام‌ام(ره) که از تلویزیون جریان بازدید و سؤال و جواب‌ها را می‌دید از آقای خامنه‌ای بسیار خرسند گشت و گفت ایشان لیاقت رهبری را دارد؛ این سخن ام‌ام بهترین وسیله‌ای گردید تا از آن طریق ایشان برای رهبری انقلاب مطرح گردد.

شبی که ام‌ام رحلت کرد یعنی ده دقیقه پس از آن، به جماران رقتم همین که در را برابم باز کردند دیدم در حیاط همه در حال گریه‌اند، آقای خامنه‌ای کنار درختی با حالت غمباری نشسته بود، آمدم و پیش ایشان نشستم یکی از آقایان آمد و به ایشان گفت قرار است تا ۲۴ ساعت دیگر خبر فوت ام‌ام(ره) را اعلام نکنیم تا کار انتخاب نایب و جانشین ایشان روشن شود و این دو خبر را با هم اعلام کنیم؛ آقای خامنه‌ای جواب داد چیزی که شما می‌گویید من نیز با آن موافقم، ولی موضوع این است که اگر شما ۲۴ ساعت معطل کردید ممکن است مردم از رادیوهای خارجی آن را بفهمند. آن‌گاه آبروی همه خواهد رفت و مردم خواهند گفت خبر رحلت ام‌ام را از ما پنهان می‌کنند؛ در نتیجه راهنمایی و توصیه هوشمندانه ایشان اخبار ۷ بامداد این خبر مهم را اعلام کرد.

مرحوم آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی

حسن ختام

پایان دلتنگی

ای ام‌ام زمان، ای مهربان‌ترین امید! دل‌هایمان دیگر فقط شب‌های جمعه‌بی‌قرار تونیست؛ هر صبح و شام، در تپش انتظار تو می‌سوزد. آقاچان، با هر طلوع، به ظهورت نزدیک‌تر می‌شویم، اما آیا دل‌هایمان نیز به‌تو نزدیک می‌شود؟ قلبمان به عشق تو می‌تپد و بی‌قراری‌مان از شوق دیدار روی توست. بگو که آمدنت نزدیک است، از وصال سخن بگو، از پایان غریب و دلتنگی. ای مرهم زخم‌هایمان، نوید‌ده که هدهد صبا به زودی خبر آمدنت را می‌آورد. بگو که می‌آیی و غبار غربت از دل‌های شکسته‌مان می‌زدایی. آقاچان، تو که خود معنای وصالی، بگو که دیگر غریب نخواهیم ماند. ای نور هدایت، بیا و جهان را با حضور پاکت روشن کن، که ما جز به تو امیدوی نداریم.

